

فهرست مطالب

۲	سرمقاله/ بیکاری و پیامدهای آن اداره مجله
۶-۳	متن بیانیه جلالمتآب محمدسرور دانش گردآورنده حاجی توکل بخشی
۱۰-۷	اسلام عادلانه نظام دی مولوی عبدالملک حمیدی
۱۵-۱۱	فساد اداری از دیدگاه اسلام / قسمت سوم و آخر استاد غلام الدین کلانتری
۲۰-۱۶	حقیقت و حکم شرعی دم و تعویذ / قسمت دوم و آخر دکتر عبدالباری حمیدی
۲۴-۲۱	پدیده شوم فساد اداری استاد محمدشریف رباطی
۲۹-۲۵	زنان و اعمال صالحه / قسمت ۱۴ و آخر مولوی عبدالعظیم جهیر
۳۱-۳۰	تأثیرات نماز در شخصیت انسان مولوی عنایت الله شریفی
۳۴-۳۲	معرفی مختصر شاه ولی الله دهلوی (رح) استاد فریدالله ازهری
۳۷-۳۵	اهمیت صلح و جایگاه ... / قسمت دوم و آخر استاد زین العابدین کوشان
۴۰-۳۸	نیاز جامعه به قانون اساسی مولوی غلام محمد جویا
۴۲-۴۱	په اسلام کی د سولي ارزښت / لړۍ برخه محمد یوسف صدیقی
۴۵-۴۳	فرایند هشت مرحله بی تغییر / قسمت ۱۷ ناصرالدین دریز
۴۹-۴۶	آب و اهمیت آن سیدمسلم شاه اسدی
۵۰	په ټولنه کې دښځو په اړه ... / دوهمه او وروسی برخه استاد نورالله صافی
۵۳-۵۱	برنامه پیامبر (ص) برای ... / قسمت اول عبدالوکیل روفی
۶۰-۵۴	کارکردها و گزارش ها خبرنگار مجله / توکل بخشی

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
قُلْ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ
أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَّ



دیني، علمي، ادبي، تحقيقي او اجتماعي
مياشتنۍ خپرونه
دامتياز خاوند: دارشاد، حج او اوقافو
وزارت
د تاسيس نېټه: ۱۳۳۱ لمريز کال

مدیر مسؤول

مولوی عنایت الله شریفی

سکرتر مسؤول

سید مسلم شاه اسدی

هیأت تحریر

ناصرالدین دریز
استاد غلام الدین کلانتری
استاد محمد شریف رباطی
استاد نور الله صافی
مولوی عبدالملک حمیدی



دور دوم، سال شانزدهم، شماره یازدهم
ماه دلو ۱۳۹۷ هجری شمسی
جمادی الأول - جمادی الثانی
۱۴۴۰ هجری قمری



بیکاری و پیامدهای آن



بیکاری پیامدهای منفی بسیاری از نظر فردی و هم از نظر خانوادگی و اجتماعی در پی دارد که عمده‌ترین آثار آن عبارتند از: ۱- احساس بی ارزشی در فرد ۲- فقر و تنگدستی و مشکلات خانوادگی، ۳- بی مسئولیتی، عمل خلاف و آلوده شدن به اعتیاد... و فرار از وطن، ۴- عقب ماندگی کشور از نظر اقتصادی.

۱- احساس بی ارزشی: بیکاری چه اینکه به خاطر فراهم نبودن زمینه کار باشد و یا به خاطر عدم تلاش خود فرد، در هر دو صورت باعث می‌شود که فرد مورد سرزنش اطرافیان بخصوص خانواده قرار گیرد و یا حداقل اطرافیان توجه لازم را نسبت به فرد بیکار نداشته باشند، در این صورت، فرد احساس بی ارزشی می‌کند.

۲- فقر و تنگدستی: دومین پیامد بیکاری، فقر و تنگدستی و محرومیت از رفاه و آسایش مادی است. بیکاری باعث می‌شود که فرد و خانواده از امکانات مورد نیاز و رفاه و آسایش زندگی محروم گردد. این مسئله به مرور زمان، آرامش روانی خانواده را متزلزل نموده و چه بسا باعث محرومیت فرزندان از تحصیل و دیگر مزایای زندگی اجتماعی می‌گردد. خانواده و فرزندان، اوضاع معیشتی خود را با وضعیت زندگی دیگران به خصوص خانواده‌هایی از فامیل که از نظر اقتصادی در وضع مطلوبی قرار دارند، مقایسه نموده و از زندگی خود مرتب اظهار نارضایتی کنند و در بعضی موارد حتی ممکن است این امر به فروپاشی نظام خانواده منجر شود.

۳- بیکاری زمینه ساز خلاف کاری ها و بی مسئولیتی ها جامعه شناسان علل متعددی را برای خلافاکاری ذکر کرده اند که یکی از آن علل عامل اقتصادی و فقر و بیکاری است. بیکاری باعث می‌شود جوانان برای تامین زندگی خود مرتکب کارهای خلاف شوند. تحقیقات نشان داده است که بیش از نصف افرادی که مبتلا به خلافاکاری شده اند، افراد بیکار بوده اند و یا حداکثر عمر خود را به صورت فصلی قرار دادند که فرد مسئولیت پذیر نبوده مرتب تغییر موقف می دهد.

۴- آلوده شدن به اعتیاد: برخی پژوهشگران دریافته‌اند که رابطه مستقیمی بین اعتیاد به مواد مخدر و وضع نابسامان اجتماعی وجود دارد، به گونه ای که پیامدهای بزرگ اعتیاد و همه گیر شدن آن اغلب در مناطقی روی می‌دهد که معیار بیکاری و جنایت بالاست یا وضع منطقه و منازل، از نظر امنیت و تأمین رفاه عامه رضایت بخش نیست. وقتی برای افراد مخصوصاً جوانان شغل مناسب و برنامه کاری نباشد، گرد هم جمع می‌شوند و حاصل چنین مجموعه ای آلوده شدن به قمار، فحشا و اعتیاد و ... است.

۵- بیکاری یکی از عوامل عقب ماندگی کشور و جامعه: در میان کشورهای جهان، بعضی از ملّت‌ها را می‌بینیم که میانگین کار در میان آنان به ساعت‌ها می‌رسد و بدین سبب از نظر اقتصادی به جایگاه بالایی از اقتصاد و خود کفایی رسیده و به پیشرفت‌های چشمگیری نایل شده‌اند تا جایی که مورد تحسین، حسرت و حسادت کشورهای دیگر حتی ابرقدرت‌ها واقع گردیده اند، در حالی که شاید از کشورهای دیگر این میزان به دقایقی چند، بیشتر نرسد و از این رو باعث شده تا در زمره کشورهای عقب مانده و توسعه نیافته و یا در حال رشد باقی بمانند و نتوانند لذت رشد و پیشرفت و استقلال اقتصادی را درک نمایند. خلاصه کلام اینکه سعادت و خوشبختی یک جامعه و افراد آن، مرهون کار و فعالیت، شقاوت و بدبختی آنها بر اثر تنبلی و بیکاری است.

بنّا دولت مردان و آنانی که توسط رای مردم بر مسند قدرت تکیه زده و بر امور ملت تسلط دارند، با درک چنین مفاهیم، اوضاع را در متن جامعه به تحلیل گرفته قبل از آن که شیرازه اجتماعی در حوزه های اقتصادی، امنیتی و دفاعی از هم بپاشد تدابیر جدی را برای جلوگیری از آسیب بیشتر عملی سازند، همنوا با اقشار مختلف مردم در هر سطح راهکرد های رفاهی و اشتغال مناسب را برای افراد تضمین و تأمین نمایند تا دیگر خلاء فکری و روانی پدید نیامده و تجمع مخالفین و اپوزیسیون رهبریتی را که خود مردم در انتخابات آزاد تعیین نموده اند، ساقط سازند.

متن بیانیه جلالتمآب محمد سروردانش معاون دوم رئیس جمهور

در مراسم معرفی سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف

برادرگرامی مولوی عبدالحکیم منیب سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف، برادرگرامی فیض محمدعثمانی وزیرپیشین وزارت ارشاد، حج و اوقاف، معینان ورؤسای وزارت، مشاورین مقام ریاست جمهوری، اعضای کابینه وشورای ملی، نمایندگان ادارات دولتی، علمای کرام، حضارگرامی، مهمانان عالیقدر! السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

درا ابتدا تعیین برادرگرامی مولوی عبدالحکیم منیب رابه عنوان سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف به ایشان وهمه منسوبین وزارت تبریک می گویم واز خداوند متعال موفقیت ایشان رادر این مسئولیت مهم وخطیراستدعادارم وهمچنین بجای دانم تایادآوری نمایم ازبرادر عزیزم فیض محمدعثمانی وزیرپیشین این وزارت، تشکروقدردانی کنم آقای عثمانی رادقیقاً در ۱۳ ماه دلو (۱۳۹۳) طی یک مراسم درسالن جلسات وزارت به هیأت رهبری ومنسوبین وزارت معرفی کردم اکنون از آن روزچهارسال سپری شدایشان درطی این چهارسال موفقیت ها ودستاوردهای فراوانی داشتند وتلاش هاوزحمات بی شایبه ای رامتحمل شدند، من ازنزدیک ازش طریق کمیته ملی حج وکابینه شاهدبودم که ایشان وظایف قانونی خودراباحوصله وشکیبایی وباعشق وعلاقه به صورت خستگی ناپذیرتعقیب می کردند. آرزومندم ایشان درهمه فعالیت های خود درموقعیت های دیگرزندگی سیاسی واجتماعی بیش ازی پیش موفق باشند من مطمئنم که برادرگرامی مامولوی منیب نیزبه خوبی وشایستگی این مسئولیت مهم راانجام خواهد داد. ایشان ازلعلمای برجسته وشناخته شده کشوربوده وهم تجربه طولانی مدت درحکومت ودراین وزارت داشته وباوظایف وصلاحیت های این وزارت ومنسوبین آن هم کاملاً آشنا هستند وهم بانهاد های دینی وفرهنگی رابطه نزدیک وعمیق دارندوهم درمیان جامعه علما وروحانیون کشور ازا احترام خاصی برخوردار هستند.

حضار گرامی!

بااغتنام اذ فرصت مطالب کوتاهی رادرباره نقش سازنده وجایگاه ارزشمند وزارت ارشاد، حج و اوقاف، باشما درمیان می گذارم.

اهمیت وزارت ارشاد، حج و اوقاف ازا این جهت است که یکی اذ عرصه های مهم زندگی فردی واجتماعی ما رامدیریت می کنیدیعنی عرصه دینداری وپاسداری ازارزش های دینی وارائه خدمات دینی وارشاد مردم متدین افغانستان وآگاهی دادن آنان نسبت به آموزه های دین مبین اسلام.

شما می دانید که مطابق ماده دوم قانون اساسی ما، دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان دین مقدس اسلام است ومطابق ماده سوم قانون اساسی درافغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات واحکام دین مقدس اسلام باشد براساس همین ماده قانون است که درطول سالیان اخیرشخص وزیرارشاد، حج و اوقاف یکی اذاعضای اصلی کمیته قوانین کابینه است دلیل این عضویت این است که وزارت ارشاد، حج و اوقاف به نمایندگی اذ علما ونهادهای دینی، درمورد تهیه وتدوین قوانین باید ازنزدیک حضور داشته ودر رابطه بااحکام هرقانون وعدم مخالفت آن بامعتقدات واحکام دین مقدس اسلام نظردهد.

مهم تر از آنچه گفته شد، ماده هفدهم قانون اساسی است که به طورمشخص یکی اذوظایف مهم

وزارت ارشاد، حج و اوقاف را بیان می کند دراین ماده آمده است دولت برای ارتقای معارف درهمه سطوح، انکشاف تعلیمات دینی، تنظیم وبهبود وضع مساجد، مدارس ومراکز دینی تدابیر لازم اتخاذ



می نماید براساس این ماده تنظیم و بهبود وضع مساجد، مدارس و مراکز دینی که یکی از مکلفیت های دولت است، از طریق وزارت ارشاد، حج و اوقاف صورت می گیرد.

تنظیم و رسیدگی به امور اوقاف یکی دیگر از مهم ترین وظایف دیگران وزارت را تشکیل می دهد و مهم تر از همه عرصه حج و زیارت است که یکی از شعایر مهم دینی ما است و خوشبختانه این مراسم مهم دینی در سال های اخیر هر سال بهتر از سال قبل برگزار می شود که نتیجه تلاش های بی وقفه و مخلصانه رهبری وزارت ارشاد، حج و اوقاف است و در این رابطه نیز از وزیر پیشین جناب عثمانی صاحب و همه همکاران ایشان در بخش حج و همچنین از جناب منیب صاحب که در طول این سال ها مسئولیت معینیت مسلکی وزارت را به دوش داشتند از جانب خود و رهبری حکومت صمیمانه تشکرمی کنم و امیدوارم ادای این فریضه دینی در آینده نیز بهتر از سال های گذشته مدیریت شود.

حضار گرامی!

وزارت ارشاد، حج و اوقاف رابطه تنگاتنگ با علمای دین دارد. رابطه این وزارت با علما و شورای علما باید بیش از پیش تقویت شود و توسعه یابد. جلالت مآب رئیس جمهور همواره تاکید کرده است که فاصله بین ارگ و مسجد باید از بین برداشته شود و علما در همه مسایل ملی باید سهم بگیرند، امیدوارم با توجه به پیشینه و جایگاه مولوی صاحب منیب در میان علما رابطه این وزارت با علما بیش از پیش تقویت شود، علمادار تاریخ افغانستان و در زندگی سیاسی و اجتماعی و مبارزات استقلال خواهانه مردم متدین کشور نقش بی بدیل داشته اند و همچنین در مبارزه با فساد و ناهنجاری ها و در ترویج حقایق دین و آموزش قرآن و سنت و تبلیغ شریعت غرای محمدی و ارزش ها و سنجایای حمیده اخلاقی، رسالت بسیار بزرگ و سازنده ای بردوش دارند و وظیفه حکومت و وزارت ارشاد، حج و اوقاف است که زمینه فعالیت های مثبت علما را در سرتاسر کشور فراهم نماید.

اما آنچه مهم است توجه علمای کشور به نقش و رسالت تاریخی شان است امروز مادر کشور خود در یک شرایط استثنایی و غیر عادی هستیم و از این رو علمای ما هم باید به گونه استثنایی همت کنند و تلاش مضاعف نمایند تا از این وضعیت غیر عادی نجات یابیم من با استفاده از فرصت چهار نکته را در مورد نقش علما یادآوری می کنم:

اول: نقش علما در مبارزه با افراطیت دینی است ما همگی به نیکی می دانیم که افراطیت در دین مبین اسلام راه ندارد. حقیقت دین مبتنی بر زندگی صلح آمیز انسان ها و احترام به کرامت و حقوق انسان است قرآن شریف مهم ترین ویژگی امت حضرت محمد (ص) را چنین بیان کرده است و (کذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیدا).

یعنی ما شما را امت میانه و اعتدال گرا قرار دادیم تا شما گواهان و ناظران بر مردم و پیامبر گواه و ناظر بر شما باشد حضرت علی (رض) فرمود (الیمین والشمال مضله والطریق الوسطی هی الجاده) یعنی راست و چپ هر دو راه گمراهی است و راه میانه همان جاده مستقیم است.

خوشبختانه مردم کشور ما پیرو دوماذهب حنفی و جعفری هستند و این هر دو مذهب متکی و مبتنی بر عقلانیت و اعتدال هستند و در هر دو مذهب ما از نگاه فقهی بعد از کتاب و سنت و اجماع، عرف، عقل و یاقیاس از ادله و منابع اولیه فقاقت و اجتهاد هستند و پیشوایان این دو مذهب مخصوصاً اما ابوحنیفه و امام جعفر صادق هر دو این اصل را به ما آموخته اند که: أنا لانکفر احداً من اهل القبلة) بنابراین در دین و مذاهب ما تکفیر مسلمان و افراطی گری مذهبی راه ندارد اما بدبختانه امروز عده ای منحرف از دین، افراطیت و خشونت را وارد دین ساخته اند و جوانان مردم را از راه میانه و صراط مستقیم دیانت انسان



ساز اسلام به انحراف کشانده و به آنان درس انتحار و انفجار و کشتار مسلمانان را می آموزند این وظیفه بنیادی علمای دین اعم از شیعه و سنی است که به عنوان وارثان شریعت پیامبر باین نوع افراطیت افسار گسیخته و ویرانگر مبارزه کنند.

دوم: نقش علما در تامین وفاق ملی و وحدت دینی است ما خوشبختانه در افغانستان بسیار باید خرسند باشیم که مردم ما اعم از شیعه و سنی از نگاه مذهبی در کنار همدیگر در یک فضای بسیار برادرانه و دوستانه به سر می برند و در طول تاریخ مخصوصاً در یک ونیم دهه اخیر علی الرغم پاره ای از فتنه انگیزی های داخلی و خارجی، ما خوشبختانه هیچ نوع اختلاف و منازعه مهمی را در این رابطه شاهد نبوده ایم و این وضعیت محصول تلاش و دورانیشی علمای شیعه و سنی ما بوده است که به سهم خود از یکایک آنان تشکر می کنم اما در این اواخر جدا از مسایل مذهبی، شالوده وحدت ملی ما در اثر نفرت پراکنی های زبانی و قومی به شدت آسیب دیده است که در این رابطه نیاز از علمای بزرگوار جداً تقاضا می کنم که در منابر و مساجد و نمازهای جمعه بر تحکیم وحدت ملی و دوری از انفاق های قومی و زبانی تاکید کنند و مردم را به همگرایی و همبستگی ملی و به یکدلی و وفاق دعوت نمایند.

سوم: نقش علما در دفاع و حمایت از نیروهای دفاعی و امنیتی کشور است، ما همگی می دانیم که کشور ما در طول سال های اخیر در معرض تجاوزات بی رحمانه و جنگ های تحمیلی قرار گرفته است جنگ هایی که ریشه اصلی آن در بیرون از مرزهای کشور قرار داشته و دشمنان افغانستان به خاطر اهداف استراتژیک خود به تمویل و تجهیز و آموزش مخالفان دولت افغانستان می پردازند جنگ هایی که تاکنون ده ها هزار تن از مردم ملکی و ده ها هزار تن از نیروهای جان برکف دفاعی و امنیتی ما قربانی گرفته است در چنین شرایطی همه ما مکلف هستیم که از نیروهای دفاعی و امنیتی خود حمایت کنیم و در این رابطه علما نقش بسیار برجسته ای به عهده دارند اگر فداکاری های سربازان و افسران دلیر ما نمی بود، اکنون از استقلال و عزت ما خبری نبود و موجودیت ما کاملاً در معرض تهدید قرار گرفته بود من از همین جا از آدرس علمای دین و وزارت ارشاد و حج افغانستان به روان پاک شهدای اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی درود می فرستم و یاد و خاطره جاویدانه آنان را گرامی می دارم.

چهارم: نقش علما در صلح است در این رابطه باید گفت نه مردم افغانستان و نه دولت افغانستان هیچگاه جنگ طلب نبوده اند ما همواره به طور متداوم باورمندانه صلح را فریاد کرده ایم رهبری حکومت وحدت ملی و مخصوصاً جلالت مآب رئیس جمهور برای تحقق صلح از هیچ گونه تلاشی دریغ نکرده است هم در سطح ملی و هم در سطح منطقه ای و بین المللی و آمادگی کامل و بدون قید و شرط خود را برای آغاز گفتگوهای مستقیم با طالبان اعلام کرده است در سال های اخیر تشکیل شورای عالی صلح یکی از ابتکارات دولت افغانستان بوده است این شورا در طول دوره فعالیت خود تعدادی از اعضای فعال خود را در راه صلح از دست داده است و حتی رئیس این شورا استاد برهان الدین ربانی در این راه قربانی شد و در یک سال اخیر این شورا تحت ریاست و مدیریت مدبرانه استاد محمد کریم خلیلی و همکاران شان تلاش همه جانبه خود را در این راه انجام داده است. شورای سرتاسری علماء و همه علمای بزرگوار ما نیز باتدویر نشست ها و کنفرانس های بسیار مهم در داخل و خارج کشور، فتوای مهم تاریخی خود را در مورد حریم جنگ و ضرورت صلح به اتفاق آرا صادر کردند.

نتیجه این تلاش های همه جانبه این بوده است که در ماه های اخیر روند صلح طلبی با اقدامات برخی از کشور های دوست افغانستان و در رأس دولت ایالات متحده امریکا و کشور های عربی شدت یافته و روزنه های امیدی نیز ایجاد شده است.



اما باید گفت هنوز ابهامات زیادی وجود دارد و برای مردم افغانستان پرسش های زیادی ایجاد شده است. ما طرفدار صلحی هستیم که افغانستان را به جلو هدایت کند نه این که ما را به عقب برگرداند. ما طرفدار صلحی هستیم که به جنگ و منازعه را برای همیشه پایان دهد، نه این که باعث تداوم نزاع به اشکال دیگر شود. اگر برخی می گوید که توافقنامه بن در ۲۰۰۱ معیوب و ناقص بود و باعث تداوم جنگ شد، اکنون باز هم نگرانی در این است که طرح های بن ۲ و اداره مؤقت و انتقالی بازهم یک بار دیگر افغانستان را به جنگ هایی از نوع دیگر بکشاند. ما صلحی را می خواهیم که همه جوانب از طریق یک مذاکره مستقیم بین الافغانی و بامالکیت افغان ها، از جنگ دست کشیده و با پذیرفتن زندگی مسالمت آمیز سیاسی، به اراده و انتخاب مردم احترام بگذارند و از این طریق سهمیم در قدرت سیاسی شوند. باید تأکید کنیم که بین این دو فورمول تفاوت عمیق ماهوی وجود دارد یعنی سهمیم شدن در قدرت سیاسی و یاتسلط یافتن بر قدرت سیاسی. ما طرفدار صلحی هستیم که چارچوب نظام سیاسی موجود کشور، منافع ملی، وحدت ملی ما و همچنین حقوق اساسی شهروندی، آزادی های سیاسی، آزادی بیان و نظام مبتنی بر آرای مردم حفظ شود. نظام امارتی و میکانیزم اهل حل و عقد و سازوکار های مشابه دیگر با شرایط امروز افغانستان سازگاری ندارد و مردم افغانستان نمی توانند اجازه دهند که یک گروه خاص سرنوشت آنان را در اختیار بگیرد و بازهم همسایگان ما از طریق دیگر برای بلعیدن افغانستان چنگ و دندان تیزکنند. ما می خواهیم افغانستان همچنان با همسایگان و باهمه متحدان استراتژیک خود در چارچوب احترام متقابل و رعایت منافع متقابل رابطه دوستانه داشته باشد.

علمای دینی ما در سرتاسر کشور باید اذهان مردم را روشن بسازند که ما به تمام معنا تشنه صلح و طرفدار ختم جنگ و ایجاد امنیت پایدار در افغانستان و منطقه هستیم اما این را هم باید توضیح دهند که ما چگونه صلحی می خواهیم؛ صلحی با عزت و پایدار؛ صلحی که همه انواع جنگ ها و منازعات را در کشور خاتمه بدهد؛ صلحی که زمینه هر نوع مداخله همسایگان و خارجیان را از بین بردارد و به ما اطمینان دهد که از خارج مرز های خود مورد تهدید قرار نمی گیریم.

حضار گرامی!

نکته دیگری که باید علماء برای مردم به روشنی آگاهی دهند برگزاری انتخابات ریاست جمهوری است. حلقات داخلی و خارجی در این ایام اذهان مردم افغانستان را مغشوش می سازند که گویا انتخاباتی در کار نیست و عمر نظام مردم سالار و ارزش های دموکراسی و حقوق بشر در افغانستان رو به پایان است. باید همگی بدانیم که نه تنها حکومت افغانستان با همه توان و با اراده قاطع مصمم است که انتخابات را در تاریخ تعیین شده برگزار کند، بلکه تمام احزاب سیاسی و رهبران و نخبگان کشور و نهاد های مدنی و تمام اقشار و گروه های اجتماعی و قومی افغانستان اجماع دارند که باید انتخابات برگزار شود و همگی بر این باورند که اگر روزی دروازه رأی دادن به روی مردم افغانستان بسته شود، تمام دروازه های دیگر نیز مسدود شده و ما بار دیگر در یک بحران بی انتهای دیگر غرق خواهیم شد.

در پایان یک بار دیگر برای رهبری جدید وزارت ارشاد، حج و اوقاف هم تبریک می گوئیم و هم آرزوی موفقیت می کنم و هم از همه علمای کشور اعم از علمای شیعه و سنی می خواهیم که در جهت تقویت برنامه های این وزارت از هیچ نوع کوشش و همکاری با رهبری جدید وزارت ارشاد، حج و اوقاف دریغ نورزند.

السلام علیکم و رحمت الله و برکاته



اسلام عادلانه نظام دی

مولوی عبدالملک حمیدی

چې په پایله کې دا رنگه طبقه بندی دټولنې په بریادۍ او تباهی باندې ختمیږي. قرآن کریم انسانانو لپاره معاشرتی مساوات او برابری دستونزو دحل لپاره وړاندې کړی او دانسانانو په لاس جوړ شوي ټولګی او تقسیمات او توپیرونه ئې ټول مردود بللي، پدې اړوند الله تعالی فرمایي:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلَكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾
الحجرات: ۱۳

ژباړه: ای خلکو! تاسې مو دیوه پلار او یوې موره را پیدا کړي او بیا مو تاسې ډلی ډلی او قبیلې وګرزولی، څو یوله بل سره وپېژنی یقیناً ستاسې نه دالله په وړاندې هغه کس غوره دی چې پرهېزګاره وي او الله تعالی ددیرعلم لرونکی او باخبر ذات دي.

دټولنیز عدل دا غوښتنه ده چې دټولنې هروګړې باید دعدالت پلی کولو په موخه هرډول هلې ځلې ونه سېموي او دخپل توان او موقف په اندازه پدې لاره کې خپله وجیبه سرته ورسوی.

دبیلګی په توګه په یوه ښارګې روغتون ته اړتیا لیدل کیږي نو ددغه ښار دټولو اړخونو دنده ده

چې: قوله حق، فعله حق وقضاوة حق. په یوه مبارک حدیث کې مسلمانانو ته توصیه شوی ده چې پخپلو دعاؤو کې دا رنگه ادب مراعات او عاجزانو الفاظ استعمال کړي:

(ماض فی حلمک، عدل فی قضاؤک...) یعنی ای ربه! ستاحکم زما په اړوند کیدونکی او ستا فیصله زما په هکله عادلانه ده.

الله تعالی عادل دي او هره فیصله چې هغه عادل ذات کې کوي هغه په حقه او عادلانه ده، دکایناتونظم، داجزاوو ترکیب حرکت او سکون ټول دعدل نه راڅرګند شوي چې پکې هیڅ ډول بی نظمۍ، خرابۍ او عیب نه لیدل کیږي.

دعدل عمومیت او شمولیت:

دا چې دانسان ژوند مختلفو برخو ته شامل دي، نو عدل همدارنګه په مختلفو حالاتو سره تغیر مومی، لکه انفرادی، ټولنیز عدل لکه معاشرتی، سیاسي، قانوني چې ټول په قرآنی آیتونو او نبوی احادیثو کې بیان شوي دي.

په ټولنیز ژوندانه کې هغه وخت بی انصافي را منځته کیږي چې دخلکو ترمنځ معاشرتی امتیازات او توپیرونه را پیدا شي، ددوی ترمنځ دغلام او بادار، عام او خاص، ټیټ او لوړ او ظالم او مظلوم طبقات جوړ شي

الله ﷻ دغه دین انسانیت ته ډالی کړ ترڅو عدل او انصاف په ټولو کارونو کې دبشریت منځ کې خپور کړي عدل او عدالت داسلام یوځانګړی خصوصیت ګڼل کیږي چې دانسانانو نه ئې دهغه تعميل او دهغه په مقتضا سره ژوند کول غواړي.

دعدل کلمې مشتقات په الهی بلیغ کلام- قرآن عظیم الشان- کې شپږ ویشته ځله ذکر شوي چې دعدل اهمیت او ضرورت ورڅخه را څرګندیږي.

که چیرې دعدل او عدالت اصلی مفاهیمو ته څیړشو، دا راته په داګه کیږي چې دعدل په تصور کې دوه ځانګړی حقایق نغښتی دي، یو دا چې دانسانانو ترمنځ حقوق توازن او تناسب سره لري، او دوهم داچې دنورو حقوق په آسانی سره ورکوي.

دعدل مفهوم دا دي چې دالله تعالی له طرفه دانسانانو په حقوقو کې یو توازن موجود دي او دا تقاضا کوي چې باید اخلاقي، معاشرتی، قانوني، سیاسي او مدنی حقوق دهر شخص ورکړل شي.

العدل، دالله تعالی دصفاتو له جملې نه یو صفت دي، یعنی دا چې دالله تعالی قول، فعل او فیصلی دتوازن او تناسب او لوړ حکمت سره منافات نلري او هغه داسې ذات دي



چې د روغتون جوړول، اهمیت او ضرورت دشریعت په چوکات کې بیان او خلک دغه کارته را وهڅوی ترڅو یو روغتون ولری.

دمطبوعاتو او رسنیو دا دنده ده چې دنوی موضوع په اړوند عامه پوهاوی او دخپلو لیکنو او ټولنیزو اطلاعاتو له لارې خپل فعالیت وکړي.

شعراء دخپلو شعرونو په ویلو سره دناروغانو درملنه او د روغتون شتون انځور کړي، دټولنې دشتمنودا دنده ده چې په دی لاره کې خپل مالونه ولگوی او د روغتون په جوړولو کې عملی گامونه را پورته کړي.

همدا رنگه دچارواکو دنده ده چې خپلې اجرائیه او تنفیذیه قوی په کار واچوی او عملاً روغتون جوړ کړي.

خوکه چیرې د روغتون په جوړولو کې افراد سستی یا بې تفاوتی وکړی نو په هغه صورت کې به ټول گنهار او ظالم بلل کیږی. دیوې ټولنې افراد دیوه جسم داعضاوو په څیر دي، لکه په بدن کې چې مثلاً که زړه خپله دنده په ښه توگه سرته ورسوی خو معده خپله دنده په فعاله توگه اجراء نکړي، نو پدی صورت کې ټول بدن ان زړه هم ناروغه کیږی.

په همدی توگه که چیرې حکومت چې دملت داخلي او خارجي چارو کنترول او اداره په لاس کې لري، په هغه صورت کې به ورته عادل حکومت ویل کیږی چې دا دندی په ښه توگه سرته ورسوی.

دحکومتونو دندی یوازې دا ندی چې خپل منافع او مصالح لاسته راوړی، بلکه دنده ئې دا ده چې خپل ټول توان دخپلو خلکو دآرامی او سوکالۍ لپاره پکار واچوی.

افلاطون وايي:

ښه حکومت هغه دي چې دخپل ملت هر وگړي ته مناسبه مرتبه او مقام ورکړي او دا توان ولری

چې احسانات او نیکی ئې دملت هر وگړی ته باید ښکاره شي او دهریوه سره داسې مرسته وکړی چې هریو دخپل مسؤولیت اداء کولو ته عیار شي.

دعدل ډولونه:

۱- انفرادی عدل:

انسان دانفرادی طبیعت له پلوه افراط (له حده تیریدنه) او تفريط (دحقوقو په اداء کولو کې تقصیر) او ظلم لورته مایل دي چې دا ډول انفرادی طبائع او سلوک ډیر خطرونه رامنځته کوي نوځکه الله تعالی انسان دغه خطرته متوجه کوي او ورته ښوونه کوي چې افراط او تفريط دواړه مردود صفتونه دي.

الله تعالی انسان دمال سره دزیات محبت نه منع کوي او بخیلی ئې بده بللی، ځکه دمال سره مینه په انسان کې خود خواهی را پیدا کوي چې بیا د اعتدال پرځای فساد او خلل رامنځته کوي، الله تعالی فرمائی: ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾ الإسراء: ۲۹

ژباړه: او بخیل مه کیږه لکه دچا چې لاس تړلی وی او مه ئې په زیات افراط سره مصرفوه چې لاس د خلاص نیولی وی او هرڅه بل ته ورکوي نو ته به ملامت او پښیمانه شي چې ټولنه شتمنی به د یو ځل خلاصه شي.

همدارنگه الله پاک دانفاق په هکله توصیه کوي:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ الفرقان: ۶۷

ژباړه: او هغه کسان الله ته خوښ دي چې کله انفاق کوي نه اسراف کوي نه بخیلی افراط او تفريط نکوی او داسراف او بخیلی ترمنځ ئې معتدله، وسط او منځ لاره غوره کړي وي.

۲- ټولنیز عدالت:

یوې ټولنې ته هغه وخت عادلانه ټولنه او

معاشره ویل کیدای شي، چې قوانین او نظام ئې داسې آسانه وي چې په مساوی توگه ئې د افرادو داستعدادونو د ودې او ترقی لامل وگرزی، او ترهغه چې دترقی او لوړتیا اسباب په یوه ټولنه کې را پیدا نشی ترهغې ورته عادلانه ټولنه نشی ویل کیدای، مثلاً په انسانی ټولنه کې سوداگر وجود لری چې دخپل کارو بار دښه رونق لپاره تیلیفون، پست او دحمل او نقل وسایلو ضرورت لري، علماء او طالب العلمان دخپل علم زده کړي لپاره کتاب مدرسې، مکتب او آرام چاپیریال ته اړتیا لري، هغه ډلی چې دمنازعاتو دحل لپاره ضرورت لري، قوانینو او مسؤولینو ته ضرورت لري څو جنایتکاران په سزا باندی ورسوی...

نوهغه وخت عادلانه ټولنه ورته ویلای شو چې دا رنگه اوصاف ولری، خوکه دا رنگه اوصاف ئې نه درلودل، بی پروا او ظالمانه ټولنه ده.

دیوه حکومت دنده ده چې دخپل ملت لپاره ئې ددوی دتوان او استعداد مطابق څرگند چې دوی غواړي ورته دکارزمینه برابره کړي، مثلاً دیوه تاجر لپاره دهغه دکارو بارزمینی برابرولو ترڅنگ هغه تشویق کړي ترڅو تجارت ئې وده وکړي چې پدی صورت کې خپله تجاراو ټولنې ته پکې خیر او منفعت رسیږي، خوکه چیرې دولت ورته موانع ایجاد کړي، په یوه او بل نامه ورڅخه ټکس او باج واخلي، پاتک ئې په هره لاره کې اچولی، نو دا رنگه مزاحمتونه به دټولنې په گټه څرنگه تمامه شي؟

دافرادو منځ کې دعدالت تامینول دحکومت ددندو له جملې څخه دي، باید دولت په دی لاره کې لازم او گټور اقدامات پکار واچوي، علامه ابن خرم وائی:

(دهرنسار په ثروتمندانو او بډایانو باندې



لازمه ده چې دخپلې ټولنې غريب او بې وزلان له لاسه ونيسي، او دهغه ښار دپاچا دا مسؤليت دي چې بډايان دغه کارته مجبورکړي) «ابن حزم، المحلى، ص ۱۵، ج ۶»

۳- په حياتي چارو کې عدالت:

اسلام په انساني ژوندانه کې د اعتدال او همغږۍ تصور وړاندې کوي او ددغه تصور دحفاظت او ساتنې په موخه معاشرتي عدالت مهم نقش لري، تېرى او استثمار په اقتصادي ژوندانه کې دمال راټولولو حيواني مفکورې او اسراف نه رامنځته کېږي، خوداسلام مبین دين فی سبيل الله انفاق، مساوات او سرښندنه او ايثار په دغه اقتصادي ژوند کې ترټولو ښه وړانديز بولي.

بيخايه لگښتونه او بخیلي ئې دواړه مذموم صفتونه بللی او ورڅخه ئې بشریت ویرولی دي.

اسلام هيڅوک له ژوندانه او نورو حقو حقوقو څخه محروم ندی بللی او اقتصادي نظام ئې په پوره عدالت سره ولاړ دي چې نه فرد له واکه باسی چې شخصي ملکیت ونلری او نه ئې دومره آزاد بولی چې سرمایه له هرې مشروع او غیر مشروع لارې په هر ډول ئې چې زړه غواړي، ترلاسه او یا دنورو په حقوقو او سرمایو باندې خپله واچوي، بلکه ورته وائي چې:

من اين لکه هذا وفي ای طريق تسرفه؟
يعنی دا مال دله کومه کړي، له کومې لارې دلاسته راوړی او دغه مال په کومه لاره کې مصرفوی، یوازې خپل ځان ورباندې چاغوي، یوازې خپله دنیا پرې جوړوی که نه دبل مسلمان مظلوم هم څه فکر درسره دی او دآخرات ورځ دهم په یاد ده، لکه الله تعالی چې فرمائي:

﴿فَمِنَ النَّكَاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ

وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾
البقرة: ۲۰۰-۲۰۲

ژباړه: دخلکو ځینی داسی دي چې وائي ای الله موږ ددنیا شتمنی راکړه، خوددوی په آخرت کې څه برخه نه وی او ددوی نه نور بیا وائي ای الله موږ ته ددنیا او آخرت نیکی را په برخه کړی او موږ ددوږخ له اوره وساتئ، دوی هغه کسان دي چې ورته به ورسپړی برخه دهغه نه چې دوی کسب کړي او الله تعالی ډیر زر محاسبه کوونکی دي.

۴- په قانوني او سیاسي چارو کې عدالت:

انسان هغه مهال دانفرادی او اجتماعی ظلم سره مخامخ کیږي چې سیاسي چارو واکي دظالمو او مستبدو اشخاصو پلاس شي ځکه کله چې دیوې ټولنې سیاسي زمامداران ظالم وي، نه یوازې دا چې دافرادو حقوق ضایع او تلف کیږي، بلکه دټولنې امن او سکون هم له منځه وړي.

په قانوني او سیاسي عدل موضوع کې دا مسئله ستونز هغه وی چې دمسلمانانو دوی ډلې خپل منځ کې سره په جگړه بوختی وي، ځکه کیدای شي کوم سیاسي قوت دیوې سره مرسته ولری خودغه برخه هم قرآن عظیم الشان په ډیر بلیغ ډول سره حل کړي، الله تعالی فرمائي:

﴿وَلِیِّنَ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَفْتِنَلُوا إِلَّیَّ تَبَعِی حَقَّ نَفْعِیَ إِلَیَّ أَمْرُ اللَّهِ فَإِنْ فَاتَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾
الحجرات: ۹

ژباړه: که چیرې دمسلمانانو دوي ډلې خپل منځ کې سره په جگړه وي، نو ددوي ترمنځ سوله وکړي، که دسولی وروسته یوې پر بلې تېری وکړ نو دتېری کوونکو په مقابل کې وجنگېږی ترڅو دالله امرته غاړه کېږدی، که ئې بیا دالله لاره او سوله ومنله نو ددوی ترمنځ په عدل سره سوله وکړي او

انصاف وکړي چې الله تعالی عدل او انصاف خوښوي.

سیاسي عدل پدی مانا سره دي چې هروکړي په پوره ډاډ سره ژوند وکړي، هیڅ ډول محرومیت احساس نکړي، دظلم او بې عدالتۍ تغیر ددولتي او تنظیمي چپلونو څخه پوره ورک، دهرچا ځان، مال، عزت او آبرو، آزادی خوندي او ټولو خدای ورکړي. حقوقو ته لاس رسی ولری، ځکه کله چې دا حقوق خوندي نه وي، نوهلته دځنګل قانون حاکمېږي، یوازې زورور اوښکروږ به قدرمن او دځنګل پاچا وي.

دقانون جوړول او تنفیذول یوه طولانی عملیه ده او دانسان دژوند ټولی برخی رانیسی او انسان دخپل عقل، تجربی، مشاهدی او یو د بل سره دمشورې په ترڅ کې خپل ځانته قوانین جوړوی، خو هغه قانون چې حکیم ذات ﷺ دخپل لوړ حکمت پرمقتضا، دانسانانو دسوکالی او ښیرازی لپاره جوړ کړي چې که چیرې ئې انسان عملی کړي نو ددنیا او آخرت نیکمرغی به ئې په برخه شي خودغه متمرد انسان چې یا خودعادلانه قوانینو نه پوره خبرندي او یا دا چې ددغه قوانینو په تنفیذ کې کوتاهی کوي چې پایله ئې دعدالت نه راتلل وي.

امام رازی لیکي:

«هغه عدالت چې الله تعالی ورباندې امرکړي یو شامل عدالت دي چې حکام او علماء ټول پکې شامل دي، یعنی دا چې حکام او زمامداران پررعییت او علماء پر عوامو عدالت وکړي، چې هغه فاسدو او باطلو تعصباتو او بیلابیو ته بونه ځی بلکه هغی لارې ته ئې دعوت کړي چې ددنیا او آخرت دبرسالیټوب لامل ئې نکړی.»



۵- په مالی چارو کې عدالت:

هغه مالونه چې دیوه انسان لاسته ورځي، دا ټول دالله تعالی پیرزوينه او نعمتونه دي او امانت بلل کېږي چې باید په مصرفولو کې ئې افراط او تفريط ونشي، او هغه حقوق چې پدی مالونو پورې تړاو لري باید په ښه توګه اداء شي.

امام ماوردي وائي:

په مالونو کې عدالت دا دي چې په حق لاره ئې دخلکو نه راټول او مستحقانو ته ئې ورکړي، ځکه ته دخلکو پرحقوقو باندې امين ټاکل شويوئ، چې دامين، ضامن او کفيل حيثيت لري، نو ستا مسؤليت نوروته ددغو مالونو رسول او ستا نه غیر نورو کسانو- مستحقينو- ته ئې ګټه اخيستل دي.

دوخت دحکومتونو دنده ده چې په ټولنه کې اقتصادي عدالت رامنځته کړي او خلک دسود، احتکار، چل او فريب او په نرخونو کې دډيرو لوړيدو او بې عدالتۍ نه منع کړي.

رسول الله فرمايې:

« هغه تاجر چې دمسلمانانو دارتيا پروخت خوراکي توکي بازارته راونه باسي او دخلکو ضرورت ور حل نکړي، نو الله تعالی به ئې دجذام او افلاس په ناروغيو اخته کړي» ابن ماجه: ۲۱۵۵

۶- په کورنيو چارو کې عدالت:

دکورنی مشرانو، پلار او مورته لازمې ده چې دخپل اولاد ترمنځ عدالت په نظر کې ونيسي. په خورو، جامو، تعليم او تحصيل ناسته ولاړه، نازولو او تادبيولو، ورکړه او سوغات.... ترڅو اولادونه ورڅخه دعدالت او ښو اخلاقو درس واخلي. ځوکه چيرې دزوی او لور ترمنځ توپیراغی یا مثلاً یو زوی ګران او بل ناګران،

یو نازولی بل رټلی، یوه ته لس افغانی بل ته دوی افغانی، یوه ته بایسکل راوښیسه، بل ته وایه چې بلا نه ئې وهلی څه په پښو باندې مکتب ته څه... نو دا عدالت ندی چې پایله ئې دکورنی خرابی او داوډلادونو ترمنځ دعدو او کینورا پیدا کیدل دي چې بیا په تدریجي توګه دا ستونزی زیاتېږي او بدی پایلی رامنځته کوي.

او ځینی وخت خو بیا دښځی او میړه ترمنځ هم په ځینو موضوعاتو کې اختلافات را پیدا کېږي، او مخکې لدینه چې دغه کورنی ږنګه شي، قرآن عظیم الشان ورته دحکم او منځګړي لاره هدایت کوي.

چې یو حکم دمیره او یو منځګړی دښځی له طرفه ټاکل کېږي، چې دوی به په عدل او انصاف سره فیصله کوی او که چیرې ښځه او میړه دذات البینی جنجال حل وغواړی نو الله تعالی به ئې ددغو حکمینو په واسطه سره حل او بیرته به ئې دژوند ښیرازه ښکلی او موسکا به ئې کورته ورشي.

نو په کورنیو چارو او ژوندانه کې عدالت ډیر مهم رول لري چې مراعاتول ئې دکورنیو دنيکمرغی سبب ګرزی.

۷- دښمن په وړاندې عدالت:

داسلام هغه دښمنان چې شپه او ورځ پدی هڅه کې دي چې څرنگه اسلام او مسلمانان ذلیل او په مقابل کې ئې وجنګېږي او یا د الله ددین په وړاندې راپورته کیږي، یا دمسلمانانو ناموس، سر او وطن باندې یرغل کوي، هلته ده چې الله تعالی پرمسلمانانو باندې امرکوي چې دخپل دین، سر مال او ناموس نه ددفاع په لاره کې ددغو متجاوزو محاربو دښمنانو کفارو په مقابل کې په ټول ځانی او مالی توان سره وجنګېږي، ځوکه چیرې دغه کفار محارب نه وی او ددوی له لوری هیڅ ډول تجاوز تېری او ضرر مسلمانانو او اسلام ته متوجه نه و، نو مسلمانانو ته پکار دي چې

دهغه چاپه وړاندې وجنګېږي چې ددوی دین ته سپکاوی کوی او ددوی په وړاندې جنګېږي او هغه څوک چې نه جنګېږي، ورباندې تېری ونکړي او ورته دسولی غږ اوچت کړي.

همدارنګه باید داهل فساد او شرک په مقابل کې جهاد وکړي، ځوکه چیرې مقابل لوری له شرک او فسادنه لاس واخلي نو باید هغه ونه وژنی او ورسره په عدالت سره چلند وشي، که چیرې ئې پرمسلمانانو تجاوز وکړ باید ووژل شي او دیوه چا دښمنی باید ددی مخه ونه نیسي چې عدالت دوشي.

همدارنګه ستا او ستا ددښمن ترمنځ داختلافاتو را پیدا کیدو پرمهال باید دعدالت او انصاف نه کارواخیستل شي او دهغه دښمنی ددی لامل نشی چې په ظلم او تېری سره ورباندې تجاوز وکړي او یا په ناحقه او ظلم سره ئې په حق کې فیصله وکړي، حق حق دی او باطل باطل، الله تعالی فرمايې:

﴿اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾ المائدة: ۸

یعنی عدالت وکړئ چې عدالت تقوا ته نږدی دي.

مراجع او مصادر:

۱. قرآن کریم.
۲. الصابونی، محمدعلی، الصفوة التفسیر، الاحسان للنشر والتوزیع، تهران ایران ط ۱۴۲۲.
۳. سنن الترمذی.
۴. ابن حزم- المجلی، دار الطباعة للنشر والتوزیع، کویت.
۵. رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر.
۶. مشکاة المصابیح.



فساد اداری از دیدگاه اسلام

قسمت سوم و آخر:

استاد غلام‌الدین کلانتری

آثار فساد اداری و درمان آن

مطلب اول: آثار فساد اداری

فساد اداری آثار منفی خطرناکی در منظومه ارزشی و سلوکی جامعه برجای می‌گذارد و بازتاب آن در انجام همه فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دینی و به صورت کل در تمامی فعالیت‌ها، حوزه‌ها، موسسات و کلیه پروژه‌های کشور تبارز و ظهور می‌نماید.

۱- آثار اقتصادی

فساد به صورت عموم و فساد اداری به صورت خصوص، سد محکمی در برابر پیشرفت، ترقی، رفاه و خوشبختی مردم است. همچنان مسئول عقب ماندگی اقتصادی و عدم توزیع عادلانه خدمات در میان افراد و جامعه است. فساد اداری تفاوت اقتصادی و معیشتی در میان افراد و طبقات جامعه ایجاد می‌کند که به صورت کلی به منظومه اخلاقی و ارزشی جامعه اثر گذاشته و پدیده‌های منفی سرقت‌های مسلحانه، اختطاف، رشوت و غیره را گسترش و ترویج می‌دهد.

سایر آثار مخرب اقتصادی فساد اداری مانند: تضعیف رشد اقتصادی، فرار سرمایه های ملی، کاهش سرمایه گذاری، گسترش شرکت‌های سرمایه گذاری خارجی، تضعیف تلاش‌ها به خاطر برپایی تجارت‌ها در سطوح مختلف، تضعیف روح ابتکار

جهت احیای فعالیت‌های اقتصادی و کاهش بیکاری، تاثیر بر روش‌های رقابت عادلانه و شفاف، بازتاب آن در بازار و توزیع درآمدها به صورت غیرعادلانه، کاهش درآمدهای گمرکی و مالیاتی، رشد نرخ فقر، کاهش ارائه خدمات اساسی مانند: تعلیم و تربیه، خدمات صحتی و سایر خدمات اساسی، و انتباه منفی کشورهای کمک کننده از فساد اداری موجود و قطع کمک‌ها.

الفساد الاقتصادي، انواعه، اسبابه، آثاره و علاجه، عبدالله حاسن الجابری، ص: ۱۰-۱۲.

۲- آثار اجتماعی

جامعه نتیجه اعمال فاسد موسسات دولتی را به صورت سنگینی تحمل می‌کند. این-گونه اعمال و اقدامات اداری غیرمشموع و غیرقانونی در تعمیق شکاف در میان محیط اجتماعی شایسته و محیط اجتماعی فاسد منعکس می‌گردد. ممکن است آثار اجتماعی فساد اداری را به گونه زیر خلاصه کرد:

تضعیف وظیفه ارزش‌های بازدارنده در جامعه، به ویژه زمانی که فساد به عنوان یک سلوک مقبول جهت تعامل با موسسات دولتی، یا عمومی و یا خصوصی پذیرفته شود. و این حالت در گسترش رشوه و سایر اعمال منفی موثر واقع می‌شود.

فساد اداری اسباب فرار ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و استعداد های علمی و تخصصی را در سطوح مختلف و با انواع مختلف فراهم می‌سازد.

گسترش روح ناامیدی در جامعه، بروز ضعف احساس مسئولیت و شیوع بی-مسئولیتی و عدم التزامی که حرمت مال عمومی و اهتمام به مصلحت عمومی را از بین می‌برد. همان‌ص: ۱۱.

از دیاد کشمکش های طبقاتی که ضعف تکافل و تعاون اجتماعی را در قبال دارد. زیادت نسبت فقر، کاهش و فقدان اعتماد مردم بر حکومت و موسسات دولتی، تشجیع اخلاقی و قانونی مردم به کسب حرام و نامشروع، تعمیق حالات جهل و خوش باوری در جامعه و تایید شایعات دروغ و بی اساس، تزلزل ارزش های اخلاقی مبتنی بر صداقت، امانت، عدل و مساوات، رشد و گسترش غیاب اخلاق و وظیفوی، چون رابطه در میان اخلاق و وظیفوی و فساد، رابطه معکوس است.

الفساد اشکاله واثاره وطرق معالجه، مبارک بوعشه، مجله البحوث والدراسات الانسانیة ۲۰۰۷.

آثار زیانبار اخلاقی و آثار فرهنگی فساد اداری نیز در زیر بحث آثار اجتماعی قابل بررسی است.

۳- آثار سیاسی:

فساد اداری به کاهش اعتماد مردم نسبت به نظام سیاسی می‌انجامد، امنیت و استقرار کشور را تهدید می‌کند، برنامه‌های نظام به گونه لازم و مناسب در اختیار شهروندان قرار



نگرفته و از واقعیت‌ها دور می‌مانند، لذا تصویری منفی در مورد رفتار دولت با مفسدین در ذهن‌شان تداعی می‌شود.

فساد، ارزش‌های عالی نسبت به حقوق و واجبات را در جامعه خدشه‌دار می‌سازد و حالت ضعف و سستی در مورد احساس مسئولیت و روح وطن‌دوستی، شهروندی شایسته و محافظت اموال عمومی و مصالح عمومی در اذهان مردم بروز می‌نماید.

الفساد الاقتصادي، انواعه، اسبابه، آثاره و علاجه، عبدالله حاسن الجابری، ص: ۱۰-۱۲.

همچنان مهمترین آثاری که فساد بر نظام سیاسی به بار می‌آورد، عبارت از کاهش مشروعیت و کفایت دولت بوده که اسباب قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی را مساعد می‌گرداند. همان‌گونه که منجر به کاهش توانایی دستگاه‌های دولتی و اداره عمومی می‌گردد. و بدین‌گونه دستگاه‌های سیاسی‌ای که فساد در آنها فساد شیوع یافته، به فقدان مشروعیت مواجه می‌شوند، دایره مخالفت‌ها گسترش می‌یابد و مشارکت در اعمال سیاسی به‌خاطر فقدان اعتماد از بین می‌رود.

الفساد الاقتصادي، انواعه، اسبابه، آثاره و علاجه، عبدالله حاسن الجابری، ص: ۱۰-۱۲.

برخی آثار سیاسی که فساداداری مسبب آنهاست، قرار ذیل است:

نابودشدن موسسات و نهادهای جامعه مدنی، ظهور نشانه‌های مخالفت‌های سیاسی در میان نخبگان سیاسی، اگرچه افراد یا سازمان‌ها باشد. و روش

های رسیدن به قدرت با وسایل نامشروع در اذهان راه می‌یابد.

تحریف اهداف موسسات و دستگاه‌های عمومی از محتوای اصلی و تحویل آنها به خدمت‌کاران

نخبگان و سیاست‌حاکم، فقدان عقلانیت در تصمیم و فیصله‌های

سیاسی، سيطرة تدریجی فساد بر موسسات رقابتی و نظارتی، فساد

در خدمت استبداد قرار می‌گیرد و دکتاتوری را تشجیع می‌نماید،



فساد اداری سبب ضعف و ناتوانی حکومت در داخل و خارج می‌گردد.

مفهوم الحكم الصالح، مجلة المستقبل العربي، ص: ۵-۶.

مطلب دوم: درمان فساد اداری از دیدگاه اسلام:

در قرآن کریم برخی راه‌های درمان فساد ذکر شده است، هرگاه این رویکردها با فساد اداری ربط پیدا نماید، می‌تواند این بیماری مزمن و کشنده را درمان نماید. این رویکردها به گونه زیر است:

۱- قدوه حسنه:

صلاح و فساد قیادت و رهبری از اساسی‌ترین اسباب انتشار فساد یا اصلاح کشورها بویژه کشورهای اسلامی است.

روش رهبران، سلطه‌آه‌ن‌ن، تمرکز محوری تصمیم، دخل و تصرف آزادانه در اموال دولت بدون هیچ‌گونه محاسبه و مراقبت و سایر اموری که کارمندان و موظفین را به فساد تشویق و تشجیع می‌کند، در سرنوشت دولت‌ها از اهمیت شایانی برخوردار است.

پیامبر ﷺ در رأس هرم اداری دولت اسلامی قرار داشت، همواره و در هر تصرفی خودش را مورد سوال قرار می‌داد و تصرفات سایر مسئولان دولتی و اداری را نیز همواره زیر نظر و مراقبت می‌گرفت.

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ﴾^{۲۱}

ترجمه: مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند.

مردم در هر کشوری به رهبران‌شان اقتدا می‌کنند، اگر آنها صالح بودند و از فساد و تصرفات غیر مسئولانه پاک بودند، مردم نیز روش آنها را دنبال می‌کنند. برای درمان فساد اداری و سایر مفاسد اجتماعی که متأسفانه فراوانند، باید به این امر مهم توجه صورت گیرد، تا مبارزه برضد فساد اداری به نتیجه قابل قبول برسد.

۲- امر به معروف و نهی از منکر:

امر به معروف و نهی از منکر که امروزه از آن به اصطلاح «نظارت همگانی» نیز تعبیر

می‌شود، یکی از اساسی‌ترین و ارزشمندترین راهکارهای مبارزه با تمامی ناهنجاری‌ها و مفاسد اجتماعی است، امر به معروف و نهی از منکر یکی از ارزش‌های محوری «بهترین‌بودن» امت اسلامی است که هر فرد را مسئول سرنوشت خود، خانواده، کشور و امتش قرار می‌دهد. خداوند معال در آیه زیر، فلاح و رستگاری را به امر به معروف و نهی از منکر منوط نموده می‌فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^{۲۲}

آل عمران: ۱۰۴

ترجمه: باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگاران اند.

پیامبر ﷺ نیز چگونگی زندگی آینده جامعه و مردم را به امر به معروف و نهی از منکر مربوط می‌داند، یعنی اگر مردم همدیگرشان را به نیکی امر کنند و از بدی‌ها و زشتی‌ها باز دارند، نظارت همگانی در جامعه به گونه‌ای مراقبت داشته باشد، جامعه شاهد این همه زشتی‌های آشکار، بدکاران با افتخار و زراندوزان حرام‌خوار نمی‌باشد. این همه زشتی‌های ساری و جاری در جامعه، عذاب دردناکی اند که زندگی، وجدان و مشاعر انسانی از آن رنج می‌کشد و حیات آنها را به سوی تباهی و نابودی سوق می‌دهد. پیامبر ﷺ به همین سنخ از عذاب‌ها اشاره می‌نماید:

«وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوُنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُوشِكَنَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْهُ ثُمَّ تَدْعُوهُ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ»^{۲۳} قسم به ذاتی که نفسم در دست اوست، شما حتماً امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید، و یا خداوند عنقریب از سوی خودش عذابی را بر شما می‌فرستد، سپس به خدا دعا کنید و مستجاب نشود.

سنن الترمذی ت‌شاکر: (۴/۴۶۸)

متأسفانه برخی تصرفات منفی و ناسنجیده سبب شده است که مردم در برابر مؤلفه بسیار مهم و موثر امر به معروف و نهی از منکر مخالفت نمایند. اما قابل توجه است که امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایط،

ضوابط و قواعدی است که توجه به آنها این مولفه را مرغوب می سازد.

«در طرز دید قدرت گرایانه که در عدالت جزائی و قوانین وضعی انعکاس یافته است، تفکر بر این است که چون نظام رسمی حکومتی متولی امنیت و تأمین نظم در جامعه است، دیگران حق ندارند در تأمین امنیت و نظم جامعه دخالت کنند و دخالت در این زمینه در واقع به چالش کشیدن سلطه قدرت عمومی جامعه (یعنی دولت) است. و دلیلی که نظام عمومی چنین تفکری دارد شاید ریشه در حس قدرت-طلبی داشته باشد نه در حل مشکل، ریشه در صورت مسئله داشته باشد نه در حل معضله. این تفکر بر دیگران نیز غالب شده است و برای دیگران فهمانده شده است که فقط متوجه رفتار خود باشند و در برابر رفتار دیگران هیچ مسئولیتی ندارند. این حس سبب می گردد تا در زمینه فساد اداری نیز نظارت بر فساد صرفاً وظیفه دولت تلقی گردد نه جامعه، بدین ترتیب هرگاه جامعه خود را از این روند نظارتی کنار بکشد، دولت هم با توجه به نظریه کوچک شدن دولت با وضعیت کنونی-ای که دارد شاید نتواند تمام جرایم را کشف کند و بر فساد اداری کنترل داشته باشد و با آن مبارزه کند.

امروز در دنیا ثابت شده که تنها با جزا دادن افراد و زندانی کردن آنان جرم و خلاف کاری از بین نمی رود، بلکه زندان ها پر می شوند، پول ملت مصرف می شود و آبروی افراد بیگانه زیادی هم در پهلوی افراد گنهکار می ریزد، بلکه شرط اول از بین بردن جرم اینست که اجازه داده نشود تا جرم اتفاق بیفتد، نه این که اجازه دهیم اول افراد مرتکب جرم شوند بعداً آنها را گرفتار و جزا دهیم.» فساد اداری از دیدگاه اسلام، عبدالبصیر شیخ احمدی، ص: ۳۵.

امر به معروف و نهی از منکر روش ها، شیوه ها و گونه های مختلفی دارد، اگر این امر در پرتو آموزه های اسلامی، با برنامه ریزی، واقع بینی و عاقبت اندیشی انجام

گردد، بدون شک نتیجه مطلوبی در پی دارد. هرگونه تشویق، تشجیع، ترغیب، تقدیر کتبی، شفوی، نقدی و سایر امور هدایت کننده به سوی خیر و نیکی در زیر مفهوم کلی امر به معروف، هر نوع ترهیب، اخطار، توصیه، کسر معاش و به کارگیری سایر ابزار بازدارنده از فساد در زیر مفهوم نهی از منکر شامل می شود.

بنابراین، برنامه ریزان مبارزه با فساد اداری باید امر به معروف و نهی از منکر را در امر مبارزه با فساد اداری به دست فراموشی نسپارند.

۳- استخدام بر مبنای لیاقت و کفایت:

استخدام کارمندان به اساس لیاقت و کفایت از نظر آموزه های دینی مطلوب است. قرآن کریم از زبان یوسف علیه السلام می گوید:

﴿قَالَ أَجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَافِظٌ عَلِيمٌ﴾ یوسف: ۵۵

(یوسف) گفت: «مرا سرپرست خزان سرزمین (مصر) قرار ده، که نگهدارنده و آگاهم!»

و خداوند متعال از زبان دختران شعیب علیهم السلام می فرماید:

﴿قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَأْكُلُ أُسْتَجْرَهُ مِنْ خَيْرٍ مِمَّنْ أُسْتَجَرَتِ الْفَوَیُّ الْأَمِیْنُ﴾ القصص: ۲۶

یکی از آن دو (دختر) گفت: «پدرم! او را استخدام کن، زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کسی است که قوی و امین باشد.

از دیدگاه قرآن کریم اوصاف «حفیظ و علیم» همچنان اوصاف «قوی و امین» به اصطلاح امروزی همان معیارها و شرایطی اند که لیاقت و کفایت یک کارمند را تعیین می کند. اگر در هنگام استخدام کارمند، لیاقت و کفایت مدنظر گرفته نشود و مبنای استخدام روابط شخصی، خانوادگی، سمتی، زبانی، قومی، تنظیمی و سازمانی یا سایر ملحوظات دیگری قرار گرفت، در نخستین لحظات استخدام کارمند، بذره های فساد و از جمله فساد اداری کاشته می شود و به زودی به بار و بر می نشیند.

در چنین حالاتی بدون شک، امانت ضایع

می گردد، چون امانت به اهلش سپرده نمی شود. اگر امانت به اهلش سپرده نشود، همه دستاوردهایی که توسط اشخاص دارای وجدان های زنده به دست آمده، از بین رفته و نابود می شود، لذا جامعه نابود می شود. روی همین، در فرهنگ اسلامی، ضیاع امانت سبب فروپاشی ارزش های جامعه دانسته می شود. باید امانت ها به اهلش سپرده شود تا فساد در جامعه کاهش یابد.

محاسبه و مراقبه در کاهش فساد اداری امری قابل اهمیت است. فقدان مراقبت فعال و محاسبه مستمر یکی از اسباب گسترش فساد در جامعه است. خداوند متعال می فرماید:

﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا بِسِرِّ اللَّهِ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ، وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَرَدُوا إِلَيَّ عَلَى الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيَشْكُرُ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ التوبة: ۱۰۵

بگو: «عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند! و بزودی، بسوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می شوید؛ و شما را به آنچه عمل می کردید، خبر می دهد!»

قرآن کریم از سه نوع مراقبت و محاسبه خبر میدهد: نوع اول، مراقبت خودی است که هر کارمند خودش را مورد مراقبت و بارنگری قرار دهد، همواره رفتار و کردار خودش را زیر نظارت و مراقبت خود داشته باشد. از خدا بترسد و ایمان داشته باشد که خداوند به صورت دایم از او مراقبت می کند، و قبل از آن مورد محاسبه قرار گیرد، باید خودش را مورد مراقبت و محاسبه قرار دهد:

﴿وَكُلُّ إِنْسَانٍ لَّزَمَتَهُ مَالُهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشْهُورًا أَقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾ الاسراء: ۱۳-۱۴

و هر انسانی، اعمالش را بر گردنش آویخته ایم؛ و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می آوریم که آن را در برابر خود، گشوده می بیند! (این همان نامه اعمال اوست!) (و به او



می‌گوییم): کتابت را بخوان، کافی است که امروز، خود حسابگر خویش باشی!

نوع دوم، مراقبت و محاسبه اداری است، همان که پیامبر ﷺ یا کسی که قایم مقام او می‌شود، به عنوان رهبر دولت یا یک موسسه، کارمندان را مورد مراقبت و محاسبه قرار می‌داد: ﴿يَذَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾^{۹۲} ای داوود! ما ترا خلیفه و (نماینده خود) در زمین قرار دادیم؛ پس در میان مردم بحق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که ترا از راه خدا منحرف سازد.

نوع سوم، مراقبت مردم یا جماهیر است، این نوع مراقبت عموماً بیرون از موسسه دولت صورت می‌گیرد و بر کارکردهای دولت و مسئولین مراقبت می‌نماید. اما در مورد روش این محاسبه و مراقبت خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَتَسْلُتَنَّ عَمَّا كَثُرَ مَعْمُولُونَ﴾^{۹۳} و یقیناً شما از آنچه انجام می‌دادید، بازپرسی خواهید شد!

۴- عدالت و مساوات:

قرارداد یا پیمانی که در میان کارمند و اداره منعقد می‌گردد و بر اساس آن کارمند قلمرو وظایف، کار و صلاحیت‌های خودش را می‌شناسد، اگر از بندهای آن پیمان عدول کرد، اداره مسئول است تا قرارداد را فسخ نماید. چون عدول از بندهای پیمان یا قرارداد نوعی فساد اداری شمرده می‌شود.

ولی اگر اداره در مورد عدول کارمند اغماض کرد، مرتکب فساد شده است. همانگونه اگر کارمند وظایف خودش را به صورت نیکو انجام داد ولی اداره در برابر پرداخت بدل کار ایشان کوتاهی کرد، در این صورت نیز اداره کوتاهی نموده و فساد را انجام داده است.

بنابراین، هر دو طرف قرارداد باید



متعهد به عدل و احسان باشند. هیچ یکی بر دیگری ظلم نکنند، چون پیامد طبیعی ظلم، همان فساد با انواع و چهره‌های مختلف آن است.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾^{۹۰} خداوند به عدل و احسان و بخشش فرمان می‌دهد.

تربیه ارزش‌های اسلامی:

غرس ارزش‌های اسلامی در وجدان فرد و جامعه یکی از کامیاب‌ترین و موثرترین ابزار مبارزه با فساد اداری است. این امر تکالیف و دشواری‌های دولت در امر مبارزه با فساد اداری را کاهش می‌دهد. غرس و رشد ارزش‌های اسلامی از ابزارهای وقایوی بوده و از پیشرفت فساد جلوگیری می‌کند.

همه ارزش‌های اسلامی به عنوان بازدارنده‌ای داخلی در نفس انسان است که در کاهش فساد موثر می‌باشد، ولی در اینجا از دوسه ارزش به صورت نمونه نام برده می‌شود. یکی از آنها ارزش امانت داری است.

اگر کارمندی به وظایف و واجباتش از منظر امانت نگاه کند، بدون هیچگونه محاسبه و مراقبت وظایفش را به بهترین صورت انجام می‌دهد. چون آن را امانتی می‌داند که باید حق آن را ادا نماید. اگر هر کارمندی با چنین نگاهی وظایف و واجباتش را انجام دهد، فساد باقی نمی‌ماند. لذا لازم است که ارزش امانت‌داری در وجدان و ضمیر مسئولین امور و کارمندان غرس گردد.

همچنان ارزش‌های برتر و خیلی اثرگذار اسلامی این است که یادآوری ثواب و گناه در ذهن کارمند زنده شود. به این باور برسد که از هر عملی در روز آخرت پرسیده می‌شود، در تمامی رفتار، گفتار و کردارش مراقبت و محاسبه خدای متعال را حاضر و ناظر بداند. در این حالت کارمند همه کارهایش را بدون ترس از نظارت رئیس یا نجات از پنجه قانون، با همان ایمان به ثواب و عقاب روز بازپرس، با دقت و صداقت انجام می‌دهد.

از ارزش‌های دیگر اسلامی که باید در ضمیر و ذهن کارمندان و مسئولین امور زنده و

بالنده شود، موضوع حلال و حرام است. تلاش شود که مرزهای حلال و حرام برجسته گردد. خطرهای دنیوی و اخروی تعامل با حرام برای مردم به صورت مستمر شناخته شده و گفته شود. ثواب و فواید اجتناب از حرام در هر حالتی و در هر جایی، نخست برای مسئولین و سپس برای کارمندان و مردم به طور مستند و واضح بیان گردد تا در ذهن، وجدان و رفتار آنها نهادینه شود.

مسئولین توجه داشته باشند که کسی در اداره‌شان مورد ظلم و ستم قرار نگیرد، حق ایشان ضایع نشود، افتخاراتش را کس دیگری سرقت نکند، دستاوردهایش را دیگران غصب نکنند، نتایج مثبت فعالیت‌های او به کس دیگری نسبت داده نشود، تبعیض سمتی، لسانی، تنظیمی و امثال آن در میان افراد اداره اعمال نشود تا کارمندان را متفرق و عقده‌مند نسازد. در چنین حالاتی کارمند احساس مظلومیت و حق تلفی می‌نماید. یقیناً ظلم و جور سبب ایجاد عقده‌مندی هر انسانی می‌گردد و او را به ارتکاب بدی‌ها، زشتی‌ها و هرگونه فساد وامی‌دارد. چون سرانجام ظلم همواره وخیم می‌باشد.

نتیجه‌گیری:

این بحث کوتاه و مختصر نتایج ذیل را به دست می‌دهد:

۱- مبارزه و برنامه ریزی بر ضد فساد اداری باید فساد را به عنوان یک کلیت هدف گیری نماید تا مبارزه بازدهی مطلوب داشته باشد.

۲- فساد با همه انواع و پیامدهایش و از جمله فساد اداری، ناشی از بحران معنوی در کشور است.

۳- فساد اداری عبارت از سوءاستفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع شخصی (خصوصی) است.

۴- اسباب فراوانی دست کمک به یکدیگر دراز می‌کنند تا زمینه ظهور فساد اداری را مساعد می‌سازند؛ مانند: اسباب تمدنی، اسباب ارزشی،

اسباب سیاسی، اسباب اجتماعی و فرهنگی، اسباب اقتصادی، اسباب اداری و ساختاری و اسباب قانونی و ...

۵- فساد اداری آثار شوم و بنیان بر انداز خویش را در همه حوزه های زندگی قابل رویت می سازد، بویژه در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و سیاسی بیشتر از سایر عرصه ها اثرگذار است.

۶- شریعت اسلامی راهکارهای موثری برای علاج و درمان فساد اداری فراهم کرده است، سازمان ها و ملتها قرار داده است، طبعاً با تطبیق و اجرای آن راهکارها ممکن است که دامن فساد برچیده یا کوتاه شود.

از جمله این راهکارها: قدوه حسنه یا الگوی نیکو، امر به معروف و نهی از منکر، استخدام بر مبنای لیاقت و کفایت، عدالت و مساوات، ترسیخ ارزش های اسلامی و ...

۷- اجرای راهکار های اسلامی، مبارزه صادقانه با برنامه های کارشناسانه می تواند در کاهش فساد اداری موثر واقع شود.

۸- مبارزه برضد فساد اداری زمانی موثر است که در همه سطوح دولت و مردم یکسان و برابر مورد تطبیق قرار گیرد.

۹- ترسیخ ارزش های اسلامی در ذهن و ضمیر مسئولین، کارمندان و مردم می تواند راهکار موثر و مسیر کوتاهی در جهت رسیدن به هدف کاهش فساد اداری باشد.

۱۰- مبارزه با فساد اداری یک عزم ملی می طلبد.

منابع:

- ۱- القرآن الکریم
- ۲- سنن ابن ماجه، ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن یزید القزويني، وماجة اسم أبيه یزید، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء الكتب العربية- فيصل عيسى البابي الحلبي.
- ۳- سنن أبي داود، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني،

المحقق: شعیب الأرنبوطه- محمّد كامل قره بللي، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۰ هـ - ۲۰۰۹ م، الناشر: دار الرسالة العالمية.

۴- سنن الترمذي، محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك، الترمذي، أبو عيسى، المحقق: بشار عواد معروف سنة النشر: ۱۹۹۸ م، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت.

۵- ابوسن، احمد، استخدام اساليب الترغيب و التهيب في مكافحة الفساد الاداري، المركز العربي للدراسات الامنية و التدريب، المجلد ۱۱، العدد ۲۱، ۱۹۹۶.

۶- ابوسن، احمد، الادارة في الاسلام، دبي، المطبعة العصرية، ۱۹۸۹.

۷- الاستاذ خلود الفليت و الاستاذ صديق انصار، منهج القران الكريم في علاج الفساد الاداري، بحث مقدم الى المؤتمر العلمي الدولي الاول، ذي الحجة ۱۴۲۹.

۸- البحر الرائق شرح كنز الدقائق، زين الدين بن إبراهيم بن محمد، المعروف بابن نجيم المصري، و في آخره: تكملة البحر الرائق لمحمد بن حسين بن علي الطوري الحنفي القادري وبالحاشية: منحة الخالق لابن عابدين، الناشر: دار الكتاب الإسلامي.

۹- تفسير الشعراوي، محمد متولي الشعراوي، الناشر: مطابع أخبار اليوم.

۱۰- تهذيب اللغة، محمد بن أحمد بن الأزهر الهروي، أبو منصور، المحقق: محمد عوض مرعب، الطبعة: الأولى، ۲۰۰۱ م، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.

۱۱- الشلقان، عادل بن احمد، الفساد الاداري في المؤسسات العامة المشكلة و الحل، مجلة البحوث التجارية، كلية التجارة، جامعة الزقازيق، المجلد ۲۵، العدد الاول والثاني ۲۰۰۳.

۱۲- الشميمري، أحمد بن عبد الرحمن، ۱۴۲۴ هـ، مظاهر الانحراف الوظيفي، مجلة التدريب والتقنية، ص ۲۶ - ۲۸.

۱۳- الفساد الاداري- المسببات والعلاج، ۲۰۱۱، يوسف عبد عطية بحر، مجلة جامعة الازهر بغزة، ص ۱- ۴۶.

۱۴- كريم حسن ۲۰۰۴. مفهوم الحكم الصالح. مجلة المستقبل العربي. المجلد ۲۷. العدد ۳۰۹

۱۵- لسان العرب، ابن منظور، المحقق: عبد الله علي الكبير، محمد أحمد حسب الله، هاشم محمد الشاذلي، دار النشر: دار المعارف، البلد: القاهرة.

۱۶- محمود محمد، عطية معاصرة (۲۰۱۰م)، الفساد الإداري و علاجه في الفقه الإسلامي (دراسة مقارنة بالقانون الإداري الأردني)، كلية الدراسات العليا، الجامعة الأردنية.

۱۷- المحيط في اللغة، إسماعيل بن عباد بن العباس، أبو القاسم الطالقاني، المشهور بالصاحب بن عباد.

۱۸- المعجم الوسيط، مجمع اللغة العربية بالقاهرة، إبراهيم مصطفى، أحمد الزيات، حامد عبد القادر.

۱۹- المفردات في غريب القرآن، أبو القاسم الحسين بن

محمد المعروف بالرأغب الأصفهاني، المحقق: صفوان عدنان الداودي، الطبعة: الأولى- ۱۴۱۲ هـ، الناشر: دار القلم، الدار الشامية - دمشق بيروت.

۲۰- الموسوعة الفقهية الكويتية، صادر عن: وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، الطبعة: من ۱۴۰۴ - ۱۴۲۷ هـ.

۲۱- موسى، صافي إمام، استراتيجية الإصلاح الإداري وإعادة التنظيم في نطاق الفكر والنظريات، الطبعة الأولى، ۱۹۸۵ م، الرياض: دار العلوم للطباعة والنشر.

۲۲- نضرة النعيم في مكارم أخلاق الرسول الكريم(ص) عدد من المختصين بإشراف الشيخ/ صالح بن عبد الله بن حميد إمام وخطيب الحرم المكي الطبعة: الرابعة، الناشر: دار الوسيلة للنشر والتوزيع، جدة.

۲۳- النمر، سعود بن محمد و خاشقجي، هاني يوسف و محمود، محمد قححي و حمزاوي، محمد سيد، ۱۹۹۷ م، الإدارة العامة: الأسس والوظائف الطبعة الرابعة، الرياض.

۲۴- فساد اداری از دیدگاه اسلام، عبدالصیر«شیخ احمدی»، مطبعة نعمانی، کابل، چاپ دوم، ۱۳۹۴.

۲۵- منابع انترنتی:

۲۶- تأملی بر موضوع فساد اداری

۲۷- <http://www.ict.gov.ir/article-fa-36.html>

۲۸- فساد اداری و راهکارهای مقابله با آن.

۲۹- <http://www.samelect.com/۱۳۸۹/۱۲/post-490/>

۳۰- فساد اداری و شیوه های کنترل آن،

۳۱- www.gio.ir/?view=۱۲&nu=۱

۳۲- الفساد الإداري ومعالجته من منظور إسلامي

۳۳- www.scc-online.net/thaqafah/th_html

۳۴- الفساد الإداري وجرائم إساءة استعمال السلطة الوظيفية.

۳۵- <http://news.naseej.com.sa/detail.asp?InSectionID=۱۴۳۱&InNewsItemID=۱>

۳۶- ۲۳۰۷

۳۷- ۲۳۰۷ اثر اخلاقيات الوظيفة فى تقليل فرص الفساد الادارى فى الوظائف الحكومية

۳۸- www.ulum.ni/b۱۵۴.htm

۳۹- www.al-hakim.com

۴۰- الفساد الاقتصادي، انواعه، اسبابه، آثاره و علاجه، عبدالله حاسن الجابري،

www.kantakji.com/files/economics/۱۶۲۲۶.doe



حقیقت و حکم شرعی دم و تعویذ

قسمت دوم:

دکتر عبدالباری ممیدی

انواع دم و تعویذ و شروط عمده آن:

در بخش اول مقاله حقیقت دم و تعویذ با حکم شرعی آن مورد بررسی قرار داده شد اکنون در این بخش انواع دم و تعویذ را با برخی شروط آن به بررسی میگیریم.

شکی نیست که دم و تعویذ از لحاظ توقیفی و اجتهادی بودن و هم چنان از ابعاد دیگر، انواع و اقسام مختلفی دارد، اما در اینجا انواع دم و تعویذها را از لحاظ مشروعیت و عدم مشروعیت به بررسی میگیریم که دم و تعویذ از این لحاظ به دو نوع تقسیم شده است، یکی دم و تعویذ مشروع، و دیگری هم غیر مشروع که هر کدام را به شکل فشرده تر مورد بررسی قرار میدهم.

الف/ دم و تعویذ مشروع:

دم و تعویذ مشروع - طوری که در حکم دم و تعویذ اشاره شد،

همان دمها و دعاهاست که در کل موافق شریعت بوده و معیارهای لازم مشروعیت در آن موجود باشد. و آن معیارها در دو مورد ذیل خلاصه میگردد:

معیار اول: سود و منفعت آن دم و دعا با تجربه ثابت شده باشد و در عین زمان از هرگونه شرک و خرافات و یا آنچه به شرک می انجامد خالی باشد.

معیار دوم اینکه: آن دم و دعا از گناه و معصیت، ضرر و زیان خالی

باشد.

دلیل معیار فوق این حدیث عوف بن مالک اشجعی است که قبلاً در حکم دم و دعا گذشت، و آن این حدیث است که عوف بن مالک رضی الله عنه به پیامبر صلی الله علیه و آله از عمل کرد شان در دوره جاهلیت حکایت نموده گفت: «کنا نرقی فی الجاهلیة فقلنا: یا رسول الله کیف تری فی ذلک؟ فقال: اعرضوا علی رقاکم، لا بأس بالرقی ما لم یکن فیہ شرک» ^(۱) "ما در دوران جاهلیت دم می نمودیم و یا دم می انداختیم، پس به رسول خدا گفتیم: شما در مورد این دم های ما چه نظر دارید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: (دعاهائی که بوسیله آنها بیماران را دم می انداختید به من نشان بدهید. طلسم و دعا تا زمانی که همراه با اعمال یا کلمات شرک آمیز نباشد، اشکالی ندارد).

و نیز از جابر رضی الله عنه روایت شده که گفت: نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن الرقی، فجاء آل عمرو بن حزم إلی رسول الله صلی الله علیه و آله فقالوا: یا رسول الله إنه کان عندنا رقیة نرقی بها من العقرب، وإنک نهیت عن الرقی، قال: فعرضوها علیه، فقال: «ما أری بأساً من استطاع منکم أن ینفع أخاه فلینفعه» ^(۲).

یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله از دم و دعا باز داشتند، پس آل عمرو بن حزم آمدند و گفتند: ای رسول خدا! ما یک نوع دم و دعا یاد داشتیم که توسط آن از اثر نیش زدن گزردم شخص نیش زده شده را دم می نمودیم، و اکنون شما از دم انداختن منع نمودید؟ جابر رضی الله عنه میگوید: پس آنها دم و دعای خود را بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه

نمودند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: من در این مشکلی را نمی بینم، کسیکه بتواند به برادرش نفعی را برساند پس باید نفش را برساند.

دلالت هردو حدیث فوق بر قاعده و معیارهای ذکر شده واضح است و آن اینکه حدیث اول دلیل است بر اینکه دم و دعا در ابتدا منع بود سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به شرطی اجازه دادند که از هرگونه شرک خالی باشد، و حدیث دوم دلیل است بر اینکه اگر در دم و دعا نفعی برای مسلمان موجود باشد و در پهلوی آن از شرک خالی باشد پس دم انداختن توسط آن دعا جواز دارد.

ب/ انواع دم و دعاها مشروع:

عمده ترین انواع دم و دعاها مشروع سه نوع است:

۱- دم و دعا توسط سورة فاتحه:

دلیل مشروعیت دم و دعا توسط سورة فاتحه، این حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه است که امام بخاری آن را تحت باب: (فَضْلُ فَاتَةِ الْكِتَابِ) و در ابواب مختلف دیگر آورده است که میگوید: انطلق نفر من أصحاب النبی صلی الله علیه و آله فی سفره سافروها حتی نزلوا علی حی من أخیاء العرب فاستصافوهم، فأبوا أن یضیفوهم، فلذبح سید ذلك الحی، فسعوا له بكل شیء لا ینفعه شیء، فقال بعضهم: لو أتینهم هؤلاء الرهط الذين نزلوا لعلنا أن یكون عند بعضهم شیء، فأتوهم فقالوا: یا ایها الرهط إن سیدنا لذبح وسعنا له بكل شیء لا



يَنْفَعُهُ، فَهَلْ عِنْدَ أَحَدٍ مِنْكُمْ مِنْ شَيْءٍ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: نَعَمْ وَاللَّهِ إِنِّي لَأُرْقِي، وَلَكِنَّ وَاللَّهِ لَقَدْ اسْتَصَفَّنَاكُمْ فَلَمْ تُصَيِّفُونَا، فَمَا أَنَا بِرَاقٍ لَكُمْ حَتَّى تَجْعَلُوا لَنَا جُعْلًا، فَصَالَحُوهُمْ عَلَى قَطِيعٍ مِنَ الْغَنَمِ، فَاَنْطَلَقَ يَتَقَلَّبُ عَلَيْهِ وَيَقْرَأُ { الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ } فَكَانَ نَشِيطٌ مِنْ عَمَلٍ، فَاَنْطَلَقَ يَمْشِي وَمَا بِهِ قَلْبَةٌ، قَالَ: فَأَوْفُوهُمْ جُعْلَهُمُ الَّذِي صَالَحُوهُمْ عَلَيْهِ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: اأَفْسِمُوا، فَقَالَ الَّذِي رَقِيَ لَا تَفْعَلُوا حَتَّى نَأْتِيَ النَّبِيَّ ﷺ فَذَكِّرْ لَهُ الَّذِي كَانَ فَنَنْظُرَ مَا يَأْمُرُنَا، فَقَدِمُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَذَكَّرُوا لَهُ فَقَالَ: «وَمَا يُدْرِيكَ أَنَّهَا رُقِيَّةٌ؟» ثُمَّ قَالَ: «قَدْ أَصَبْتُمْ أَفْسِمُوا وَاضْرِبُوا لِي مَعَكُمْ سَهْمًا» فَضَحِكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (۳).

"چند نفر از اصحاب رسول الله ﷺ طی سفری، نزد طایفه ای از طوایف عرب، توقف کردند و درخواست پذیرایی، نمودند. اما مردم، از پذیرایی آنها، سر باز زدند. از قضا، عقربی، سردار طایفه آنها را نیش زد. آنها برای مداوای او، سعی و تلاش زیادی کردند، اما سودی نداشت. بعضی گفتند: نزد این کاروان، بروید. شاید در میان آنان، کسی باشد که علاجی بداند. آنان، نزد قافله آمدند و گفتند: عقربی، سردار طایفه ما را نیش زده است. و ما هر چه سعی کرده ایم، سودی نداشته است. آیا نزد شما راه علاجی وجود دارد؟ یکی از آنان، گفت: بلی، به خدا سوگند، من دم کردن را یاد دارم. ولی چون از ما پذیرا یی نکردید، حاضر نیستم بدون اجر، این کار را انجام دهم. سرانجام، در مقابل پرداخت تعدادی گوسفند، توافق کردند. آنگاه، آن شخص، با آنان رفت و سوره فاتحه را خواند و بر بیمار، دم انداخت. و بیمار نیز مانند جانوری که از قید آزاد شده باشد، بهبود یافت و خوشحال و بدون کوچکترین ناراحتی، به راه افتاد. راوی می گوید: آنگاه، آنها گوسفندان مورد توافق را به صحابه رضوان الله علیهم، تقدیم نمودند. برخی از صحابه گفتند: آنها را میان خود، تقسیم کنیم. ولی شخصی که دم کرده بود، گفت: چنین نکنید تا نزد رسول خدا ﷺ برویم و ایشان را در جریان، قرار دهیم و ببینیم که چه دستور می دهند. سپس، نزد رسول

خدا ﷺ رفتند و ایشان را از ماجرا، آگاه ساختند. آنحضرت ﷺ فرمود: «از کجا دانستی که سوره فاتحه، چنین تأثیری دارد؟» و افزود: «کار خوبی کرده اید. آنها را بین خود، تقسیم کنید». در حالی که می خندید، فرمود: «سهم مرا نیز بگذارید».

۲- دم و تعویذ توسط معوذات:

و در مورد مشروعیت دم و دعا توسط معوذات این حدیث عائشه رضی الله عنها است که امام بخاری آن را در صحیحش تحت باب:

(بَابُ الرُّقَى بِالْقُرْآنِ وَالْمُعَوِّذَاتِ) آورده است. عائشه رضی الله عنها میگوید: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا اشْتَكَى نَفَثَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْمُعَوِّذَاتِ، وَمَسَحَ عَنْهُ بِيَدِهِ. فَلَمَّا اشْتَكَى وَجَعَهُ الَّذِي تُؤْفَى فِيهِ، طَفِقْتُ أَنْفِثَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْمُعَوِّذَاتِ الَّتِي كَانَ يُنْفِثُ، وَأَمْسَحَ بِيَدِ النَّبِيِّ ﷺ عَنْهُ (۴).

" هنگامیکه رسول الله ﷺ بیمار می شد، معوذات (سوره ناس، فلق و اخلاص) را می خواند و بر خود می دمید و با دست خود، بر بدن اش می مالید. پس هنگامی که در بیماری وفاتش بسر می برد، من نیز همان معوذات را که او می خواند و بر خود می دمید، می خواندم و دست نبی اکرم ﷺ را بر بدنش می کشیدم.

۳- دم و تعویذ توسط برخی اذکار و دعاهای دیگر:

امام بخاری هم چنان در صحیح خود، تحت باب: باب مسح الراقي الوجع بیده الیمنی این حدیث عائشه رضی الله عنها را آورده که میگوید: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ كَانَ يَغُوذُ بَعْضَ أَهْلِهِ يَمْسَحُ بِيَدِهِ الْيُمْنَى وَيَقُولُ: «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، أَذْهَبِ الْبَاسَ، وَاشْفِ، أَنْتَ الشَّافِي لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا» (۵).

" پیامبر ﷺ برخی از خانواده اش را عیادت نموده و بدست راست خود لمس نموده می فرمودند: اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ... بار خدایا پروردگار مردم، سختی را بر طرف کن و شفا ده که تو شفا دهنده ای و شفایی جز شفایت نیست، شفائی که بیماری نگذارد".

هم چنان از ابو عبید الله عثمان بن ابی العاص رضی الله عنه روایت شده که او از مرضی

که در وجودش احساس می کرد، به رسول الله ﷺ شکایت نمود، رسول الله ﷺ به وی گفت: «ضَعْ يَدَكَ عَلَى الَّذِي يَأْلَمُ مِنْ جَسَدِكَ وَقُلْ: بِسْمِ اللَّهِ ثَلَاثًا وَقُلْ سَبْعَ مَرَّاتٍ: أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ». (۶)

" یعنی دستت را بجایی که از وجودت درد می کند، بگذار و سه بار بسم الله گفته و باز هفت بار بگو: أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ... پناه می جویم به عزت و قدرت پروردگار از شر آنچه می یابم و از آن می ترسم. از این حدیث علاوه بر مشروعیت دعای فوق مشروعیت گذاشتن دست بر موضع درد نیز ثابت میگردد.

۴- شروط دم و تعویذ مشروع:

از لا بلای انواع دم و دعاهای مشروع و نیز اقوال علماء در مورد حکم دم و تعویذ واضح گردید که شروط مشروعیت دم و تعویذ، دعاها و افسون ها سه چیز است: ۱- دم و دعا توسط آیات و سوره های قرآنی، اَسْمَاء و صفات الله متعال، اذکار و ادعیه ماثور نبوی باشد. ۲- شرط دوم اینکه به زبان عربی باشد. ۳- شرط سوم اینکه مؤثر حقیقی الله متعال را بداند نه اوراد و اذکار را.

چنانچه حافظ ابن حجر عسقلانی گفته است: «وقد أجمع العلماء على جواز الرقي عند اجتماع ثلاثة شروط: أن يكون بكلام الله تعالى أو بأسمائه وصفاته، وباللسان العربي أو بما يعرف معناه من غيره، وأن يعتقد أن الرقية لا تؤثر بذاتها بل بذات الله تعالى» (۷)

یعنی علماء در موجودیت سه شرط به جواز دم و رقیه اجماع نموده اند، شرط اول اینکه دم و دعا توسط کلام الله متعال و یا اسماء و صفات وی صورت گیرد، شرط دوم این است که به زبان عربی و یا به زبان دیگری که معنایش قابل فهم باشد، شرط سوم اینکه باور همه این باشد

که تأثیر دم و دعا تأثیر ذاتی نبوده بلکه توسط همان اثری بوده که الله متعال در آن



گذاشته است.

هم چنان صاحب عون المعبود در ادامه تعریف رقیه گفته است: مَا يُقْرَأُ مِنَ الدُّعَاءِ لِطَلَبِ الشِّفَاءِ، وَهِيَ جَائِزَةٌ بِالْقُرْآنِ وَالْأَسْمَاءِ الْإِلَهِيَّةِ وَمَا فِي مَعْنَاهَا بِالِاتِّفَاقِ وَبِمَا عَدَّاهَا حَرَامٌ لَا سِيَّمَا بِمَا لَا يُفْهَمُ^(۸).

یعنی رقیه عبارت از دعاهای است که به غرض حصول شفا خوانده میشود، پس اگر آن دعاها توسط قرآن کریم و اسمای الهی و یا آنچه در حکم و معنای اسمای الهی باشد به اتفاق همه جواز دارد، و در غیر آن حرام می باشد، مخصوصاً زمانی که مفهوم و معنای آن کلمات قابل فهم و درک نباشد.

البته باید تذکر داد که سه شرط ذکر شده تنها شرطهای عمده دم و دعا است؛ زیرا در دم و دعا شرط های دیگری نیز وجود دارد، هم چنان در دم کننده شرط است تا از دعاهای مشروع قرآنی مانند: سوره های فاتحه، اخلاص، فلق، ناس، آیه الکرسی، آخر سوره بقره، و هم چنان با اذکار و اوراد و ادعیه نبوی کاملاً آشنائی داشته، و هنگام خواندن آیات واوراد، معنی و مفهوم آنها را نیز در ذهنش متصور سازد^(۹).

شرط مهم دیگر این است که دم کننده با زن نا محرم به شکل تنهایی ننشیند و هم چنان به عذر اینکه دم می اندازد کدام عضو بدن زن نا محرم را مساس نکند؛ زیرا دم اندازنده هیچ وقت نمیتواند همانند داکتر عمل کند؛ زیرا داکتر به غرض تشخیص بهتر نیاز دارد تا به عضو درد مند مریض دست بکشد اما کار دم اندازنده تنها خواندن است نه چیز دیگر^(۱۰).

برخی فوائد دم و دعاهای مشروع:

از بررسی دلایل و شروط دم و دعاهای مشروع این حقیقت نیز روشن میگردد که دم و تعویذ شرعی نه تنها حقیقت دارد بلکه فواید و مصالح متعددی را نیز در قبال دارد که مهم ترین آنها عبارت اند از:

۱- متابعت و پیروی نمودن از سنت عملی پیامبر ﷺ هنگام

قصد و اراده خواب.

۲- دفع بلاء و مصیبت قبل از وقوع آن.

۳- حفاظت و حمایت از مسلط شدن شیطان بر انسان.

۴- دم و دعا بر دیگران یکی از شیوه های رسانیدن نفع به آنها است که اسلام همواره پیروانش را به آن ترغیب و تشویق داده است.

ب/ دم و دعاهای غیر مشروع:

دم و دعا، تعویذ و افسون غیر مشروع آن است که معیار ها و یا شرطی از شروط صحت دم و دعاهای مشروع در آن نباشد. و این نوع را میتوان به دو بخش تقسیم کرد:

۱- دم و دعای شرکی:

منظور از دم و دعای شرکی همان دمی است که در آن از غیر الله استعانت و کمک خواسته شود، و یا در آن به غیر الله سوگند یاد کرده شود مانند دم و دعاهای که در آنها نام جنها، ملائک و پیامبران و سایر صالحین را گرفته شود، پس در اینگونه دم و تعویذ دعاء و استعانت از غیر الله وجود دارد که شرک اکبر به شمار میرود، طوریکه پیامبر ﷺ فرمودند: من حلف بغير الله فقد أشرك^(۱۱).

شیخ الإسلام ابن تیمیة گفته است: «أكثر الرقي الأعجمية تتضمن أسماء رجال من الجن، ويدعون ويستغاث بهم ويقسم بمن يعظمونه فطبيعتهم الشياطين بسبب ذلك في بعض الأمور وهذا من جنس السحر والشرك»^(۱۲)

یعنی در اکثریت دم و دعا های که توسط مردمان عجم صورت می گیرد نام جنها دیده میشود که مردم حوایج خویش را از آنها می طلبند، و به آنها روی می آورند، و به نامهای آنها قسم نیز یاد می کنند که در نتیجه شیطانها از آنها در بعضی موارد اطاعت می کنند، و این عمل بدون شک از جنس سحر و شرک به شمار میرود.

هم چنان کسیکه مهره ی از مهره ها، دانه ی از دانه ها، و یا کدام تار و حلقه و یا پارچه آهنی را در گردن و بازو و بدنش بر این باور آویزان کند که آن مهره و خرمهره و یا تار و حلقه در ذات

خود میتواند بلا و مصیبت را از وی دفع نماید، شکی نیست که اینگونه باور از نوع شرک در ربوبیت و عبودیت به شمار رفته و در نهایت شرک اکبر به شمار میرود. و اکثریت کسانی که این چنین اشیاء و خر مهره را آویزان می کنند بر همین اشیاء توکل و اعتماد نموده، دور شدن ضرر و رسیدن خیر و نفع را به همین چیزها مربوط دانسته میگویند: اگر این چیزها را آویزان نکنند بلاء و مصیبتی بر سر آنها می آید و یا اینکه به نظر بد و زخم چشم مبتلا می شوند. پس بدون شک همه اینها از نوع شرک به شمار میرود. و دین مقدس اسلام همانطوریکه پیروانش را از شرک و کفر برحذر داشته هم چنان از اعمال و حرکات و کارهای که منتج به شرک شود نیز بر حذر داشته و آن اعمال و حرکات را باطل قرار داده است که برخی از دلایل بطلان آنها در ذیل بیان میگردد:

۱- از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند: «إن الرقي والتائم والتولة شرك»^(۱۳)، یعنی طلسمها و آنچه بر گردن اطفال بسته میشود و ورد محبت شرک است.

۲- از عقبه بن عامر جهنی رضی الله عنه که گفته است: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَقْبَلَ إِلَيْهِ رَهْطٌ فَبَايَعَتْ تِسْعَةً وَأَمْسَكَ عَنْ وَاحِدٍ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ بَايَعْتَ تِسْعَةً وَتَرَكْتَ هَذَا؟ قَالَ: إِنَّ عَلَيْهِ تَمِيمَةً فَأَدْخَلَ يَدَهُ فَقَطَعَهَا فَبَايَعَهُ وَقَالَ مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً فَقَدْ أَشْرَكَ^(۱۴)

یعنی گروهی از مردم نزد پیامبر ﷺ آمدند، پیامبر ﷺ با نه تن ایشان بیعت نمود و از بیعت نمودن با یک نفر ابا ورزید. آنها گفتند ای رسول الله! شما با نه نفر ما بیعت نمودید و با یک نفر بیعت ننمودید؟ پیامبر ﷺ فرمودند: بر بدن این یکی تمیمه (مهره) وجود دارد. آن مرد دستش را داخل نمود و آن مهره را کنده دور انداخت، همین بود که پیامبر ﷺ با وی نیز بیعت کردند و فرمودند: کسی مهره ی را آویزان کند به خدا شرک ورزیده است.

۳- هم چنان از عقبه بن عامر ﷺ روایت است که گفت: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ:



« مَنْ تَعَلَّقَ تَمِيمَةً فَلَا أَتَمَّ اللَّهُ لَهُ وَمَنْ تَعَلَّقَ وَدَعَهُ فَلَا وَدَعَ اللَّهُ لَهُ » (۱۵)

"کسیکه چیزی را به غرض تمام شدن کارش آویزان کند خداوند کارش را تمام نکند و کسی که مهره را به غرض سکون و راحت آویزان کند خداوند برایش سکون ندهد".

احادیث سه گانه فوق دلایل واضحی اند بر حرمت آویزان نمودن تمام (مهره ها) به شکل عام، و هم چنان دلیل است بر حرمت تعویذ های دوره تاریک جاهلیت که از آنها بنام توله و ودع یاد می کردند، و علت ممانعت شریعت از همچو اشیا متضمن بودن آنها بر شرک است که با توحید منافات دارد.

۲- دم و دعا های حرام:

علاقه و ارتباط بین این نوع از دعا های ممنوع و بین دعا های قبلی علاقه عموم و خصوص مطلق است؛ زیرا دم و دعا های شرکی بدون شک حرام اند، اما دم و دعا های حرام شده میتواند که حرام باشد اما به حد شرک نرسد.

دم و دعای حرام این است که به زبان عربی نباشد و یا توسط جملات و کلماتی صورت گیرد که معنایش قابل فهم نباشد؛ زیرا در اینگونه دم و دعا ها میتواند شرک راه پیدا کند اما فهمیده نشود، پس این نوع دم و دعا ها شرعاً حرام است (۱۶).

و این دم و دعا های حرام صورت های مختلفی دارد که مشهور ترین آنها صورت های ذیل است:

الف/ نوشتن سوره ها یا آیات و تکرار بار بار آنها به اشکال مختلف، طوریکه اول سوره را آخر و آخرش را اول یعنی معکوس قرار داده شود، و گاهی سوره یا آیت را قطعه، قطعه می سازند و چنین باور دارند که نوشتن آیات با این شیوه خصوصیت خاص خود را دارد، و گاهی در اینگونه ترتیب حالات ستارگان را در نظر می گیرند، و در حرمت اینگونه دم و تعویذ نباید شک کرد و لو که توسط قرآن کریم صورت گیرد؛ زیرا ترتیب قرآن را در اینگونه دم و دعا در نظر گرفته شده است و نیز

حالات و حرکت ستارگان را در آن در نظر گرفته شده است.

ب/ بستن تار و انداختن حلقه:

روی آوردن و پناه بردن به حلقه و تار، حلقه های فلزی (چهل بند و غیره) کاملاً با توحید و عقیده یکتا پرستی منافات دارد؛ زیرا خداوند متعال آنها را برای دور کردن بیماری بعد از وقوع اش و یا وقایع قبل از وقوع اش وضع نکرده است و همه اینها حرام است.

دلیل حرمت این گونه اعمال:

۱- امام احمد از عمران ابن حصین رضی الله عنه روایت می کند که: پیامبر صلی الله علیه و آله در با زوی مردی حلقه ای را دید و فرمود: وای بر تو این چیست؟ آن مرد گفت: (مِنْ الْوَاهِنَةِ) بخاطر دور کردن (قُلَنْج) ضعف و سستی است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَمَّا إِنَّهَا لَا تَرِيدُكَ إِلَّا وَهْنًا أَنْبَذَهَا عَنْكَ فَإِنَّكَ لَوَيْتَ وَهْيَ عَلَيْكَ مَا أَفْلَحْتَ أَبَدًا» (۱۸)

یعنی: آگاه باش که این زیاد نمی کند برای تو مگر ضعف و سستی را، دور بینانداز آنرا؛ زیرا اگر تو بمیری و این در بازوی تو باشد هرگز رستگار نخواهی شد.

۳- حذیفه رضی الله عنه از جمله همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله بود که لیست منافقین را می نوشت، روزی به عیادت مریضی رفت و در بازوی او بازوبندی را دید که از چرم، و یا پوست درخت و یا رشته و یا تار بود که عقیده داشتند بوسیله آن تب دور می شود، حذیفه رضی الله عنه بیدرنگ آن را برید، و آیه ذیل را تلاوت کرد: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾ یوسف: ۱۰۶ (۱۹).

یعنی: ایمان نمی آورند اکثر شان بخدا مگر در حالیکه با وی شریک نیز میگردانند.

۴- در اثری از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که روزی در گردن همسرش زینب رشته را دید پرسید این چیست؟ زینب گفت: رشته ای است که وده و افسون کرده شده است برای من از جهت دور کردن تب، عبدالله رضی الله عنه آن را کش کرده پاره نمود و دور انداخت، سپس گفت: خانواده عبد الله از شرک بی نیاز است، من از

رسول الله صلی الله علیه و آله شنیده ام که فرمود: «إِنَّ الرُّقْيَ وَالْتِمَامَ وَالْوَلَةَ شُرُكٌ» (۲۰)

یعنی: بدرستی که افسون ها، تعویذ ها، و توله شرک است.

ج/ تعویذ و تائم قرآنی که در دست و بازوی اشخاص و افراد آویزان میگردد، گرچند برخی این عمل را جائز میدانند اما بقول راجح این عمل نیز حرام است، و دلیل حرمت آن سه چیز است:

۱- عموم احادیث وارده پیرامون نهی از تعلیق و آویزان نمودن تائم که هیچ تخصصی نیز ندارد.

۲- رعایت اصل سد ذریعه، زیرا آویزان نمودن تعویذ های قرآنی سبب میشود تا مردم با دیدن و مشاهده نمودن آن غیر از قرآن تار و مهره و اشیای حرام دیگر را در گردن و بازوهای خود آویزان نمایند.

۳- آویزان نمودن آیات قرآنی موجب بی حرمتی قرآن میگردد؛ زیرا شخص با آن تعویذ وارد بیت الخلاء و اماکن قضای حاجت میگردد که این بی حرمتی بس بزرگی است. و همین حرمت و عدم جواز نظر جمعی از اصحاب مانند: عبدالله بن مسعود، عبد الله بن عباس، حذیفه بن الیمان، عقبه بن عامر، ابن عکیم، و از تابعین: ابراهیم نخعی، و از ائمه نظر امام احمد، ابن العربی و علمای دیگر می باشد (۲۰)

نتایج عمده تحقیق

نتایج بدست آمده از تحقیق فوق را میتوان در چند نقطه خلاصه کرد:

۱- دم و تعویذ عموماً بر دو نوع

است: ۱- مشروع ۲- غیر مشروع، و هر کدام باز انواع مختلفی دارد.

۲- دم و تعویذ مشروع همان دمها و دعا های است که در کل

موافق شریعت بوده و معیار های لازم مشروعیت در آن موجود باشد، و غیر مشروع بر عکس آن است.

۳- شروط عمده دم و تعویذ

مشروع سه چیز است: ۱- دم و دعا توسط آیات و سوره های قرآنی، أسماء و صفات الله متعال



اذکار و ادعیه ماثور نبوی باشد. ۲ - شرط دوم اینکه به زبان عربی باشد. ۳ - شرط سوم اینکه مؤثر حقیقی الله متعال را بداند نه اوراد و اذکار را. ۴ - اهلیت و شایستگی دم و تعویذ را هر فرد ندارد؛ لذا شرط اساسی دم کننده و تعویذ دهنده این است که دعاها مشروع قرآنی مانند: سورة های فاتحه، اخلاص، فلق، ناس، آیه الکرسی، آخر سورة بقره، و هم چنان اذکار و اوراد و ادعیه نبوی را یاد داشته و با آنها کاملاً آشنائی داشته باشد، و هنگام خواندن آیات و اوراد، معنی و مفهوم آنها را نیز در ذهنش متصور سازد. شرط مهم دیگر دم کننده این است که دم کننده و یا تعویذ دهنده با زنان نا محرم به شکل تنهایی ننشیند، و هم چنان به عذر اینکه دم می اندازد کدام عضو بدن زن نا محرم را مساس نکند؛ زیرا دم اندازنده هیچ وقت نمیتواند همانند داکتر عمل کند؛ زیرا داکتر به غرض تشخیص بهتر نیاز دارد تا به عضو درد مند مریض دست بکشد اما کار دم اندازنده تنها خواندن است نه چیز دیگر.

۵ - یکی از انواع تعویذ های حرام بستن تار و انداختن حلقه است؛ زیرا روی آوردن و پناه بردن به حلقه و تار، حلقه های فلزی (چهل بند و غیره) کاملاً با توحید و عقیده یکتا پرستی منافات دارد؛ زیرا خداوند متعال آنها را برای دور کردن بیماری بعد از وقوعش و یا وقایع قبل از وقوعش، وضع نکرده است، و همه اینها حرام است.

۶ - دم و تعویذ شرعی نه تنها حقیقت دارد بلکه فواید و مصالح متعددی را نیز در قبال دارد که مهم ترین آنها عبارتند از:

الف/ متابعت و پیروی نمودن از سنت عملی پیامبر ﷺ هنگام قصد و اراده خواب.

ب/ دفع بلاء و مصیبت قبل از وقوع آن.

ج/ حفاظت و حمایت از مسلط

شدن شیطان بر انسان.

د/ دم و دعا بر دیگران یکی از شیوه های رسانیدن نفع به آنها است که اسلام همواره پیروانش را بدان ترغیب و تشویق داده است.

۷ - تعویذ و تمائم قرآنی که در دست و بازوی اشخاص و افراد آویزان میگردد، گرچند برخی این عمل را جائز میدانند اما بقول راجح این عمل نیز حرام است، و دلیل حرمت آن سه چیز است:

۱ - عموم احادیث وارده پیرامون نهی از تعلیق و آویزان نمودن تمائم که هیچ مخصصی نیز ندارد.

۲ - رعایت اصل سد ذریعه، زیرا آویزان نمودن تعویذ های قرآنی سبب میشود تا مردم غیر از قرآن تار و مهره و اشیای حرام دیگر را در گردن و بازوهای خود آویزان نمایند.

۳ - آویزان نمودن آیات قرآنی موجب بی حرمتی قرآن میگردد؛ زیرا شخص با آن تعویذ وارد بیت الخلاء و اماکن قضای حاجت میگردد که این بی حرمتی بس بزرگی است.

فهرست مأخذ

۱ - صحیح مسلم شماره حدیث: (۲۲۰۰)، تألیف: ابو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیشابوری، دار إحياء الكتب العربية (للبابي الحلبي) (د.ط).

۲ - صحیح مسلم، باب استحباب الرقية من العقر والنملة والحمة والنظرة، شماره حدیث (۵۶۸۱) تألیف: ابو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیشابوری، دار إحياء الكتب العربية (للبابي الحلبي) (د.ط).

۳ - صحیح بخاری، شماره حدیث (۵۰۰۷)، تألیف: محمد بن اسماعیل بخاری (۲۰۲/۱)، عالم الكتب بیروت (طراحي چاپ المنيرية). چاپ چهارم ۱۴۰۵هـ.

۴ - صحیح بخاری، شماره حدیث (۴۴۳۹)، تألیف: محمد بن اسماعیل بخاری (۲۰۲/۱)، عالم الكتب بیروت (طراحي چاپ المنيرية). چاپ چهارم ۱۴۰۵هـ.

۵ - همان، شماره حدیث (۵۷۴۳).

۶ - صحیح مسلم. کتاب السلام: باب استحباب وضع ید علی موضع الألم. (۲۲۰۲)، تألیف: ابو الحسین مسلم بن الحجاج بن مسلم القشیری النیشابوری، دار إحياء الكتب العربية (للبابي الحلبي) (د.ط).

۷ - فتح الباری شرح صحیح البخاری، تألیف: ابن

حجر عسقلانی (۲۵۸/۱۶) دار الریان/ چاپ دوم ۱۴۰۹هـ.

۸ - عون المعبود شرح سنن ابوداود (۸/۴۱۰)، تألیف: أبو طیب محمد شمس الحق عظیم آبادی، طبع دار الكتب العلمية، بیروت چاپ اول ۱۴۱۰هـ.

۹ - الأحكام الفقهية فی الرقی الشرعية، ص: ۸۳، تألیف: محمد صالح الجزاع، نشر: دار الأندلس، حائل.

۱۰ - همان

۱۱ - سنن ترمذی (۱۵۳۵) و مستدرک حاکم ۱/ ۱۸ و ۴/ ۲۹۷ و صححه ووافقه الذهبي.

۱۲ - مجموع الفتاوی (۱/ ۳۶۲) از شیخ الاسلام ابن تیمیه، جمع و ترتیب عبد الرحمن بن قاسم النجدی.

۱۳ - حدیث را امام احمد در مسند (۳۸۱/۱)، امام ابوداود در سنن، کتاب الطب، باب فی تعلیق التمام (۳۸۷۷)، ابن ماجه در سنن (۱۱۶/۲) حاکم در مستدرک ۴/ ۴۱۸ روایت نموده گفته است: صحیح الاسناد علی شرط الشیخین، و ابن حبان در صحیح (۱۴۱۲) روایت نموده و البانی در سلسله صحیحة (۱/ ۵۸۴) آن را صحیح گفته است.

۱۴ - مسند احمد (۱۵۶/۴)، مستدرک حاکم (۴/ ۲۱۹)، و شیخ البانی در صحیحه اش (۴۹۲) آن را صحیح دانسته است.

۱۵ - مسند امام احمد (۱۵۴/۴)، و مستدرک حاکم (۴/ ۲۱۶)، و منذری در ترغیب و ترهیب (۴/ ۳۰۶) سندش را جید خوانده است.

۱۶ - حاشیه رد المحتار از ابن عابدین (۵۲۳/۹)، حاشیه عدوی بر رساله أبو زید (۴۵۳/۲ - ۴۵۴)، البیان و التحصیل از ابن رشد (۴۳۹/۱)، صحیح مسلم با شرح نووی (۴۱۹/۱)، کشف القناع (۲۳۸/۶).

۱۷ - سنن ابن ماجه، و مسند احمد ۱۸ - سورة یوسف آیه: ۱۰۶.

۱۹ - حدیث را امام احمد در مسند (۳۸۱/۱)، امام ابوداود در سنن، کتاب الطب، باب فی تعلیق التمام (۳۸۷۷)، ابن ماجه در سنن (۱۱۶/۲) حاکم در مستدرک ۴/ ۴۱۸ روایت نموده گفته است: صحیح الاسناد علی شرط الشیخین، و ابن حبان در صحیح (۱۴۱۲) روایت نموده و البانی در سلسله صحیحة (۱/ ۵۸۴) آن را صحیح گفته است.

۲۰ - رجوع شود به مصنف ابن ابی شیبیه (۳۵/۵)، الاداب الشرعية از ابن مفلح (۸۱/۳)، عارضة الاحوذی (۲۲۲/۸)، تیسیر العزیز الحمید (ص: ۱۶۸، ۱۷۴)، فتح المجید ص: ۱۲۸، الأحكام الفقهية فی الرقية الشرعية ص: ۴۲۲، ۴۳۵.



پدیده شوم فساد اداری

استاد محمد شریف رباطی

آن زخم ها تا هنوز جاری است، دچار بلای دیگری شدیم که از آن بنام { فساد اداری } نامبرده میشود و این بدون شک و تردید حربه ای دیگر است بر پیکر این ملت نیمه جان و به خاک و خون افتاده که از طرق متعدد به کار برده می شود؟!

این حربه جدید که از آن بنام { فساد اداری } نام می برند، دارای انواع و اقسام و شیوه های بخصوص خود بوده که می توان بعضی از آن را مشرحاً و با اندک وضاحت ذیلاً درج سطور نمود:

اولاً: تعریف ساده ای از فساد اداری:

• فساد اداری چیست؟

• انواع و اقسام آن :

• شیوه کاربرد و عملی نمودن آن
بالای مراجعین و ملت مظلوم:

• شناخت اسباب علل و عوامل آن:

• طرق و راه های حل آن با کار

برد و شیوه های میتودیکی ،
علمی و پژوهشی :

• جلب حمایت همه اقشار ملت

پیرامون کاهش و محو این

پدیده شوم :

تعریف فساد اداری :

می توان فساد اداری را به ساده

ترین الفاظ و جملات عام فهم

غیر شعوری از طریق ثغور و مرز های سرحدی کشور وارد این مرز و بوم نشده، بلکه با طرح و پلان سازی دقیق و سنجیده توام با گماشتن بعضی افراد به اصطلاح تعلیم یافته و درعین وقت خود فروخته که نه از خود اراده استقلال، حریت و آزادی دارند و نه هم احساس حب میهن و وطن دوستی، و نه هم دل ایشان به اولاد شکم گرسنه و پا برهنه ای این سر زمین فقیر و بیچاره می سوزد و نه هم پروای اعمار و بازسازی مجدد کشور در ذهنش خطور می کند، بلکه شباروز در فکر پر کردن جیب های پر ناشدنی خود مشغول و مصروف بوده و هستند!!

همه هموطنان، مردم و ملت رنج دیده این مرض سرطانی را درک و با چشمان سر مشاهده و با دستان خویشتن لمس نموده، و از این ناحیه رنج برده، داد و فریاد ایشان فضای ملکوتی کشور را درهم پیچیده و فریاد می کشند می گویند:

ای وای بر ما این چه بلای است که بر سر ما ملت رنج دیده و مستضعف نازل و مسلط شده است، در حالیکه تا حال خون زخم های دو دهه جنگ های تحمیلی و خانمانسوز نه خشکیده و از

فساد اداری یکی از پدیده های شوم و نا فرجام بوده که همزمان با هجوم فرهنگ بیگانه وارد کشور مان گردیده است که نه تنها باعث ورشکستگی و عقب مانی در پیشبرد امورات یومیه ادارات دولتی و غیردولتی اعم از دفاتر، مؤسسات خارجی، انجوها، شرکت های صنعتی و وارداتی، سکتور خصوصی، پروژه های عمرانی و بازسازی، در مجموع به تعویق انداختن تطبیق استراتیژی انکشاف ملی و در کل عدم اکمال تمام پروسه اعمار و بازسازی مجدد کشور چه از ناحیه مادی باشد و چه از ناحیه معنوی، تلقی گردیده، بلکه این پدیده منحوس و پست، بعد از سپری نمودن دو دهه جنگ های تحمیلی و خانمانسوز به شیوه دیگری با تغییر و تعویض نام و روش و با استفاده از تکتیک های چال و نیرنگ بخصوص استکبار جهانی وارد صحنه شده و بار دیگر گلوی این ملت مظلوم و بیچاره را فشرده و خون ایشان را با کاربرد ویژه خود مکیده و درعوض مرحم بر زخم های ناسور این ملت رنج دیده؛ ماهرانه و محتاطانه نمک می ریزد!!
این پدیده شوم و نافرجام نا آگاهانه و



چنین تعریف نمود: فساد اداری عبارت است از عدم رعایت قوانین نافذه کشور در رابط با انجام امور یومیه ادارات دولتی و غیر دولتی توأم با بروکراسی، ضیاع وقت مراجعین و حصول یکمقدار پول نامشروع جهت انجام پاره ای از امورایشان (مراجعین و درمجموع ملت).

انواع واقسام فساد اداری:

فساد اداری با شیوه های خاص و ویژه ای که دامنگیر این ملت شده، از جمله میتوان گفت:

۱- برخورد نامناسب مامورین بامراجعین
۲- کارشکنی و بهانه جوئی بیجا و بی مورد.

۳- به تعویق انداختن امور یومیه اداری.
۴- گپ دادن مراجعین به فردا و پس فردا و پس فردا های دیگر.

۵- اختلاس، سرقت و رشوت ستانی.

۶- اعطای معاش های غیر متوازن.

۷- بروکراسی و کاغذ پرانی در ادارات دولتی و غیر دولتی.

۸- استفاده سوء از قدرت زور و زر و کرسی.

۹- ترجیح دادن روابط بر ضوابط در اثنای تقرر و توظیف مامورین.

۱۰- گماشتن افراد بی سواد غیر متعهد و مسلکی.

۱۱- بی توجهی به مقررات و قوانین مامورین.

۱۲- دادن اجازه عمران بلند منزل های غیر قانونی.

۱۳- وجود شاروالی های بی کفایت.

۱۴- گماشتن بعضی افراد نا اهل و نا مناسب، فاقد ابتکار، بی کفایت و بی درایت که اصلاً

شایستگی تقرر مامور عادی را در آن اداره دارا نبوده، ولی به اساس واسطه و وسیله و تملق

منحیث رئیس تقرر حاصل نموده و اداره را به رکود مواجهه و شیرازه سیستم اداری را کاملاً

منهدم و فلج ساخته اند.

علل و عوامل فساد اداری:

۱- عدم مدیریت سالم در اداره.

۲- پائین بودن سطح علم و دانش کارمندان.

۳- بی توجهی و عدم فهم ارزش های دینی.

۴- ضعف فرهنگ مسئولیت پذیری و منفی گرایی ادارات.

۵- ضعف ظرفیت قوای بشری جوابگو.

۶- عدم هماهنگی ادارات نظارتی.

۷- ضعف معاش کافی کارمندان.

۸- عدم همکاری مردم با مسئولین اداره عالی نظارت بر تطبیق استراتیژی

مبارزه علیه فساد اداری.

۹- و...

اضرار عمده آن:

۱- از ناحیه فردی و اجتماعی: امروز تعداد زیادی از هموطنان ما از این ناحیه رنج

برده و با هم دست و پنجه نرم میکنند، به این مفهوم که یک شهروند عزیز ما

بخاطر انجام یک کار بسیار عادی و ناچیز روزها در عقب دروازه های دفاتر

دولتی و غیر دولتی ایستاده به اساس فساد اداری که در اداره وجود دارد، کار

ایشان حل و فصل نمی گردد. که این امر باعث ضیاع وقت فرد و در مجموع سبب

ضرر جامعه و اجتماع افغانی می گردد.

۲- از ناحیه فرهنگی و کلتوری: این فرهنگ نا مشروع و ناجایز تأثیر ناگوار

و زشتی بر نسل های آینده ببار آورده و ایشان را از جاده عدالت و انصاف

منحرف و شفافیت و حساب دهی در اجرای امور روزمره ادارات رسمی و غیر

رسمی را تحت شعاع خود قرار داده و میدهد.

۳- از ناحیه سیاسی و روابط دیپلوماسی: از ناحیه سیاسی و دیپلوماسی از پرنسب

و اتوریته دولت کاسته و ضعف دولت و ناتوانی دولتمردان را برملا می سازد.

۴- از ناحیه اقتصادی: اقتصاد کشور را بخاطری صدمه می زند که تجار ملی و

تجار بین المللی از سرمایه گذاری در کشور خود داری می نمایند، زیرا بدون رشوت ستانی امری از امور ایشان بر سر جایش نمی نشیند. و قناعت شان فراهم نمی گردد.

راه های حل و محو آن:

۱- تقویه اداره مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی: در این راستا باید

کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی تقویه شود تا کار به اهل

آن از طریق رقابت آزاد سپرده شود، جا دارد در این مقام از تلاش های

پیگیر و خسته گی ناپذیر رئیس جمهور کشور یاد آوری نمایم ایشان

همواره در باره تأکید ورزیده و حتی یکی از اهداف خود بر این موضوع

ترکیز داشته و افزوده اند: " مصونیت

و امید کارمندان دولت به آینده، شرط اساسی - تقویه - و رشد خدمات

ملکی در افغانستان است و من تلاش دارم تا ختم دوره ریاست جمهوری

خویش، خدمات ملکی را از طریق قانون گذاری و تهداب گذاری مطابق

قانون به افغانستان بیاورم تا آن هایی که در اداره افغانستان خدمت می کنند،

هم مصون باشند، هم ترقی شان به اساس لیاقت و اهلیت شان صورت

گیرد و هم امتیازاتی داشته باشند که پس از تقاعد به خوبی و آرامی در

کشور زندگی کنند "

افزون بر آن در مورد تقویه و رشد اصلاحات اداری و خدمات ملکی،

استراتیژی انکشاف ملی افغانستان نیز تأکیدی دارد: اصلاحات اداری یک

پروژه، روند یا جریان اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است.

اصلاحات اداری تغییر هدفمند است که تغییر پندار و سلوک مامورین را به

منظور عملکرد حسابه، شفاف، ارائه خدمات مفید تر و بهتر به شهروندان

را خواهان است.

پروژه اصلاحات اداری، رهبریت و



مدیریت مدیران سیاسی، و ظرفیت قوی مدیریت اجرایی را خواهان است، از این جهت حمایت رهبری سازمان، همکاری تخنیکی متداوم، حمایت سیاسی، تخنیکی و نظارت دوامدار از چگونگی مدیریت پروسه اصلاحات اداری از پر اهمیت ترین مسایل برای موفقیت اصلاحات در کشور است. همکاری مردم با اداره عالی نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری.

۲- نظارت قوی و مردمی.

۳- جلب حمایت مردم از این پروسه.

۴- تصفیه اشخاص نا اهل و غیر متعهد از ادارات دولتی.

۵- تقویه نظام مکافات و مجازات در ادارات.

ضرورت اصلاحات اداری:

سه دهه جنگ و نا امنی نه تنها شالوده و زیر بناهای سیستم اداری را از هم پاشیده، بلکه نظام اداری را رنگ سیاسی داده و روابط بر ضوابط را مسلط گردانیده، فرهنگ عدم مسؤولیت پذیری و منفی گرایی مسلط بوده و ظرفیت موجود قوای بشری جابگوی شرایط بازسازی و نو سازی نمی باشد از اینرو سیستم اداری مستلزم اصلاح و نو سازی است تا با شرایط جدید هماهنگ گردد.

نظام دموکراسی بحیث نظام سیاسی مسلط مستلزم تغییراتی در شیوه رهبریت و مدیریت سیستم اداری است که باید در قوانین، ساختار ها، و پروسه های اداری تغییراتی ایجاد گردد، تاسیستم اداری با جو جدید سیاسی هماهنگ گردد.

نظام اقتصاد بازار بحیث نظام مسلط اقتصادی نیز تغییرات اساسی را در نقش ارگان های خدمات ملکی وارد می نماید که باید در پالیسی ها، استراتیژی ها و ساختار ها و روابط کاری تغییراتی ایجاد گردد، تا سیستم

اداری همگام و هماهنگ با شرایط اقتصادی جدید حرکت نموده و سیستم اداری همکار برای رشد سیستم خصوصی و نه رقیب آن عمل نماید.

اهداف اصلاحات اداری:

هدف عمده اصلاحات اداری عبارت از ایجاد یک سازمان یا اداره متمر و سالم است، تا سیستم اداری با شرایط جدید سیاسی، اقتصادی هماهنگ گردیده و اداره ظرفیت مدیریتی لازم را غرض تحقق ماموریت به موثر ترین شکل ممکن بدست آورد.

به عباره دیگر: هدف از اصلاحات اداری عبارت از انکشاف سازمانی و ارتقای ظرفیت سیستم اداری است، تا ادارات ماموریت و اهداف شان را بطور مؤثر، متمر، شفاف، قانونمند و در همنوائی با پالیسی و ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان تأمین نموده و در کمیت و کیفیت عرضه خدمات به شهروندان تغییر قابل ملاحظه ایجاد گردد.

انکشاف سازمانی مستلزم حمایت قوی سیاسی و مدیریتی ادارات است، زیرا رهبری سازمان یا اداره باید با تغییر جو سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با تحلیل از وضعیت موجود با در نظر داشت فاکتور های متذکره طرح انکشافی و ارتقای ظرفیت مدیریتی سیستم اداری ادارات شان را طوری تهیه نمایند تا سازمان در شرایط موجود بتواند ماموریت، اهداف پلانی و وظایف کلیدی را بشکل بهینه بدست آورد، هدف از بهینه اینست که از حد اقل منابع مالی و انسانی حد اکثر خدمات مورد نیاز شهروندان را بصورت شفاف، قانونمند و عادلانه در روشنایی پالیسی های انکشافی دولت ارائه بدارد.

... بناء اصلاحات اداری یک روند زنده و متکامل بوده که همواره به اساس نیازمندی های جدید و توقعات در حال تغییر انکشاف یافته و بصورت تدریجی تأثیرات خود را گسترش داده و مرحله به

مرحله بسوی کمال مطلوب پیش میرود.

روی همرفته وزارت جلیله عدلیه ورکشاپ چهار روزه را تحت عنوان { بررسی طرح قانون اجراءات جزائی و سه طرح مرتبط به آن... } که یکی آن قانون مبارزه علیه فساد اداری بود، را بعد از بازنگری و نظریه اعضای محترم آن ورکشاپ مورد تأیید قرار داد و جهت تأیید تصویب به شورای ملی کشور ارجاع خواهد گردید، که ما جهت روشن شدن موضوع قسمتی اندکی آن را درج این سطور می نمایم:

ماده اول: " این قانون در روشنی احکام مندرج جزء (۳) ماده هفتاد و پنجم قانون اساسی افغانستان و جزء (۱) میثاق ملل متحد علیه فساد اداری وضع گردیده است.

ماده دوم: اهداف این قانون عبارت اند از:

۱- تنظیم امور مربوط به مبارزه علیه فساد اداری و اشتراک مساعی در پروگرام ها و پروژه های منطوقی و بین المللی در این راستا.

۲- اصلاح طرز العمل های اداری به همکاری ادارات ذیربط به نحوی که قابلیت مبارزه با فساد را ارتقاء بخشد.

۳- اتخاذ تدابیر لازم جهت نظارت بر تطبیق ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری.

۴- تأمین شفافیت در اجراءات امور مالی، حسابداری و مدیریت سالم .

۵- آموزش کارمندان خدمات عامه و آگاهی عمومی در امر مبارزه علیه ارتشاء و فساد اداری.

۶- اصلاح قوانین به نحوی که مؤثریت آن را در امر مبارزه با فساد اداری بیشتر سازد.

۷- تحکیم و تعمیم حاکمیت قانون.



همچنان در این قانون از اعمالی که فساد اداری پنداشته می شود چنین تذکر رفته است: " مادهٔ سوم: ارتکاب اعمال ذیل بمنظور احکام این قانون جرایم فساد اداری شمرده می شود:

۱- ارتکاب جرایم مندرج فصول (۷، ۴، ۳، و ۱۱) باب اول کتاب دوم قانون جزاء.

۲- کسب و ازدیاد دارائی از طریق غیر قانونی.

۳- جرایم مندرج مادهٔ سوم قانون مبارزه علیه تطهیر پول و عواید ناشی از جرایم.

۴- انجام هر نوع معاملات انتفاعی با دولت از جانب مقامات مندرج مادهٔ یکصد و پنجاه و یکم قانون اساسی افغانستان.

مادهٔ چهارم: ادارهٔ عالی مبارزه علیه فساد اداری بحیث عالی ترین مرجع در چوکات دولت فعالیت های ادارات مندرج مادهٔ هفتم این قانون را در امر تطبیق استراتیژی، طرز العمل اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری در سطح کشور بررسی می نماید.

مادهٔ پنجم:

(۱) ادارهٔ عالی مبارزه علیه فساد اداری در اجراءات خود مستقل بوده، مطابق احکام این قانون، قانون اجراءات جزائی و سایر اسناد تقنینی فعالیت می نماید.

(۲) هیچ شخص و مقام مانع اجراءات قانونی ادارهٔ عالی مبارزه علیه فساد اداری شده نمی تواند.

روی همرفته وظایف و صلاحیت این اداره چنین درج سطور گردیده است:

مادهٔ هشتم:

ادارهٔ عالی مبارزه علیه فساد اداری دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد:

۱- مبارزه علیه فساد اداری طبق احکام این قانون .

۲- بررسی از چگونگی تطبیق

ستراتیژی مبارزه علیه فساد اداری و طرز العمل اصلاح اداره در این راستا.

۳- بررسی از چگونگی اجرای پلان های تدابیر وقایوی مبارزه علیه فساد اداری در ادارات مندرج مادهٔ هفتم این قانون و ارزیابی نتایج آن.

۴- شناسائی موارد فساد اداری و اتخاذ تدابیر لازم جهت از بین بردن علل و اسباب موجب آن.

۵- جمع آوری دلائل، مدارک و شواهد جرایم فساد اداری و شناسائی مرتکب آن به همکاری سایر مراجع قانونی.

۶- اتخاذ تدابیر لازم جهت آگاهی به مردم در امور مربوط به فساد اداری.

۷- نظارت از تطبیق و رعایت قوانین، فرامین، میثاق های بین المللی و تعهدات بین الدول در خصوص مبارزه علیه فساد اداری.

۸- ارزیابی فعالیت ها و اجراءات تدارکاتی مهم و ابراز نظر در مورد اصلاح یا توقف اجراءات در صورت موجودیت تخطی های قانونی در زمینه، به مراجع مربوط.

۹- نشر فعالیت های سالانهٔ ادارهٔ عالی مبارزه علیه فساد اداری جهت آگاهی عامه.

۱۰- مطالبهٔ اسناد و معلومات مورد ضرورت از ادارات و اشخاص ذیربط در ارتباط به موضوع تحت بررسی.

۱۱- ارائه دلائل جدید در جرایم فساد اداری که مستلزم تجدید نظر بر احکام نهائی محاکم باشد.

۱۲- برقراری مناسبات همکاری و تشریک مساعی با ادارات داخلی مربوط و ادارات مماثل منطقوی و مؤسسات بین المللی در چوکات میثاق مبارزه علیه فساد اداری از طریق وزارت امور خارجه.

۱۳- پیشنهاد تعدیل و اصلاح قوانین و ساده سازی مواردی که پیچیدگی آن باعث ایجاد فساد اداری می شود.

۱۴- انجام سایر فعالیت هایی که به

موجب احکام سائر قوانین در راستای مبارزه با فساد اداری به آن سپرده شده باشد.

۱۵- ارائه گزارش منظم در مورد اجراءات و دست آورد های ادارهٔ عالی مبارزه علیه فساد اداری به مقام ریاست جمهوری و شورای ملی.

۱۶- نظارت از ایزدیاد دارائی مامورین عالی رتبه دولتی.

بهر حال ما تأیید و تصویب این قانون را جهت کاهش و محو فساد اداری در کشور را فال نیک گرفته و در راستای تطبیق این قانون همکاری مردم و ملت امر حتمی بوده و می باشد.

گام دیگری در کاهش و محو فساد اداری:

پیشنهاد های کمیته نظارت و ارزیابی مبارزه علیه فساد اداری، در جهت کاهش تدریجی و محو فساد اداری در بخش های استراتیژیک، تکتیکی، کاری و عملیاتی که به شورای محترم وزیران جهت تصویب ارجاع گردیده بود، خوشبختانه مورد تصویب قرار گرفت که این عملکرد گام دیگریست در مورد کاهش و محو فساد اداری.

موضوع فوق در مصوبهٔ شماره (۳۷) مؤرخ ۲۸-۹-۱۳۹۰ دارالانشای شورای محترم وزیران جمهوری اسلامی افغانستان بداخل (۵) ورق همراه با (۱۰) ورق ضمایم آن غرض آگاهی معلومات مزید هموطنان به ادارات دولتی ارسال شده تا هریک با در نظر داشت استقامت کاری مربوط به سهم خویش اجراءات نمایند.



زنان و اعمال صالحه

قسمت ۱۴ و آخر:

مولوی عبدالعظیم جهیر

شرکت زنان در هجرت و جهاد:

هجرت و جهاد در راه خداوند دارای فضیلت و اجر بیش بها و ارزشمندی است قرآن کریم فرموده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾ البقرة: ۲۱۸

ترجمه: کسانی که ایمان آورده اند و کسانی که هجرت نموده اند و در راه خدا جهاد کرده اند، آنان رحمت خدا را چشم می دارند، و خداوند آمرزنده و مهربان است.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾ الأنفال: ۷۴

ترجمه: بی گمان کسانی که ایمان آورده اند و مهاجرت کرده اند و در راه خدا جهاد نموده اند، و همچنین کسانی که پناه داده اند و یاری کرده اند (هر دو گروه) آنان حقیقتاً مؤمن و با ایمان اند (و شایسته ی واژه ی مهاجر و انصارند و تار و پود جاودانه ی پرچم اسلام اند و) برای آنان آمرزش (گناهان ازسوی یزدان منان) و روزی شایسته (در بهشت جاویدان) است.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ النوبة: ۲۰

ترجمه: کسانی که ایمان آورده اند و به

مهاجرت پرداخته اند و در راه خدا با جان و مال (کوشیده اند و) جهاد نموده اند، دارای منزلت والاتر و بزرگتری در پیشگاه خدا اند، و آنان رستگاران و به مقصود رسندگان (و سعادتمندان دنیا و آخرت) می باشند.

زنان و هجرت به حبشه:

یاران پیامبر اکرم ﷺ در رجب سال پنجم بعثت، مکه را ترک گفتند، آنها ده نفر مرد و چهار تن زن و طبق روایتی پنج نفر زن بودند.

زنانی که در نخستین هجرت به حبشه رفتند عبارتند از: سهله بنت سهیل بن عمرو یکی از افراد قبیله بنی عامر بن لوی که در حبشه فرزندی بنام محمد بن ابی حذیفه به دنیا آورد. ام سلمه بنت ابی امیه مادر ابو سلمه. لیلی دختر ابی حثمه بن حذیفه بن غانم. ام گلثوم دختر سهل بن عمرو بن عبد شمس زن ابی سبره بن ابی دهم.^۱

اسماء و عایشه دختران ابوبکر صدیق ﷺ در هجرت پیامبر اکرم ﷺ و ابوبکر ﷺ نقش فعال و مؤثر داشتند.

آنان هنگام رفتن رسول خدا به خانه ای ابوبکر، از فرمان هجرت اطلاع یافتند و بلافاصله برای رسول خدا و پدرشان زاد و توشه ای سفر و غذا آماده کردند.

عایشه ﷺ می گوید: من و اسماء فوراً

برای رسول خدا و پدرمان بار و بنه (و غذا) آماده کردیم و آن را در یک کیسه ای چرمی گذاشتیم اسماء تکه ای از دامنش را جدا کرد تا دهانه کیسه را ببندد و از آنجا به (ذات النطاقین صاحب دو دامن) نامیده شد.

اسماء ﷺ در جریان هجرت نقش مسلمان فهیمی را ایفاء کرد که حقیقت و طبیعت دینش را شناخته است او اسرار دعوت را فاش نکرد و به همین خاطر متحمل اذیت و آزار فراوانی شد. خود اسماء ﷺ می گوید:

هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ و ابوبکر ﷺ از مکه بیرون شدند عده ای از قریشیان و از جمله ابوجهل بن هشام به خانه ما آمدند و در، خانه استاندند، من بیرون خانه رفتم آنان از من پرسیدند ای دختر ابوبکر پدرت کجاست؟ گفتم به خدا نمی دانم

اینک پدرم کجاست؟ ابوجهل که آدم پلید و بدی بود چنان بر صورتم نواخت که از شدت سیلی اش گوشواره ام افتاد...

اسماء ﷺ به تمام زنان مسلمان در همه ای زمان ها این درس بزرگ را آموخت که باید اسرار مسلمانان را از دشمنان پنهان بدارند. او در مقابل سرکشی تبه کاری چون ابوجهل



سال ۱۳۹۷

۲۵

استوار و پا برجا استاد و اسرار هجرت و دعوت را فاش نکرد.^۲

مشارکت زن مسلمان با مردان در هجرت به مدینه:

از مروان و مسور بن مخزومه^۱ روایت شده که گفتند زنان مؤمن مهاجر به مدینه آمدند و ام کلثوم بنت عقبه بن ابی معیط از جمله زنانی بود که در مدت متارکه صلح حدیبیه به حضور پیامبر^ص آمد و آزاده بود خانواده اش از پیامبر^ص تقاضا کردند که او را به آنان برگرداند و پیامبر^ص او را برنگرداند.^۳

زنان و جهاد:

«عن الربیع بنت معوذ قالت: کنا مع النبی^ص نسقی و نداوی الجرحی و نردالقتلی»^۴

ترجمه: از ربیع دختر معوذ روایت است که گفت: با زنان در جنگ همراه پیامبر^ص بودیم و مردم را آب می دادیم و زخمیها را درمان می کردیم و کشتگان را (به مدینه می آوردیم)

«عن خالد بن ذکوان عن الربیع بنت معوذ قالت: کنا نغزو مع النبی^ص فنسقی القوم و تخدمهم و نرد الجرحی و القتلی الی المدینه»^۵

ترجمه: از خالد بن ذکوان روایت است که ربیع بنت معوذ گفته مازنان، به همراه پیامبر^ص جهاد می کردیم مردم را آب می دادیم و ایشان را خدمت می کردیم و زخمیها و کشتگان را به مدینه باز می گردانیدیم.

«عن ابن شهاب قال ثعلبة بن ابی مالک ان عمر بن الخطاب قسم مروطاً بین نساء المدینة فبقی مرط جید فقال له بعض من عنده یا امیرالمؤمنین اعط هذا ابنة رسول الله^ص، التي عندک، یریدون ام کلثوم بنت علی فقال عمر: أم سلیط احق، وأم سلیط من نساء الانصار ممن باع رسول الله^ص قال عمر: فانها کانت تفرلنا القرب یوم احد»^۶

ترجمه: از ابن شهاب روایت است که ثعلبه بن ابی مالک گفت: عمر بن خطاب^ص جامه های دوخته

نشده را میان زنان مدینه تقسیم کرد و یک جامه نیکو باقی ماند برخی کسانی که نزد وی بودند گفتند:

ای امیرالمؤمنین آن را به دختر رسول خدا بده که همسر تو است و هدف شان ام کلثوم بن علی بود، عمر گفت: سلیط بدان سزاوار تر است و ام سلیط از زنان انصار بود که با رسول خدا^ص بیعت کرده بود، عمر گفت: وی همان زنی است که در روز احد مشک آب بر دوش می کشید.

(ام کلثوم دختر حضرت علی از بطن فاطمه، زن حضرت عمر^ص بود.)^۷

«عن انس^ص قال لما کان یوم احد انهزم الناس عن النبی^ص قال: و لقد رأیت عایشة بنت ابی بکر و ام سلیم و انهما لمشتمرتان اری خدم سوقهما تنقران القرب و قال غیره تنقلان القرب علی متونهما ثم تفرغانه فی افواه القوم ثم ترجعان فتملأنها ثم تحیشان فتفرغانها فی افواه القوم»^۸

ترجمه: انس^ص گفت آنگاه که مردم در جنگ احد شکست خوردند و از پیامبر^ص جدا افتادند انس گفت همانا من عایشه بنت ابی بکر و ام سلیم (مادر انس) را دیدم که دامن برچیده اند و خلخالهای ساق پای شان را می دیدم که مشکهای آب را به پشت خویش می کشیدند و آب بر دهان مردم می ریختند سپس برمی گشتند و مشکها را پرمی کردند و بازمی آمدند و بردهان مردم می ریختند.

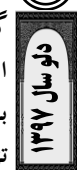
(جنگ احد قبل از وجوب حجاب و تحریم نظر به زنان رخ داده از همین روی به خلخال پا و نظرکردن در آن زمان حرام نبوده علاوه بر این که در این نظرکردن تعمدی در کار نبوده و جریان کاملاً اتفاقی بوده است.)^۹

حضرت سعید ابن ابی زید انصاری^ص می فرماید: حضرت ام سعد بنت ربیع^ص می فرمود: که من نزد حضرت ام عماره^ص رفتم و از ایشان خواستم که داستان خودش را برایم

تعریف کند ایشان فرمود: من آغاز روز در حالی که یک مشک آب را با خود همراه داشتم بیرون آمدم تا ببینم مسلمانان چه کار می کنند سر انجام خودم را به رسول اکرم^ص رساندم ایشان در وسط جمع صحابه قرار داشت و تا آن لحظه پیروزی از آن مسلمانان بود وقتی مسلمانان شکست خوردند به طرف رسول اکرم^ص روی آوردم و مستقیماً وارد صحنه شدم و به جنگ پرداختم من با شمشیر از آن حضرت^ص دفاع می کردم و در ضمن تیراندازی نیز می کردم تا اینکه زخمی شدم. حضرت ام سعد^ص می فرماید: من برشانه اش زخم بسیار عمیقی دیدم و پرسیدم این زخم را چه کسی بر تو وارد کرد؟ گفت ابن قمنه، که خداوند او را ذلیل و خوار کند! واقعه ازیبن قرار بود که وقتی مردم از کنار رسول اکرم^ص متفرق شدند، این شخص جلو آمد و گفت: محمد را به من نشان دهید اگر او نجات پیدا کند من سالم نمی مانم. من با مصعب بن عمیر^ص و افرادی که در کنار رسول اکرم^ص ثابت قدم مانده بودند با او مقابله کردیم و او را باز داشتیم در آن لحظه این ضربه را به من زد من نیز براو ضرباتی وارد ساختم اما این دشمن خدا دو زره پوشیده بود.^{۱۰}

از حضرت عماره بنت غزیه^ص روایت است که مادر ایشان یعنی ام عماره در روز احد یک اسب سوار مشرک را به قتل رساند و در روایت دیگری آمده است که حضرت عمر^ص می فرماید: رسول اکرم^ص فرمود: در روز احد من به طرف راست و چپ نگاه می کردم ام عماره را می دیدم که از من دفاع می کند.^{۱۱}

حضرت ضمیره بن سعید^ص می فرماید: چند چادر پشمی پیش حضرت عمر^ص آوردند یکی از چادرها بسیار خوب و بزرگ بود کسی گفت این چادر بسیار



گرانها است این را برای زوجه عبدالله بن عمر رضی الله عنهم بفرستید (در آن موقع حضرت عبدالله بن عمر به تازگی با حضرت صفیه بنت ابی عبید رضی الله عنهم ازدواج کرده بود) حضرت عمر رضی الله عنهما فرمود: من این چادر را برای کسی می فرستم که از زن عبدالله بن عمر خیلی سزاوار تر به این است او ام عماره نسبییه بنت کعب رضی الله عنهما است من از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد او شنیدم که فرمود: روز احد من به هر طرف که نگاه می کردم ام عماره را می دیدم که از من دفاع می کرد. ^{«۱۲»}

حضرت هشام از پدر خود نقل می کند که روز احد وقتی مسلمانان شکست خوردند صفیه آمد و بانیزه به صورت مسلمانان می زد و آنها را برمی گردانید در این لحظه رسول اکرم صلی الله علیه و آله به زیبر پسر حضرت صفیه رضی الله عنهما گفت: ای زیبر از این زن (یعنی مادرت) محافظت کن. ^{«۱۳»}

حضرت عباد رضی الله عنه می فرماید: (در غزوه خندق) صفیه بنت عبدالمطلب رضی الله عنهما در قلعه (فارغ) (قلعه حسان بن ثابت) بود حضرت صفیه رضی الله عنهما می گوید: که حضرت حسان رضی الله عنه نیز همراه زنان و بچه ها با ما بود مردی یهودی آنجا آمد و اطراف قلعه را دور زد یهودیان بنو قریظه نیز با رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ بودند و روابط خود را با رسول اکرم صلی الله علیه و آله قطع کرده بودند، در میان مایک نفر مرد از مسلمانان وجود نداشت که در مقابل یهودیان از ما دفاع کند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان در مقابل دشمن استاده بودند و نمی توانستند جبهه را خالی بگذارند و به طرف ما بیایند. ناگهان یکی به قلعه نزدیک شد من به حسان گفتم این یک یهودی است که می خواهد به قلعه نزدیک شود و همانطور که می بینی اطراف قلعه دور می زند و همه چیزها را شناسایی میکند به خدا! من می ترسم این شخص برود

و اطلاعاتی را که از وضعیت ما به دست آورده به یهودیان دیگر گزارش دهد و این در حالی است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اصحابش همه در آن طرف مشغول کار زار هستند، تو برو و این شخص را به قتل برسان. حسان جواب داد ای دختر عبدالمطلب خداوند ترا ببخشد! تو می دانی که من اهل این کار نیستم و کاری از من ساخته نیست وقتی جواب حسان را شنیدم و هیچ همتی در او نیافتم چادری به کمر خود بستم و سپس چوب خیمه را به دست گرفتم و از قلعه پایین آمدم با چوبی که در دست داشتم او را از پای در آوردم و انداختم و بعد از قتل او، به قلعه باز گشتم و به حسان گفتم برو پایین و سلب (یعنی وسایل و تجهیزات) مقتول را بگیر و بیاور. چون او مرد (نامحرم) بود من از در آوردن سلاح و لباس جنگی اش خود داری کردم. حسان گفت: ای دختر عبدالمطلب من نیازی به در آوردن لباس و سلاح او ندارم. ^{«۱۴»}

در روایت هشام بن عروه آمده است که حضرت صفیه اولین زن مسلمان بود که یک مشرک را به قتل رساند. ^{«۱۵»} حضرت مهاجر رضی الله عنه بیان می کند که حضرت اسماء بنت یزید بن سکن دختر عموی حضرت معاذ بن جبل رضی الله عنه در جنگ یرموک با چوب خیمه نه نفر رومی کافر را به قتل رساند. ^{«۱۶»}

عن انس ابن مالک رضی الله عنه قال: کان رسول الله صلی الله علیه و آله یغزو بام سلیم ونسوة من الانصار معه اذا غزا، فیسقین الماء ویداوین الجرحی] ^{«۱۷»}

ترجمه: از انس ابن مالک روایت است که گفت: هر وقت رسول خدا صلی الله علیه و آله به جهاد می رفتند زنانی از انصار و ام سلیم را نیز همراه می بردند که به لشکریان آب می دادند و زخمیان را مداوا می کردند.

[عن یزید بن هرمز ان نجدة کتب الی ابن عباس یساله عن خمس خلال فقال ابن عباس: لولا ان اکتم علما ما کتبت الیه. کتب الیه نجدة: اما بعد فاخبرنی هل کان رسول الله صلی الله علیه و آله یغزو بالنساء وهل کان

یضرب لهن بسهم؟ وهل کان یقتل الصبیان؟ ومتی ینقضی یتیم الیتیم؟ وعن الخمس لمن هو؟ فکتب الیه ابن عباس: کتبت تسألنی هل کان رسول الله صلی الله علیه و آله یغزو بالنساء؟ وقد کان یغزو بهن فیداوین الجرحی، ویخذلن عن الغنیمۃ واما بسهم فلم یضرب لهن وان رسول الله صلی الله علیه و آله لم یکن یقتل الصبیان فلا تقتل الصبیان وکتبت تسألنی متی ینقضی یتیم الیتیم؟ فلعمری ان الرجل لتنبیت لحيته وانه لضعیف الاخذ لنفسه ضعیف العطاء منها فاذا اخذ لنفسه من صالح ما یأخذ الناس فقد ذهب عنه الیتیم وکتبت تسألنی عن الخمس لمن هو؟ وانا کنا نقول: هو، لنا، فابی علینا قومنا ذاک.] ^{«۱۸»}

ترجمه: از یزید بن هرمز روایت است که گفت: نجده، نامه ای به ابن عباس رضی الله عنه نوشت و از او در مورد پنج چیز سوال کرد ابن عباس رضی الله عنه گفت: اگر علم و دانش را کتمان نمی کردم جواب نامه ای را برای وی نمی نوشتم. نجده به سوی او چنین نوشته بود اما بعد مرا خبرده: آیا رسول خدا زنان را به جهاد می برد؟ آیا برای آن زنان سهمی از غنائم اختصاص می داد؟ آیا ایشان در جنگ کودکان را به قتل می رساند؟ چه وقت حکم یتیمی (شخص) پایان می یابد؟ و خمس از آن کیست؟ ابن عباس رضی الله عنه در جواب او چنین نوشت: به من نامه نوشته ای و پرسیده ای که آیا رسول خدا زنان را به جهاد می بردند؟ آری رسول خدا چنین می کردند و آن زنان مجروحان را مداوا می کردند و عطا و بخششی از غنیمت به آنان داده

می شد اما سهمی (معین همانند سهم مجاهدین) از غنائم برای آنان تعیین ننمود، همچنین رسول خدا کودکان را در جنگ نمی کشتند و تو نیز کودکان را به قتل نرسان. در مورد یتیم از من پرسیده بودی که چه هنگام حکم یتیمی پایان می پذیرد. به جان خودم سوگند! شخص ریشش درمی آید در حالی که



صلاح خویش رانمی داند در ارتباط با آن چه می بخشد ضعیف است پس هرگاه آن چه که به صلاح وی بود توانست دریابد بدون شک حکم یتیمی او پایان می پذیرد اما در مورد خمس از من پرسیده بودی که از آن کیست؟ بدان که ما می گفتیم خمس از آن ماست اما قوم آن را از ما دریغ داشتند.

«عن انس بن مالک رضی الله عنه أن رسول الله كان يدخل على أم حرام بنت ملحان فطعمه و كانت أم حرام تحت عبادة بن الصامت فدخل عليها رسول الله يومًا فاطعمته ثم جلست تغلى رأسه فنام رسول الله ثم استيقظ و هو يضحك قالت فقلت ما يضحكك يا رسول الله؟ قال ناس من امتي عرضوا على غزاة في سبيل الله يركبون ثبج هذا البحر ملوكا على الاسرة او مثل الملوك على الاسرة (يشك ايهما قال) قالت فقلت يا رسول الله ادع الله ان يجعلني منهم فدعا لها ثم وضع رأسه فنام ثم استيقظ وهو يضحك قالت فقلت: ما يضحكك يا رسول الله؟ قال ناس من امتي عرضوا على غزاة في سبيل الله كما قال في الاولى قالت فقلت: يا رسول الله ادع الله ان يجعلني منهم قال (انت من الاولين) فركبت أم حرام بنت ملحان البحر في زمن معاوية فصرت عن دابتها حين خرجت من البحر فهلكت»^{۱۹}

ترجمه: از انس بن مالک رضی الله عنه نقل است که گفت: رسول خدا پیش ام حرام بنت ملحان می رفت و او برای رسول خدا غذا می آورد، ام حرام همسر عباده بن صامت بود. رسول خدا پیش او رفت، او برای رسول خدا غذا آورد و پس از آن به تمییز کردن موی سر رسول خدا مشغول شد (زیرا ام حرام خاله ی پدر پیامبر صلی الله علیه و آله و محرم ایشان بوده است) رسول خدا در آنجا خوابید وقتی بیدار شد می خندید، ام حرام گفت: گفتیم یا رسول الله! چرا می خندی؟ رسول خدا فرمود: مردمی از امت من ظاهر شدند که در راه خداوند می جنگیدند و در میان این دریا برکشتی سوار بودند



همانگونه که پادشاهان بر روی تخت می نشینند یا (فرمود) مانند پادشاهان بودند که بر تخت ها نشسته بودند (راوی درین شک کرده که با کدام عبارت گفته است) ام حرام گفت: گفتم یا رسول الله از خداوند صلی الله علیه و آله بخواه که مرا از جمله آنان بگرداند، رسول خدا برایش دعا کرد سپس رسول خدا سر به خواب گذاشت و بعد بیدار شد و می خندید، گفت: گفتم چرا می خندی یا رسول الله فرمود: مردمی از امت من بر من ظاهر شدند که در راه خداوند می جنگیدند چنانکه در اول گفته بود: گفتم یا رسول الله از خداوند صلی الله علیه و آله بخواه که مرا از جمله آنان بگرداند فرمود: تو از جمله ی گروه نخستین هستی. انس گفت: ام حرام در زمان معاویه بن ابوسفیان به سفر دریا رفت و (آنگاه که از دریا به ساحل آمد) از حیوان سواری خود بر زمین افتاد و فوت کرد.

مشارکت زنان در غزوه خیبر:

امیه بنت ابی صلت از زنی غفاری روایت می کند که گفت من و تعدادی دیگر از زنان طایفه غفار نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدم و گفتیم: ای پیامبر اکرم! ما می خواهیم در این غزوه (خیبر) برای مداوای زخمیان و کمک به مسلمانان همراه شما بیائیم؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به امید خدا (حرکت کنید) و با فتح خیبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ما نیز از مال غنیمت چیزهای بخشید و اشاره به گردنبنده خود کرد و گفت این را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دستان خود به گردنم انداخت و من آن را تا زنده ام از گردنم بیرون نخواهم آورد. می گویند آن گردنبنده تا هنگام مرگ برگردن او بود و وصیت نمود که آن را با او دفن نمایند. این امر نمونه ای است برای زنان مسلمانی که در صدد اند تا از پاداش مجاهدان راه خدا برخوردار شوند.^{۲۰}

شجاعت ام سلیم در غزوه حنین:

«عن انس ان ام سلیم اتخذت يوم حنين خنجرا

فكان معها فرأها ابوطلحة فقال يا رسول الله هذه ام سلیم معها خنجر فقال لها رسول الله ما هذا الخنجر؟ قالت: اتخذته ان دنا مني احد من المشركين بقرت به بطنه فجعل رسول الله يضحك قالت يا رسول الله اقتل من بعدنا من الطلقاء انهز موايك فقال رسول الله يا ام سلیم ان الله قد كفى واحسن»^{۲۱}

ترجمه: از انس ابن مالک رضی الله عنه روایت است که گفت ام سلیم در روز حنین خنجری را به دست گرفت و همراه خود داشت ابوطلحه آن را دید و گفت یا رسول الله! ام سلیم همراه خود خنجری حمل میکند رسول خدا به او امر فرمود: ای ام سلیم! این خنجر برای چیست؟ ام سلیم گفت آن را به دست گرفته ام تا اگر مشرکی به من نزدیک شد با آن شکمش را پاره کنم. رسول خدا خندید، او گفت یا رسول الله! کسانی را که بعد از ما (در روز فتح) مسلمان شدند و موسوم به طلقاء هستند به قتل برسان، زیرا آنان با تحمل شکست در مقابل کفار مثل این که شکست شان به توهم رسیده و از میدان جنگ فرار کردند (منظور این است که منافق هستند) رسول خدا فرمود: ای ام سلیم! خداوند (برای ما در برابر کفار) کفایت کرد و (شرآنان را از ما دفع کرد) و به صورت نیکو ما را برآنان پیروز گردانید.

«فقها می گویند مشارکت در جهاد واجب کفایی است و کسانی که دارای معذرتی هستند و همچنین بر زنانی که وجود شان در منزل ضروری باشد واجب نیست اما در صورتی که شوهراشان به آنان اجازه شرکت در جهاد را بدهند می توانند به همراه شوهرا یا دیگر محارم در صورت امکان در جهاد شرکت نمایند و هر دو از اجر مجاهدین در راه خداوند بهره مند خواهند گردید. همچنین فقها گفته اند آنچه بیان شد مربوط شرایطی است که دشمن، ممالک

اسلامی را مورد تهاجم قرار نداده باشد اما اگر آنان سر زمینهای اسلامی را مورد حمله قرارداد داده باشند بر همه مسلمانان واجب است که برای مقابله با آنها اسلحه به دست بگیرند و زنان نیازی به اجازه شوهر ندارند و فرزندان بدون اجازه والدین و خدمتگار بدون رضایت صاحب خانه می توانند در آن جهاد دفاعی مشارکت نمایند.»^{۲۲}

﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾
التوبة: ۴۱

ترجمه: (ای مؤمنان! هرگاه منادی جهاد، شما را به جهاد ندا داد فوراً) به سوی جهاد حرکت کنید، سبک بار یا سنگین بار (جوان یا پیر، مجرّد یا متأهل، کم عائله یا پر عائله، غنی یا فقیر، فارغ البال یا گرفتار، مسلّح به اسلحه ی سبک یا سنگین، پیاده یا سواره و ... در هر صورت و در هر حال) و با مال و جان در راه خدا جهاد و بیکار کنید. اگر دانا باشید می دانید که این به نفع خود شما است. ﴿فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمِلٍ مِنْكُم مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنِّي بِبَعْضِكُمْ مُّزِيلٌ﴾
بَعْضٌ فَأَلْزَمَ الْكِبَارَ وَالْأَصْغَارَ دَعَا بِنِجْمٍ وَأَوْدُوا فِي سَبِيلِي وَقَتَلُوا وَكُتِلُوا لَا كُفْرَانَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا ذُنُوبَهُمْ جَنَّتْ بَجَرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الْكُوَابِ
آل عمران: ۱۹۵

ترجمه: پس پروردگارشان دعای ایشان را پذیرفت و پاسخشان داد که من عمل هیچ کسی از شما را که به کار پرداخته باشد، خواه مرد باشد یا زن ضائع نخواهم کرد. پاره ای از شما از پاره ی دیگر هستید (و همگی همنوع و همجنس می باشید) آنان که هجرت کردند، و از خانه های خود رانده شدند، و در راه من اذیت و آزارشان رسانند، و جنگیدند و کشته شدند، هر آئینه گناهانشان را می بخشم و به بهشتشان درمی آورم. بهشتی که رود خانه ها در زیر (درختان) آن روان است. این

پاداشی از سوی خدا (ایشان را) است، و پاداش نیکو تنها نزد خدا است. آیه کریمه ضمناً زنان را به مشارکت در دعوت اسلامی و آنچه که از هجرت و جهاد به دنبال خود دارد تشویق و ترغیب می نماید (همه از همدیگر) یعنی: مردان شما در طاعت حق تعالی مانند زنان شما هستند و زنان شما مانند مردان شما، مردان از زنان به وجود آمده اند و زنان از مردان و هر دو از یک اصل منشعب گردیده اند زیرا هر دو جنس، از نسل آدم و حوا بوده و هر دو جنس مکلف می باشند.»^{۲۳}

کتاب آئین زندگی در باب جهاد زنان چنین نوشته است:

«عرصه جهاد گسترده ترین عرصه ای است که اسلام مشارکت زنان و همکاریشان را با مردان مقرر می دارد، همچنان که می دانیم یکی از بارزترین و سخت ترین عرصه های زندگی به شمار می آید، اسلام از همان ایامی که مسلمانان به میادین جنگ و جهاد گام نهادند بر مشارکت در این زمینه مهر تأیید نهاده است.

اما در عین حال تفاوت نظامها و تحول شرایط و اوضاع و احوال در جهان معاصر مراعات این موضوع را الزامی و ضروری می نماید که در جهت محافظت از حرمت و کرامت زنانی که قصد مشارکت در جهاد را دارند همه احتیاطها و امکانات لازم برای ایشان فراهم شود تا از شر و بد خواهی و طمع ورزی آدمهای بیمار دل که هیچ ارتشی خالی از آنها نیست در امان باشند. این اقدام و تهیه برنامه و امکانات لازم برای آن مسؤولان نظام و سیاستمدارانی که در مقابل حریم ها و حرمت ها دارای غیرت هستند و احساس مسؤولیت می کنند و به این مسئله ایمان و یقین کامل دارند که رمز همه پیروزیها در پاکی و پرهیزگاری نهفته است، چندان مشکل نیست.»^{۲۴}

مآخذ:

- الگوی هدایت، تحلیل وقایع زندگی پیامبر اکرم جلد اول، صفحه ۴۵۵ - ۴۵۶ تألیف علی محمد صلابی، مترجم هیئت علمی انتشارات حریم، ناشر: انتشارات احمد سال چاپ ۱۳۹۲ مطبوعه صنعتی احمد کابل.
- ۲- اقتباس از سلسله خلفاء راشدین، جلد اول، بررسی و تجزیه و تحلیل زندگانی خلیفه اول، ابوبکر صدیق صفحه ۸۹ تألیف دکتر علی صلابی، ترجمه ابراهیم کیانی طبع اول سال ۱۳۸۸ هـ - ش برابر با ۱۴۳۱ هـ - ق.
- ۳- زن در اسلام و شبهاتی پیرامون آن، صفحه ۷۹ مؤلف مصطفی عبدالحی، مترجم، محمود ابراهیمی تهران احسان ۱۳۹۴.
- ۴- صحیح البخاری، حدیث شماره ۲۸۸۲ کتاب الجهاد والسير سبب مداواة الناس الجرحی فی الغزو.
- ۵- صحیح البخاری، حدیث شماره ۲۸۸۳ کتاب الجهاد والسير باب رد النساء الجرحی والقتلی (الی المدینه).
- ۶- صحیح البخاری، حدیث شماره - ۲۸۸۱ کتاب الجهاد باب حمل النساء القرب الی الناس فی الغزو.
- ۷- پانوشت صحیح البخاری امام ابو محمد بن اسماعیل بخاری با ترجمه فارسی مترجم عبدالعلی نوراحراری جلد سوم صفحه ۳۸۶.
- ۸- صحیح البخاری حدیث شماره ۲۸۸۰ کتاب الجهاد والسير باب غزوة النساء و قتالهن مع الرجال.
- ۹- پاورقی صفحه ۳۲۴ جلد سوم ترجمه فارسی صحیح المسلم، مؤلف امام ابو الحسن مسلم بن الحجاج القشیری، مترجم خالد ایوبی نیا.
- ۱۰- برگرفته از حیاة الصحابة، زندگانی اصحاب پیامبر، جلد اول صفحه ۷۱ تألیف علامه محمد یوسف کاندهلوی، ترجمه صلاح الدین شهنوازی ونصیر احمد سید زاده، چاپ اول.
- ۱۱- همان، صفحه ۷۱.
- ۱۲- همان، صفحه ۷۱.
- ۱۳- همان، صفحه ۷۱۵.
- ۱۴- همان، صفحه ۷۱۶.
- ۱۵- همان، صفحه ۷۱۶.
- ۱۶- همان، صفحه ۷۱۷.
- ۱۷- صحیح المسلم حدیث شماره - ۱۸۱۰ کتاب الجهاد باب غزوة النساء مع الرجال.
- ۱۸- صحیح المسلم حدیث شماره - ۱۸۱۲ کتاب الجهاد والسير، باب النساء الغازیات یرضخ لهن ولایسهن والنهی عن قتل صبیان اهل الحرب.
- ۱۹- صحیح المسلم، حدیث شماره - ۱۹۱۲ کتاب الامارة، باب: فضل الغزو فی البحر.
- ۲۰- الگوی هدایت، تحلیل وقایع زندگی پیامبر صفحه ۵۳۳ - ۵۳۴.
- ۲۱- صحیح المسلم حدیث شماره ۱۸۰۹ کتاب جهاد باب غزوة النساء مع الرجال.
- ۲۲- اسلام آئین زندگی، صفحه ۳۴۴ مؤلف شیخ محمد شلتوت، مترجم عبدالعزیز سلیمی، ناشر، نشر احسان، نوبت چاپ، سال ۱۳۸۲.
- ۲۳- تفسیر انوار القرآن جلد اول صفحه ۵۳۳ ترتیب و ترجمه، عبدالرؤف مخلص چاپ دوم سال ۱۳۸۳ ناشر: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.



تأثیرات نماز در شخصیت انسان

مجله‌ی عنایت (الله شرفی)

تأثیر نماز بر ثبات شخصیت

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَكُنْتَ أَفْذًا مِّنَّا وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ البقرة: ۲۵۰

پروردگارا! صبر و شکیبایی را بر ما فرو ریز و قدم‌های ما را ثابت و پایدار بنما "شخصیت" در تعریف روان‌شناسی و روان‌پزشکی، معرف مجموعه‌ای از صفات، رفتارها، افکار و تمایلات عاطفی و هیجانی هر فرد می‌باشد که او را از دیگران متمایز می‌کند. دانش امروز، عوامل شکل‌دهنده شخصیت انسان را در دو گروه درونی و بیرونی طبقه‌بندی می‌نماید. صرف نظر از عوامل درونی و جسمی تأثیرگذار بر روی شخصیت (از جمله مسائل ژنتیکی، وضعیت فیزیکی و ظاهری بدن، مسائل هورمونی و شیمیایی و ...)، عوامل بیرونی (محیطی) نقش عمده‌ای را در شکل‌دادن به شخصیت انسان ایفا می‌کنند. این عوامل بیرونی شامل موارد زیر است:

۱- تأثیر والدین و خانواده

۲- عوامل فرهنگی - اجتماعی

۳- تجارب زندگی^(۱)

تأثیر هر کدام از این عوامل بر شخصیت انسان توسط مطالعات متعدد پژوهشی به اثبات رسیده است.^(۲)

با توجه به نقش این عوامل بر روی شکل‌گیری شخصیت، می‌توان رسیدن به ثبات شخصیت و برخورداری از آرامش و پایداری شخصیتی را یکی از ایده‌آل‌ترین،

خواسته‌های بشری دانست، چرا که وجود ناهنجاری در هر کدام از عوامل شکل‌دهنده‌ی شخصیت می‌تواند اثرات فاجعه‌آمیزی مثلاً به صورت اختلالات پیچیده و متعدد شخصیتی بار آورد که از جمله این اختلالات به سه نمونه (پارانوئید، اسکیزوئید و نارسیستیک) در نکات پیشین این مجموعه مقالات و تأثیر نماز در رفع آن‌ها، اشاره شده است.

اما "بی‌ثباتی شخصیت" یا "پسیکوپاتی" که گاهی در ممالک غربی، از اصطلاح آن برای برچسب زدن به مخالفان سیاسی و مذهبی نیز استفاده می‌شود^(۳)، دلالت بر یک نوع شایع از اختلال شخصیت دارد که مبتلایان به آن از تغییرات دائمی حالات و رفتارها و افکار رنج می‌برند، به نحوی که هر لحظه به رنگی در می‌آیند و نغمه جدیدی ساز می‌کنند!

این بیماران بدون آن که با عنوان بیمار شناخته شوند، به وفور در جامعه حضور دارند و کسانی هستند که از کمترین درجه سازگاری و انطباق در خانه، مدرسه، محل کار یا حتی در امر ازدواج برخوردارند؛ به عنوان مثال به تغییر مکرر شغل می‌پردازند یا گروه و جناح سیاسی خود را پیوسته تغییر می‌دهند.

مبتلایان به این اختلال در جوامع با عناوینی دم‌دمی مزاج و ... معرفی می‌شوند، در واقع از بیماری "بی‌ثباتی عمومی شخصیت" رنج می‌برند.

با این که موارد درمانی متعددی در کتب روان‌پزشکی برای درمان این بیماران گفته

می‌شود (از جمله اینکه در دواي تدای گروهی از این افراد که دچار اختلال ریتم مغزی هستند، از دواهای محرک دستگاه عصبی استفاده می‌گردد) اما از دیدگاه ما، "نماز" باز هم می‌تواند ایفاگر نقش بسیار مهمی در پیش‌گیری و درمان این اختلال عمیق شخصیت باشد.

پذیرفتن مطلق و تسلیم در مقابل "یک دین" و پیروی از "یک مذهب" و پیمودن "یک راه" که همانا صراط مستقیم است، ویژگی مهم و برجسته نمازگزاران است. نمازگزار ضمن تکرار مکرر "یک مجموعه" از الفاظ و اذکار واحد در طی نمازهای روزانه خود، پیوسته "یک عقیده واحد" و "یک خط مشی مشخص" را در زندگی خود دنبال می‌کند و به این ترتیب گویی "یک شخصیت ثابت" و "یک روش و منش معین" و "یک ایدیولوژی همیشگی" را برای خود انتخاب می‌نماید و در حین تکرار جزء به جزء اصول اساسی ایدیولوژی خود در نماز (که همگی آن اصول در مضامین نماز متجلی است)، یک دانشمند آمریکایی در تحقیقی به تأثیرات شگفت‌انگیز نماز بر بدن انسان پی برد. «رامشاندرن» در تحقیقی که در مورد وضعیت بدن انسان هنگام نماز خواندن، با مجموعه‌ای از پژوهشگران آمریکایی انجام داد، به فعالیت بیشتر مغز انسان و آرامش روحی هنگام نماز آگاه شد. در این تحقیق علمی، مشخص شدن این وضعیت پس از ۵۰ ثانیه



از آغاز نماز آشکار می‌شود. در این تحقیق آمده است: میانگین ضربان قلب و احتمال لخته شدن خون به صورت مشترک در حین نماز بین ۲۰ الی ۳۰ درصد کاهش می‌یابد و همچنین پوست بدن مقاومت بیشتری پیدا می‌کند.

همچنین در عکس‌هایی که از مغز در هنگام نماز گرفته شده است، فعالیت مغز نمازگزار به صورت قابل توجهی در مقایسه با حالت‌های عادی افزایش پیدا می‌کند و نورون‌های عصبی به صورت نورانی در اشعه‌های دریافتی از مغز به نمایش در می‌آید.

روزنامه "واشنگتن پست" در این رابطه نوشت: این تحقیقات علمی اسرار نهان مغز انسان را روشن می‌کند. روزنامه "ساینس" نیز در شماره گذشته خود با تقدیر از اینگونه تحقیقات بر رابطه قطعی دین و علم تاکید کرد.

بدین ترتیب برای آن گروه که نماز را تکرار مکررات می‌دانند، شاید توجه به همین یک نکته کافی باشد که در وراي همین تکرار همیشگی، موهبت بزرگ ثبات شخصیت و تعادل کامل روانی نهفته است که می‌توان آن را به نوعی سرمنشا تمام موفقیت‌های بشری در عالم ماده و معنا دانست.

معجزه علمی در نماز شب:

در کتاب "نسخه‌های خانگی تجربه شده و اسرار شفای طبیعی" نوشته گروهی از نویسندگان آمریکایی که در سال ۱۹۹۳ م به چاپ رسیده، آمده است: برخاستن از بستر در شب و انجام حرکات ساده در منزل و برخی تمرینات سبک ورزشی و شستن دست‌ها و پاها و مالش دادن آنها با آب و تنفس عمیق برای سلامتی بسیار مفید است.

با اندکی تأمل در این توصیه‌ها درمی‌یابیم که همه این حرکات در وضو و نماز شب تجلی می‌یابد.

جالب اینکه نبی اکرم اسلام پیش از همه این تحقیقات در اشاره‌ای معجزه گونه به نماز شب می‌فرماید: "نماز شب را بر پا دارید که صالحان پیش از شما به آن

می‌پرداختند، تقرب به باری تعالی و دوری از گناه و کفره بدی‌ها و دور ساختن درد از جسم در آن نهفته است".

امام احمد در مسند خود و ترمذی و بیهقی و حاکم در مستدرک آن را آورده و ابن عساکر از ابی درداء آن را روایت کرده و البانی نیز در صحیح جامع در حدیث شماره ۴۰۷۹ به آن اشاره کرده است.

درباره نحوه رفع درد از جسم توسط نماز شب ثابت گردیده است که: نماز شب ترشح هورمون "کورتیزول" را (که کورتیزون طبیعی بدن است) کاهش می‌دهد به ویژه که نماز شب چند ساعت پیش از بیدار شدن برای وقت سحر (یک سوم آخر شب) اقامه می‌شود که این امر از افزایش ناگهانی قند خون که برای بیماران مبتلا به این عارضه خطرناک است و نیز از افزایش ناگهانی فشار خون جلوگیری می‌کند و مانع سکنه مغزی و بیماری‌های مزمن قلبی در بیماران می‌شود که به آن دچار هستند.

نماز شب از خطر انجماد خون در رگ‌های شبکه چشم که به سبب کندی جریان خون در خلال خواب صورت می‌گیرد و نیز افزایش فشار خون به سبب استفاده کم از مایعات یا کمبود شدید آن در بدن جلوگیری می‌کند. علاوه بر آن از بیماری‌های مشابه ناشی از چاقی مفرط و تنگی نفس که مانع از بازگشت خون از سر از طریق سیاهرگ می‌شود، می‌کاهد.

نماز شب برای بیماران که به انواع التهاب مفاصل همچون روماتیسم و غیره دچار هستند به خاطر حرکات سبک و مالش دادن با آب به هنگام وضو مفید است و بیماری آنان را بهبود می‌بخشد.

نماز درمان کارآمدی برای بیماری "عدم تحرک طولانی مدت" است، زیرا بدن در حین اقامه نماز شب، به حرکت واداشته می‌شود و تحرک ساده و ملایم آن هم به صورت منظم از روش‌های اصلی درمان این بیماری به شمار می‌آید.

نماز شب بدن را از شر تجمع گلسترول‌های سه‌گانه (موسوم به چربی‌های بد) می‌رهاند. این نوع گلسترول پس از صرف غذای پر چرب در وعده غذایی شبانه، انباشته

می‌شود که در نتیجه آن خطر ابتلا به بیماری‌های انسداد شرایین قلب در این بیماران در مقایسه با دیگران ۳۲ درصد بیشتر است.

نماز شب از مرگ‌های ناگهانی به دلایل مختلف به ویژه ناشی از سکنه قلبی و مغزی می‌کاهد.

نماز شب همچنین خطر مرگ ناگهانی به دلیل افزایش ضربان قلب را کاهش می‌دهد که تنفس هوای پاک خالی از آلودگی‌های روزمره به ویژه دود وسایط نقلیه و عوامل حساسیت‌زا را هم به همراه دارد.

از آنجا که در نماز شب تلاوت قرآن و تدبر و تأمل در آن زیاد است این امر ذهن را فعال می‌سازد و بر توان آن در انجام فعالیت‌های مختلف می‌افزاید. تکرار اورداد و اذکار به ویژه اذکاری که صبح و شب بر زبان جاری می‌شود، از ابتلا به بیماری آلزایمر و ضعیف شدن ذهن در دوران پیری و ناامیدی و دیگر بیماری‌ها جلوگیری می‌کند.

نماز شب به دلایل ناشناخته‌ای مانع از بروز بیماری موسوم به زنگ گوش می‌شود یا از شدت آن می‌کاهد.

خداوند بهترین حفظ‌کننده و ارحم الراحمین است.

بار پروردگارا، ای ارحم الراحمین! لطف و مرحمت خود را شامل حال ما گردان و ما را عاقبت به خیر کن.

منابع:

۱. عون المعبود بشرح سنن ابی داود/ شمس الحق آبادی.
۲. تحفه الأحوذی بشرح جامع الترمذی/ الحافظ المبارکفوری.
۳. سبل السلام بشرح بلوغ المرام/ العلامة الصناعی.
۴. نیل الأوطار/ للشوکانی.
۵. فتح الباری بشرح صحیح البخاری/ ابن حجر العسقلانی.
۶. تیسیر العلام شرح عمدة الأحکام/ عبدالله آل بسام.
۷. المنهاج بشرح صحیح مسلم/ الإمام النووی.
۸. المغنی و الشرح الکبیر/ ابن قدامة المقدسی.
۹. الإستذکار/ ابن عبدالبر القرطبی
۱۰. سلسلة الأحادیث الصحیحة/ شیخ الألبانی



معرفی مختصر شاه ولی الله دهلوی رحمته الله

استاد فرید الله ازهری

تدریس در مدرسه رحیمیه را بعهدہ گرفت و دوازده سال تمام درین منصب باقی ماند. درین فرصت بود کہ زمینہ مطالعہ برایش میسر گردیدہ و با شوق و اشتیاق بہ مطالعہ آثار متقدمین در فقہ و اصول پرداخت کہ سبب وسعت دیدگاه و نضح فہم و درک ایشان گردیدہ و منہج علمی کہ باید در آیندہ آنرا در پیش گیرد برایش روشن گردید. چنانچہ ایشان میفرمایند: «بعد از کسب اطلاع بر کتب فقہی مذاہب چهارگانہ و اصول فقہ و شروح احادیثی کہ بہ آن استدلال کردہ اند، قلبم با مساعدت نور غیبی مطمئن گردید کہ منہج فقہاء و محدثین قابل اعتماد میباشد» بہ این معنی کہ با خود فیصلہ نمودند کہ در آیندہ در عملیہ تجدید و اصلاح راہ فقہاء و محدثین را در پیش خواہد گرفت نہ راہ اہل فلاسفہ و منطقیان را.

ایشان در اواخر سال ۱۱۴۳ ہجری غرض ادای فریضہ حج عازم سرزمین حجاز گردید و بعد از ادای حج بہ زیارت مدینہ منورہ مشرف گردیدہ و تصمیم گرفت کہ بہ شاگردی علمای مدینہ نشستہ و حدیث نبوی را از ایشان بیاموزد. همان بود کہ بہ حلقہ درس

میلادی در اواخر سلطنت اورنگزیب پادشاہ مغولی در قریہ «بہلت» شہر مظفر نگر ہند در خانوادہ معروف بہ علم و فضل و تقوا تولد شد. پدر ایشان شیخ عبدالرحیم از علمای معروف عصر خود بود. ایشان در مراجعہ و باز نویسی فتاوی معروف فقہ حنفی کہ بہ «فتاوی ہندی» معروف است و تحت اشراف اورنگزیب انجام یافت، سہم فعال داشتند.

شیخ شاہ ولی الله بہ مدرسہ رحیمیہ کہ تحت سرپرستی پدرش قرار داشت علوم ابتدایی را آموخت و در سن ہفت سالگی حفظ قرآن را تکمیل نمود و در پانزدہ سالگی علوم متداول را آموخت و بہ فراگیری زبان عربی و فارسی پرداخت و در مدت کمی درین دو زبان مہارت کامل حاصل نمود. ایشان در ایام جوانی بہ تصوف روی آورد و برای اولین بار با پدرش کہ شیخ طریقہ نقشبندیہ بود بیعت کرد و بہ این ترتیب بسوی عبادت و اطاعت روی آورده و محبت دنیا را از قلب خود دور کرد.

امام شاہ ولی الله ۱۷ سال داشت کہ پدرش در سال ۱۱۳۱ ہجری وفات کرد و امام جانشین پدر گردیدہ و منصب

الحمد لله الذي قال في كتابه:

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ المجادلة: ۱۱، والصلاة والسلام على الذي دعى لرواة الأحاديث و أساتذتهم بقوله: (نضر الله امرءاً سمع منا حديثاً فبلغه كما سمعه فرب مبلغ أوعى من سامع). (صحيح ابن حبان، حديث: ۶۶، ۶۹). والسلام على محمد و علي آله و أصحابه أجمعين. و بعد!

تولد امام شاه ولی الله دهلوی:

شاه ولی الله کہ نامش أحمد بن عبد الرحیم، أبو عبد العزیز یا أبو عبد الله، لقبش شاه ولی الله، از دہلی ہند بود، کہ عالم فقیہ، اصولی، حنفی، محدث و مفسر بود. کہ صاحب فہرس الفہارس در موردش گفتہ اند: ((أحيا الله به وبأولاده و أولاد بنته وتلاميذهم الحديث والسنة بالهند، وعلى كتيبه وأسانيده المدار في تلك الديار)). خداوند عزوجل بہ آن، اولادش، اولاد دخترش و شاگردان آنها حدیث و سنت را در ہند زندہ ساخت، و کتابہا و اسانیدش در آنجا بین مردم مروج نمود.

شاه ولی الله احمد بن عبدالرحيم بن وجيه الدين شهيد در ۱۴ شوال سال ۱۱۱۴ ہجری مطابق ۲ مارچ ۱۷۰۳



شیخ ابو طاهر مدنی پیوست و کتابها مشهور حدیث را از ایشان فرا گرفت و اجازه تدریس حدیث را از ایشان حاصل نمود. بعد از آن دوباره به مکه برگشت و به شاگردی شیخ وفد الله مالکی نشست و از ایشان نیز اجازه درس حدیث را کسب نمودند.

علاوه بر اینها، نزد علمای مشهور حرمین مانند شیخ تاج الدین قلعی، شیخ حسن العجمی، شیخ سلیم بن عبدالله بن سالم البصری، شیخ احمد بن علی الشناوی و سایرین شاگردی نموده و در فن حدیث یکی از بارزترین چهره های عصر خود گردید.

ایشان در رجب سال ۱۱۴۵ دوباره به هند برگشت و تا آخر عمر به تدریس و تصنیف مصروف شد.

اولاد ایشان:

امام دوبار ازدواج نمود که حاصل آن دو دختر و چهار پسر بود که پسران ایشان نیز از علمای مشهور هند بشمار میروند. ۱- شاه عبدالعزیز بزرگترین اولاد ایشان بوده و تحت تربیت مستقیم پدر قرار گرفت و بعد از درگذشت امام، قیادت دینی و اجتماعی مسلمانان هند را بعهده گرفت و به «سراج الهند» ملقب گردید. از وی تصانیف زیادی به جا ماند که مشهورترین آن «التفسیر العزیزی» و «الفتاوی العزیزیه» میباشد.

۲- شاه رفیع الدین فرزند دوم ایشان بود. دروس ابتدایی را از پدر فراگرفت و بعداً نزد برادر بزرگ خود به شاگردی نشست و قرآن کریم را حفظ نمود. مشهورترین تصنیف او ترجمه قرآن کریم به زبان اردو میباشد.

۳- شاه عبدالقادر فرزند سوم ایشان در علم و فضل و تقوا سرآمد روزگار بود و مهمترین تصنیف ایشان ترجمه تفسیر قرآن کریم است که بنام «موضع

القرآن» به زبان دری نوشته اند.

۴ - شاه عبدالغنی خوردترین فرزند امام است. ایشان گرچه در مجال علمی از شهرت زیادی برخوردار نشدند، اما فرزند ایشان شاه اسماعیل شهید یکی از پیشতازان اصلاح و حرکت جهادی در هند بشمار میروند.

شاه ولی الله کار تجدیدی و اصلاحی بزرگ را در هند به راه انداختند. اهمیت و وسعت کار ایشان را زمانی بهتر درک کرده میتوانیم که احوال سیاسی، اجتماعی و دینی مسلمانان هند را به دقت بدانیم. شرح این حالات درین مختصر نمی گنجد اما میتوان کار تجدیدی امام را در بخشهای ذیل خلاصه نمود:

الف: اصلاح فکری و اجتماعی:

امام در حالی کارش را آغاز کرد که حالت هند روز تا روز بدتر میشد. حکام مسلمین غرق در فساد و تن پروری گردیده و ضعیف تر میشدند و نفوذ انگلیسیها بیشتر میشد. بدعات و خرافات از هر سو موج میزد.

در چنین اوضاع و احوال با بلندکردن کلمه حق حرکتش را آغاز کرد. ایشان در ابتداء

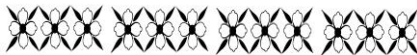
تاریخ اسلام را به نقد گرفته و علت اساس ضعف مسلمانان را در دو نکته خلاص کرد:

۱ - انتقال سلطه سیاسی مسلمانان از خلافت راشده به ملکیت موروثی و در کتاب «ازالة الخفاء عن خلافة الخلفاء» درین مورد به تفصیل صحبت نمود.

۲ - استیلاء جمود فکری بر عقول و از بین رفتن روح اجتهاد. و این موضوع را در کتابهای «ازالة الخفاء» و «حجة الله البالغة» و «البدور البازغة» و «التفهيمات» مورد بحث قرار داد.

امام اوضاع اجتماعی و علمی عصر

مهمترین کاری که امام انجام داد، رونق تدریس و تربیت رجال علم و فکر بود. ایشان بعد از سفر حجاز با ذخیره بزرگ علمی در قرآن و حدیث برگشت و تدریس قرآن و حدیث را شخصاً بعهده گرفت و سایر فنون را به کسانی سپرد که قبلاً تربیت شده بودند. در سلسله همین تدریس بود که کتاب مشهورش «فتح الرحمن بترجمة القرآن» را نوشت.



خود را به شدت مورد نقد قرار داده و انحرافات موجود در هر بخش را به صورت مشخص بیان نمود. علماء را بخاطر فرو رفتن در اختلافات فقهی و کلامی و تعصب مذموم شان نقد نمود. در مورد تصوف و انحرافات آنها سخن گفت و مردم را بسوی تصوف مسنون مبتنی بر قرآن و سنت فرا خواند و بعد تلاشهای زیاد توانست تصوف را از شواییبی که از فلسفه های غیر اسلامی وارد آن شده بود پاک نموده و تصوف را بر اساس سنت نبوی و عمل صحابه و تابعین ترتیب نمود.



ایشان با جمود فکری و تقلید خشک به مقابله پرداخته و تأکید نمودند که باب اجتهاد باز بوده و علماء باید مسؤولیت خود را درین باب اداء نمایند و این موضوع را در کتابهای «عقد الجید فی احکام الاجتهاد و التقليد» و «الانصاف فی اسباب الاختلاف بین



الفقهاء و المحدثين» شرح نمودند.

احیاء علوم قرآن و حدیث یکی از بارزترین کارهای ایشان است که بخصوص بعد از برگشت از سرزمین حجاز توجه جدی درین بخش نمودند. مدرسه فکری امام روح جهاد انقلاب را نیز زنده ساخت و شاگردان ایشان به قیادت شاه عبدالعزیز مقاومت قوی را در برابر نفوذ انگلیسی براه انداخت و فتوای مشهور شانرا مبنی بر فرضیت جهاد صادر نمود و از تمام مسلمانان هند خواست که برای ادای جهاد آماده شوند. این ندای شاه عبدالعزیز از سوی مردم استقبال گردیده و حرکتهای جهادی از هرطرف قیام نمودند و در مقابل انگلیسها و سیکهای هند که در همکاری با انگلیسها قرار داشتند معرکه های خیلی شدیدی را براه انداختند. و از جمله قیادت های مشهور جهادی در آن عصر میتوان از شاه اسماعیل شهید و احمد عرفان شهید نام برد.

ب: تدریس:

مهمترین کاری که امام انجام داد، رونق تدریس و تربیت رجال علم و فکر بود. ایشان بعد از سفر حجاز با ذخیره بزرگ علمی در قرآن و حدیث برگشت و تدریس قرآن و حدیث را شخصاً بعهدہ گرفت و سایر فنون را به کسانی سپرد که قبلاً تربیت شده بودند. در سلسله همین تدریس بود که کتاب مشهورش «فتح الرحمن بترجمه القرآن» را نوشت.

علت اصلی اهتمام ایشان به تدریس قرآن و سنت این بود که اکثر علمای هند در آن عصر به علوم عقلی، فلسفه و سایر فنون توجه داشته و قرآن و سنت را فراموش کرده بودند. و همین تلاشهای امام بود که درس قرآن

و حدیث در سراسر شبه قاره هند دو باره احیاء گردید.

شاگردانی که در مدرسه امام شاه ولی الله تربیت شدند، در نهضت علمی و اصلاحی هند نقش بارزی داشتند. که بر علاوه از فرزندان امام میتوان از شخصیت های مشهوری مانند شیخ معین الدین سندی مؤلف کتاب «دراسات اللیب فی أسوة الحبيب»، شیخ امین کشمیری، شیخ مرتضی زبیدی مؤلف کتاب «تاج العروس شرح القاموس» و شیخ ثناء الله پانی پتی صاحب تفسیر مظہری نام برد.

ج: تألیفات شاه ولی الله:

امام شاه ولی الله آثار و کتابهای متنوع در علوم مختلف از خود باقی گذاشت که تعداد آن به ۵۰ کتاب و رساله میرسد.

از جمله میتوان از کتابهای ذیل نام برد:

۱- الفوز الکبیر فی أصول التفسیر در علوم القرآن و تفسیر به زبان فارسی نوشته بود که بعد از وفاتش به زبان عربی و اردو ترجمه گردید.

۲- ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی بنام: فتح الرحمن فی ترجمه القرآن.

۳- المسوی شرح الموطأ شرح مختصری است که بر موطأ امام مالک نوشته است.

۴- شرح تراجم ابواب البخاری.

۵- حجة البالغة فی اسرار الحدیث و حکم الشریعة» این کتاب از مهمترین آثار شیخ است که به زبان عربی نوشته شده است و از بهترین کتابهایی است که در شرح فلسفه دین نوشته شده و ضمن آن تصور کاملی از نظام تمدنی اسلام تقدیم نموده اند.

۶- «البدور البازغة» موضوع این کتاب نیز مانند کتاب سابق است این کتاب به زبان اردو نوشته شده است.

۷- «إلطاف القدس» به زبان فارسی نوشته و فلسفه تصوف را شرح نموده است.

۸- الإنصاف فی أسباب الإختلاف» این کتاب با وجود حجم کم آن از بهترین کتابهایی است که درین موضوع نوشته شده است.

۹- «عقد الجید فی أحكام الإجتہاد و التقلید» درین کتاب از حکم اجتہاد، شروط مجتهد، انواع اجتہاد و سایر موضوع مربوط به آن و حکم تقلید از مذاهب چهارگانه و تقلید عالم از عالم دیگری صحبت کرده است.

۱۰- «إزالة الخفاء عن خلافة الخلفاء» درین کتاب و سایر کتابهایی که در سیرت صحابه نوشته اند.

۱۱- «سرور المحزون» خلاصه از سیرت رسول الله صلی الله علیه و سلم را به زبان دری نوشته اند.

۱۲- تأویل الأحادیث فی رموز قصص الأنبياء.

۱۳- فتح الخیر بما لابد من حفظه فی علم التفسیر» این کتاب درحقیقت تکملة «الفوز الکبیر» میباشد.

و بالآخره امام شاه ولی الله در ۲۶ محرم سال ۱۱۷۶ و به رأی بعضی ۱۱۷۹ هجری وفات نمود.

منابع و مصادر:

- ۱- الأعلام للزکلی.
 - ۲- و هدية العارفين.
 - ۳- معجم المؤلفين.
 - ۴- معجم المطبوعات العربية.
 - ۵- اجد العلوم.
 - ۶- و فهرس الفهارس.
 - ۷- إيضاح المكنون.
 - ۸- اكتفاء القنوع.
 - ۹- البائع الجنی.
 - ۱۰- ملاحق تراجم الفقهاء الموسوعة الفقهية.
- و صلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و علی آله و اصحابه أجمعین



اهمیت صلح و جایگاه مصلحان در اسلام

قسمت دوم و آخر:

استاد زین العابدین کوشان

به راستی که عفو گذشت از انتقام، در گفتار و کردار، کاریست نهاییست مشکل؛ اما صبر بر آزار و اذیت، چشم پوشی، بخشش و جبران آن بانیکی و معروف، به مراتب دشوارتر است، که هر که را خداوند متعال بخواهد برایش آسان می گرداند و او را در تحقق این امر، نصرت و یاری میدهد و بعد از چشیدن حلاوت و شیرینی گذشت و بخشش، تبعات و پیامد های دلپذیر آنرا بر قلب و سلوک خویش مشاهده خواهد نمود، و آنرا مورد پسند و گوارا خواهد یافت. خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَا تَعْقِبْهُمْ فَعَقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُمْ خَيْرٌ لِّلصَّابِرِينَ وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُفْ فِي صَبْرٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ﴾ [التحل: ۱۲۶ - ۱۲۸]

"و هرگاه خواستید مجازات کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید! و اگر شکیبایی کنید، این کار برای شکیبایان بهتر است. صبرکن، و صبر تو فقط برای خدا و به توفیق خدا باشد، و بخاطر (کارهای) آنها، اندوهگین و دل سرد مشو، و از توطئه های آنها، در تنگنا قرار مگیر. خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده اند و کسانی که نیکو کار اند."

مفسرین کرام در شأن نزول این آیه

شریفه می نویسند: «وقتی رسول الله شهادت کا کای خود حضرت حمزه بن عبد المطلب ﷺ را در جنگ احد مشاهده نمود که مشرکین باقساوت تام، قلب او را پاره پاره نموده و بیرون کشیده اند، فرمود: «لئن أظفرنّي الله بهم لأمثلن بسبعين منهم» "اگر من بر آنها چیره شوم، هفتاد نفر آنها را مثله خواهم کرد" آیه شریفه شرف نزول یافت. (صفوة آتفا سیر / ج ۲ ص ۱۴۹)

ابوهریره ﷺ روایت می کند که رسول الله فرمود: «من نفس عن مؤمن كربة من كرب الدنيا نفس الله عنه كربة من كرب يوم القيامة، و من يسر على معسر يسر الله عليه في الدنيا والآخرة، و من ستر مسلماً ستره الله في الدنيا والآخرة» (صحیح مسلم / حدیث ۲۶۹۹)

"هرکس از مؤمنی، اندوهی از اندوه های دنیا را برطرف کند، خداوند مشکلی از مشکلات روز قیامت را از او برطرف می کند. هرکس بر فرد تنگدستی آسان گیرد، خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان می گیرد. کسی که (عیب) مسلمانی را بپوشاند، خداوند در دنیا و آخرت عیب های او را می پوشاند" در حدیث دیگری که ابو موسی اشعری ﷺ روایت می نماید آمده است که رسول الله فرمودند: «المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً» (بخاری، حدیث ۲۴۴۶ مسلم ۲۵۸۵)

"مؤمن به نسبت برادر مؤمن خود

همانند ساختمانی است که ستونهای آن در همدیگر فرو رفته و ثابت و محکم ایستاده اند" اصلاح و برقراری صلح در میان مسلمانان از فضیلت و جایگاه بلند و رفیعی برخوردار بوده تا آنجا که رسول الله می فرماید: «ما عمل ابن آدم شيئاً أفضل من الصلاة و إصلاح ذات الین و خلق حسن» (الاحادیث المرفوعة من التاريخ الكبير للبخاری، شماره ۶۲)

"آدمیزادکاری بهتر از نماز و آشتی میان کسان و نیکخویی انجام نمیدهد" همچنان ام درداء از ابو درداء و ایشان از فرستاده خدا روایت می نمایند که فرمود: «ألا أخبركم بأفضل من درجة الصوم والصلاة والصدقة، قالوا: بلى، قال: إصلاح ذات الین، و فساد ذات الین الحالقة» (سنن ابی داؤد / ج ۴ ص ۲۸۰ شماره ۴۹۱۹)

"آیا شما را به چیزی با فضیلت تر از نماز و روزه و صدقه آگاه کنم؟ مردم گفتند: آری! رسول الله فرمودند: آن چیز اصلاح میان مردم است؛ زیرا تیره شدن رابطه ها در میان مردم ریشه کن کننده دین است"

چیزمهم و اساسی که در برقراری صلح و امنیت نقش اساسی و بارز داشته و می تواند در جلب رضایت افراد درگیر و متخاصم کمک نماید، خصایص شخصیتی مصلحان و آنانیکه در



پروسه صلح و تأمین امنیت در کشور سر و کار دارند و می خواهند کشور عزیزمان از جنگ های خانمان سوز فعلی نجات داده شود، می باشد، که باید تلاش و عمل شان خالصانه و برای کسب رضای خداوند ﷺ بوده و اجر و پاداش آنرا فقط و فقط از او تعالی بخواهند، زیرا خداوند لا یزال می فرماید:

﴿وَمَنْ يَعْلَمْ ذَلِكَ أَبْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ النساء: ۱۱۴

"و هر کس برای خوشنودی پروردگار چنین کند، پاداش بزرگی به او خواهیم داد"

مفسیرین کرام می نویسند: «هرگاه بخاطر کسب رضامندی خداوند ﷺ و طلب ثواب از او تعالی، عمل انجام پذیرد، اجر و پاداش زیاد و وسیعی را در پی خواهد داشت»

(مختصر تفسیر ابن کثیر / ج ۱ ص ۴۳۷)

نباید، مصلحان و آنانی که بخاطر برقراری صلح در کشور تلاش می نمایند، در پی بدست آوردن مقام و منزلت باشند و یا انتظار داشته باشند که از جانب کسی و یا مرجعی تقدیر و تمجید شوند، اگر اطراف متخاصم و درگیر به این باور برسند که این تلاش ها، به راستی هم، بخاطر تأمین صلح و فقط برای خوشنودی و رضامندی خداوند ﷺ صورت می گیرد، بدون تردید، مورد پذیرش همگان و اطراف جنگ قرار خواهد گرفت. پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْبَلُ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ خَالِصًا، وَابْتَغَى بِهِ وَجْهَهُ»

(سنن النسائی / شماره ۴۳۳۳)

"خداوند ﷻ، فقط اعمالی را می پذیرد که خالص برای او و بخاطر او تعالی انجام گیرد"

درضمن کسانی که در جهت برقراری صلح و سلم می کوشند، باید افراد آگاه به علوم شریعت باشند، زیرا یکی از فلسفه های این دین مبین اقامه عدل و انصاف و جلوگیری از ظلم و ستم

می باشد، از اینرو لازم پنداشته می شود تا از دین و شریعت آگاهی کامل داشته باشند، در غیر آن در معرض این تهدید رسول الله قرار خواهند گرفت، آنجا که می فرماید: «القضاة ثلاثة، إثنان في النار و واحد في الجنة، رجل علم الحق ففُضِيَ به فهو في الجنة، و رجل قضى الناس على جهل فهو في النار، و رجل جار في الحكم فهو في النار» (سنن ابن ماجه / ج ۲ ص ۷۷۶ شماره ۲۳۱۵)

"قاضیان سه طائفه اند، که دو طائفه آن در آتش اند و یک طائفه آن در بهشت؛ قاضی که حق و حقیقت را می شناسد و به آن حکم می کند، جایگاه در بهشت است، و قاضی که جاهلانه در میان مردم قضاوت می نماید، در آتش است و، قاضی که در حکمش ستم می کند او نیز در آتش است"

مصلحان در کنار علم و آگاهی باید از عدالت هم برخوردار باشند، زیرا عدل صفت خداوند ﷻ بوده و آنرا بر خود و بندگانش مقرر نموده است، چنانچه می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَيْهِنَّ وَأِذَا حُكِمَ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ...﴾ النساء: ۵۸

"خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید" مفسرین در تفسیر آیه شریفه فوق می نویسند: «روشن است که امانت معنی وسیعی دارد و هرگونه سرمایه مادی و معنوی را شامل می شود، و هر مسلمانی طبق صریح این آیه وظیفه دارد در هیچ امانتی نسبت به هیچ کس (بدون استثناء) خیانت نکند، خواه صاحب امانت، مسلمان باشد یا غیرمسلمان، و این در واقع یکی از مواد اعلامیه حقوق بشر در اسلام است که تمام انسانها در برابر آن یکسان اند. در قسمت دوم آیه، اشاره به دستور مهم دیگری شده و آن مسأله عدالت در حکومت و قضاوت است» (تفسیر نمونه / ج ۳ ص ۵۴۹)

عدالت یکی از الگوهای اساسی است که اسلام به تثبیت و استقرار آن در میان

انسانها فرمان داده و مردم را به عدالت طلبی تشویق و ترغیب نموده است، زیرا اسلام بر کرامت انسانی و احقاق حقوق بشر اصرار دارد و مردمان را بدان تحریض می نماید، زیرا جامعه بدون تمسک به ابرار عدالت و انصاف، قادر به اعاده حقوق نخواهد بود، چون در سایه عدالت است که صلح و امنیت، آرامش و زندگی مسالمت آمیز، متحقق می گردد.

در جهان معاصر که خشونت و نا امنی، حیات جوامع بشری را تهدید می کند، فراخواندن ملت ها و اقوام مختلف جامعه به صلح و آشتی، و رفع کدورتها و خصومتها بخصوص برای کشور عزیزمان افغانستان، یک امر مبرم و ضروری حیاتی است، زیرا از لحاظ تاریخی، دینی، سیاسی و اقتصادی، اسباب همبستگی ملی و تحکیم پایه های وحدت و انسجام بسط مهر و محبت در جامعه می گردد.

صلح و زندگی باهمی از جمله اعمال پسندیده است که خداوند متعال در آیات متعدد و رسول الله در احادیث شریف بر آن مصرانه تأکید داشته است، زیرا اسلام در تضاد با جنگ، ظلم و ستم قرار داشته و عدالت و صلح را خیر و نیکی میداند.

همانگونه که اسلام، عدالت را در همه جوانب، اعم از حکومت، جامعه، داوری، رعایت حقوق و تکالیف لازمی، می داند صلح و همدیگر پذیری را نیز در سطوح مختلف، منجمله اعضای خانواده، جامعه و روابط میان کشورها و ملتها، یک امر مبرم و ضروری دانسته است، مفاهیمی همچو عفو و گذشت، زمینه را برای برقراری صلح و به تعقیب آن اقامه عدالت همه جانبه آماده و هموار می سازد. سیره و سنت فرستاده خدا صحابه و خلفای راشدین ﷺ در مواجهه با مخالفان و دشمنان خود،



بهترین الگو برای نسل های بعدی بوده است و تاریخ هم به اثبات رسانیده است، که در جامعه که صلح و همدیگر پذیری و زندگی مسالمت آمیز برقرار نباشد، عدالت هم نمی تواند فراگیر باشد؛ زیرا نگاه های تعصب آلود و متعفن و کینه توزانه، مانع اجرای عدالت و انصاف در میان شهروندان می گردد.

هرقضیه که از مسیر و جاده عدالت خارج گردد، به ستم و استبداد می انجامد، و این چیز است که در دایره اسلام نمی گنجد.

جریان های که در پی برقراری صلح و امنیت هستند، باید عدالت و انصاف را در بین اطراف درگیر، از یاد نبرند، زیرا خداوند متعال در جای دیگری روی این امر این چنین تأکید ورزیده می فرماید: ﴿فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (الحجرات: ۹)
 "و هرگاه باز گشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشه گان را دوست می دارد"

بصورت قطع هدف از صلح و سازش نایل شدن به عدالت بوده، و فرستاده خدا به برقراری صلح علاقمندی زیادی داشتند، چنانچه می فرمایند: «کل يوم تطلع فيه الشمس يعدل بين الناس صدقة» (بخاری/ حدیث ۲۷۰۷ صحیح مسلم حدیث ۱۰۰۹)

"هر روزی که آفتاب در آن طلوع می کند، چنانچه بین مردم عدالت برقرار کنی؛ صدقه است"

در برقراری صلح قدرت تشخیص افرادی که برای برقراری آن می کوشند نیز مهم دانسته می شود، که در فقدان آن اجرای عدالت، ممکن و میسر نخواهد بود.

پس مصلحان باید، حکیم، دانا و حلیم باشند و هنگامی که برای ایشان مسائل مورد اختلاف، عرضه می شوند، با بصیرت، دقت نظر و تیزهوشی میان آرای مردم بتواند توافق ایجاد کند، برعکس افراد جاهل، نادان بی فراست،

هیچگاهی برای تأمین صلح و امنیت مفید و مؤثر نخواهد بود، بلکه اسباب تنفر و انزجار اطراف متخاصم را فراهم خواهد کرد، خداوند متعال مسلمانان را در تصمیم گیری ها و قضاوت های شان به تدبیر و تأمل فراخوانده می فرماید: ﴿كَتَبْنَا إِلَيْكَ مِيزَانًا لِنَبْرِأَ إِلَيْهِ وَلِيَذْكُرُوا الْأَلْثِمَ﴾ (ص: ۲۹)

"(ای محمد این قرآن) کتاب پر خیر و برکتی است و آنرا برای تو فرو فرستاده ایم تا در باره آیه هایش بیندیشند و خردمندان پند گیرند"

مفسرین در رابطه به آیه فوق می نویسند: «هدف از نزول این کتاب بزرگ این نبوده که تنها به تلاوت زبان آن قناعت کنند، بلکه هدف این بوده که آیاتش سرچشمه فکر و اندیشه، و مایه بیداری وجدانها گردد، و آن نیز به نوبه خود، حرکتی در مسیر عمل بیافریند. تعبیر آیه مبارک چنانکه میدانیم، به معنی چیزی است که دارای خیر مستمر و مداوم باشد، و این تعبیر، در مورد قرآن اشاره به دوام استفاده جامعه انسانی از تعلیمات آن است، و چون این کلمه، به صورت مطلق به کار رفته، هرگونه خیر و سعادت دنیا و آخرت را شامل می شود، خلاصه هر خیر و برکتی بخواهید در آن است، به شرط اینکه: در آن تدبر کنید و از آن الهام بگیرید و به حرکت در آئید.» (تفسیر نمونه/ ج ۱۹ ص ۲۸۷)

پس باید با الهام از آیات نجات بخش قرآن کریم و ارشادات رسول مکرم اسلام ﷺ، افراد خیر خواه و مصلح برای خاتمه دادن به دشمنی ها، خصومت ها و درگیری ها در کشور پیشگام شوند تا اقوام و افراد باهم برادر در کشور به انسجام، وحدت و یک پارچگی دست پیدا کنند و از اختلاف و نزاع های ذات البینی نجات پیدا کنند، خداوند متعال می فرماید:

﴿وَلَا تَنَزَعُوا فَنَفْسُكُمُ الْوَدَّعَ بِرَحْمَةٍ﴾ (الأنفال: ۴۶)
 "و نزاع (و کشمکش) نکنید تا سست نشوید و قدرت (و شوکت و هیبت) شما از میان نرود و استقامت نمائید که

خداوند با استقامت کنندگان است" رسول الله نسبت به همه در برقراری صلح و امنیت در جامعه آئروز اسلامی کوشا بودند و برای پایان دادن به دشمنی و درگیری میان یاران خویش سبقت می نمودند.

پس باید برای اعاده حیثیت و جایگاه کشور در کنار سایر جوامع انسانی لازم است تا در جهت استقرار صلح و امنیت همه از جان و دل تلاش نماییم و حس همدیگر پذیری و تحمل را در خود تقویت نماییم.

ولی از آنجا که جامعه افغانی ما متشکل از اقوام و پیروان مذاهب مختلف با طیف های متنوع فکری، سلیق گوناگون و آداب و رسوم متنوع است؛ بدون بهره گیری از عدالت، تسامح، تساهل و همزیستی مسالمت آمیز، کشور قادر بر برداشتن گام های محکم و استوار در مسیر توسعه و پیشرفت نخواهد بود.

از اینرو صلح و همدیگر پذیری، برای ایجاد فضای تفاهم و تقریب میان احزاب، گروه ها، جریان ها و تشکل های مختلف، بازگشت هموطنان مان از خارج از کشور و برقراری عدالت میان اقوام و همه شهروندان ضرورتی مبرم و حیاتی محسوب می شود.

فهرست مراجع:

۱- قرآن کریم.

۲- تفسیر نمونه.

۳- تیسیر الکریم الرحمن.

۴- فی ظلال القرآن.

۵- صحیح البخاری.

۶- صحیح مسلم.

۷- المؤطاء امام مالک.

۸- سنن الترمذی.

۹- صفوة التفاسیر.

۱۰- الاحادیث المرفوعة من التاريخ الكبير للبخاری.

۱۱- سنن ابی داؤد.

۱۲- مختصر تفسیر ابن کثیر.

۱۳- سنن النسائی.

۱۴- سنن ابن ماجه.



نیاز جامعه به قانون اساسی

مولوی غلام محمد جویا

الحمد لله الكبير المتعال والصلوة والسلام على سيدنا محمد النبي المتبع في الاقوال والافعال والاحوال وعلى سائر الانبياء واله و صحبه التابعين له في كل حال.

و باید گفت: انسان موجود دو بعدی است و زندگی انسان در دو بعد (فردی و اجتماعی) تنظیم می شود. در بعد فردی نیازهای فردی او، آرزو ها، امیال، افکار، باور ها، آرمان های حقوقی و آرمان های فردی او نهفته است.

و در بعد اجتماعی روابط و مناسبات انسان ها با یکدیگر مطرح میشوند.

از این که این روابط مختلف، متنوع و رنگارنگ است به حساب نوع روابط های گروه های مختلف اجتماعی ظهور میکند.

به طور مثال: از رابطه فرد با اعضای فامیلش، قبیله، قوم و ملت، گروه های مختلف فامیلی، قبیله ای، قومی و ملی ایجاد می شود. از رابطه وی با بازار و انصاف؛ گروه های صنفی و اقتصادی پدید می آید، به همین ترتیب گروه های فرهنگی، هنری و صنعتی، کارگری، کشاورزی، تجار تی، علمی و سیاسی در

عرصه های ملی و بین المللی به وجود می آید.

این گروه ها نهاد هایی را در جامعه به وجود می آورند اما ایجاب مینماید که همه این نهادهای کوچک و متنوع در بطن یک نهاد بزرگتر به نام «دولت» هضم شوند. و در سایه چتر «حکومت» رشد یافته، نظم و سامان پیدا نموده و به حرکت و فعالیت خود ادامه دهند. بنابر این «دولت» در واقع تجلی بعد اجتماعی زندگی انسان و بستر حرکت های گروهی و جمعی او و حکومت هم سامان دهنده آن است اگر این نهاد کلان یعنی «دولت» وجود نداشته باشد زندگی اجتماعی انسانها فلج و دوچار هرج و مرج شده و از هم میپاشد. در رابطه به دولت و حکومت دو مسئله قابل تامل است:

۱- به مرور زمان همراه با انکشاف زندگی و پیچیده تر شدن روابط و مناسبات اجتماعی دولت و دستگاه های اقتدار حکومتی نیز گسترده تر و پیچیده تر میشوند. پس باید راه سنجیده شود تا این اقتدار را تعریف کند، حدود ثغور آنرا مشخص کند، راه های بهتر مدیریت جامعه را نشان دهد، وظایف دستگاه های دولتی و نوع روابط

بین آنها را تبیین و تضمین کند. ۲- حکومت به جهت ماهیت قدرت گرایانی خود به طور طبیعی تمایل به فساد دارد. این فساد غالباً در قالب تجاوز بر حریم فرد و حقوق فردی او تبارز می یابد، به عبارت دیگر حکومت تجلی بعد اجتماعی، زندگی انسان است. با بعد فردی وی تصادم و تعارض پیدا مینماید و درگیر و دار این تعارض و منازعه، به طور طبیعی طرف ضعیف تر و ناتوان تر یعنی بعد فردی توسط طرف قویتر یعنی بعد اجتماعی که سمبول و نماینده مقتدر آن حکومت است نابود و مضمحل میشود.

این اضمحلال موجب تباهی و نابودی خود انسان نیز می گردد. زیرا از نظر فلسفی نابود شدن اجزا و ابعاض نابود شدن مرکب را موجب میشود.

باتوجه به دو مشکل یاد شده، این ضرورت احساس شد که برای حل اساسی این مشکلات باید قواعد و اصولی تنظیم شود تا:

۱- راه های بهتر با اشکال مناسبتر و ساختار سودمند تر حکومت را بنماید؛ ۲- روابط فی مابین دستگاه ها و قوای حکومتی را تنظیم کند؛ ۳- صلاحیت ها، وظایف و تکالیف



اصولی دولت را نشان دهد؛

۴- حقوق و آزادی های عمومی افراد را به طور دقیق تبیین کند؛

۵- عدالت را تامین و از تجاوز حکومت و یا اشخاص بر حریم حقوق مقرراتی که به منظور تامین اهداف فوق وضع می گردد همان چیزی است که امروز به نام قانون اساسی یاد می شود، بنابر این سه اصل (اجماع، حکومت و قانون) در واقع سه عنصری است که ریشه در هویت و شخصیت انسان دارد و هر سه عنصر مکمل همدیگر اند و هیچ کدام بدون یک دیگر نمی تواند زندگی انسان را سامان بدهد و سعادت او را تامین کند.

تعریف قانون اساسی:

قانون اساسی در تاریخ کشورها و ملت ها اهمیت خاصی دارد زیرا. قانون اساسی مجموعه اصول و قواعدی است که شکل حکومت، سازمان ها و نهاد های سیاسی دولت، روابط و وظایف و صلاحیت های آنها و همچنین حقوق اساسی و آزادی های عمومی افراد را که دولت مکلف به احترام و رعایت آنها است مشخص میسازد و به همین جهت است که در زبان ما این قانون به صفت «اساسی» متصف شده است چون اساسی ترین مسائل جامعه یعنی «دولت تشکیلات و صلاحیت های آن» و اساسی ترین مسائل آن یعنی «حقوق بشر و آزادی های فردی» و روابط آن با حکومت را تعریف و تبیین میکند.

از طرف دیگر در سلسله مراتب قوانین داخلی کشورها از قانون اساسی به عنوان «قانون مادر» یا «ام القوانين» یاد میشود زیرا اسناد تقنینی از نظر

سلسله مراتب به ترتیب ذیل درجه بندی میشود.

انواع قوانین:

در درجه اول قانون اساسی

در درجه دوم قوانین عادی

در درجه سوم مقرره ها، اساس نامه ها و مصوبات حکومت

در درجه چهارم طرز العمل و لوایح داخلی ادارات.

در میان مجموعه فوق قانون اساسی در رتبه نخست قرار دارد چون ساختار اصلی و اصول اساسی و بنیادین سیستم سیاسی و نظامی حقوقی کشور در قانون اساسی مشخص میگردد و تمام اسناد تقنینی دیگر باید در چهار چوب قانون اساسی و مطابق با مفاد و روحیه و نصوص آن وضع شوند و اگر کمترین مخالفت یا تعارض به احکام آن داشته باشد از اعتبار حقوقی ساقط و ملغی تلقی می شوند.

نهضت قانون اساسی در دنیا مخصوصاً در غرب، سابقه بیشتری دارد اما در کشور ما در سال ۱۳۰۱ هجری خورشیدی در دوره زمامداری امیر امان الله خان آغاز، تدوین و تصویب قانون اساسی، تاسیس نظام سیاسی مبتنی بر قانون اساسی شمرده می شود. از آن زمان تاکنون ما قوانین اساسی متعددی داشته ایم که در دوره ها و رژیم های مختلف وضع و تصویب شده اند.

تاریخچه مختصر قانون اساسی:

نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان: این نظامنامه در ۷۳ ماده نخست در ۱۰ حوت ۱۳۰۱ هجری شمسی در لوی جرگه سمت مشرقی با عضویت ۸۷۲ نفر و سپس در ماه سرطان ۱۳۰۳ هجری شمسی در لوی جرگه پغمان مرکب از ۱۰۵۲ نفر به تصویب رسید.

اصول اساسی دولت علیه افغانستان: این

اصول اساسی در دوره زمامداری نادر خان به تاریخ ۸ عقرب ۱۳۱۰ شمسی مطابق به ۱۹ جماد الثانی ۱۳۵۰ قمری در ۱۱۰ ماده به تصویب رسید.

قانون اساسی سال ۱۳۴۳: این قانون در دوره جمهوری داود خان در ۱۳ فصل و ۱۳۶ ماده به تاریخ ۲۵ دلو ۱۳۵۵ از طرف لوی جرگه تصویب و در ۵ حوت ۱۳۵۵ از طرف ریس جمهور توشیح گردید.

اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان: این اصول اساسی در ۲۵ حمل ۱۳۵۹ شمسی توسط «شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان» در زمان ببرک کارمل در ۶۸ ماده طور موقت تصویب و تطبیق شد.

قانون اساسی ۱۳۶۶: این قانون اساسی در دوره ریاست جمهوری داکتر نجیب به تاریخ ۸ قوس ۱۳۶۶ در ۱۳ فصل و ۱۳۹ ماده از طرف لوی جرگه تصویب و به تاریخ ۹/۹/۱۳۶۶ از طرف ریس جمهور توشیح گردید.

قانون اساسی ۱۳۶۹: این قانون در واقع قانون اساسی تعدیل شده دوره نجیب الله است که به تاریخ ۸/۳/۱۳۶۹ شمسی توسط لوی جرگه تصویب گردید و اساس آنرا قانون اساسی ۱۳۶۶ تشکیل میدهد.

قانون اساسی ۱۳۸۲: این قانون بعد از فروپاشی رژیم طالبان و در زمان دولت انتقالی اسلامی افغانستان توسط کمیسیون های تسوید و تدقیق تهیه شد و در لوی جرگه مورخ ۲۲ قوس الی ۱۴ جدی سال ۱۳۸۲ در ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده به تصویب رسید و در ۶ دلو ۱۳۸۲ از طرف حامد کرزی ریس جمهور



انتقالی اسلامی افغانستان توشیح گردید.

تاریخچه مختصر فوق نشان میدهد که ۸ قانون اساسی یاد شده تاریخ سیاسی یک قرن اخیر افغانستان را در بر می گیرد تاریخ که رژیم های مختلف از «سلطنت مطلقه» تا «سلطنت مشروطه» و از «جمهوریت» تا «جمهوری دموکراتیک» و تا «جمهوری اسلامی» را تجربه کرده است.

بنابر این مجموعه قوانین اساسی ذکر شده در مطالعات تاریخی سیاسی و حقوقی یک قرن اخیر یکی از منابع اصلی شمرده میشود.

بناءً: عناوین مهم کتاب قانون اساسی از اولین نظام نامه در دوره امیر امان الله خان مصوب سال ۱۳۰۱ تا قانون اساسی مصوب سال ۱۳۸۲ تاریخ آنرا در بر دارد قرار ذیل است.

نظام نامه اساسی دولت علیه افغانستان (در دوره حکومت داری امان الله خان ۱۰ حوت ۱۳۰۱ شمسی).

اصول اساسی دولت علیه افغانستان (در دوره حکومت داری محمد نادر شاه ۸ عقرب ۱۳۱۰ شمی).

قانون اساسی افغانستان (در دوره حکومت داری ظاهر شاه ۹ میزان ۱۳۴۳).

قانون اساسی جمهوری افغانستان (در دوره حکومت داری داود خان ۵ حوت ۱۳۵۵).

اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان (در دوره حکومت داری ببرک کارمل ۲۵ حمل ۱۳۵۹).

قانون اساسی جمهوری افغانستان (در دوره حکومت داری نجیب ۹ قوس ۱۳۶۶).

قانون اساسی جمهوری افغانستان (در دوره حکومت

داری نجیب ۸ جوزای ۱۳۶۹).

قانون اساسی جمهوری افغانستان (در دوره حکومت داری ریاست جمهوری حامد کرزی ۶ دلو ۱۳۸۲ شمسی).

قانون اساسی به مثابه مهم ترین وثیقه ملی طوریکه همه میدانیم قانون اساسی منجیث عالی ترین وثیقه ملی و عبارت از مجموعه قواعد حقوقی حاکم بر جامعه بوده که از شکل و ساختار (قوای اجرائیه، مقننه و قضائیه) دولت، طرز العمل، ایجاد و وظایف صلاحیت ها و مکلفیت های قوای ثلاثه و استقرار روابط بین آنها چگونگی ایجاد سازمان های سیاسی و اجتماعی و سهم آنها در سیستم سیاسی کشورتامین حقوق و آزادی های اساسی اتباع و سایر موضوعات مهم و حیاتی بحث می کند.

قانون اساسی از نظر امنیت و اعتبار در راس سلسله مراتب قواعد حقوقی هر جامعه قرار دارد بدین سبب «ام القوانین» نامیده می شود. برتری منطقی قانون اساسی نسبت به دیگر مقررات در این است که سایر قوانین باید در چهارچوب اصول قانون اساسی وضع شود و از حدود آن تجاوز نکند ویژه گی دیگر قانون اساسی در این است که از عقاید و ارزش های حاکم بر جامعه الهام گرفته و نیاز جامعه بوده و شامل یک سلسله قواعد کلی و بنیادی میباشد و به امور جزئی نمی پردازد.

گرچه قوانین اساسی در افغانستان سابقه طولانی ندارد طوریکه اولین قانون اساسی افغانستان از حصول استقلال کشور در زمان امان الله خان به تصویب رسید قبل از تصویب اولین قانون اساسی همه مسائل مهم و کشوری توسط لوی جرگه ها حلو فصل

می شد، قانون اساسی فعلی افغانستان در سال ۱۳۸۲ طی ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده توسط لوی جرگه مردم افغانستان عرض وجود کرد این قانون در شرایطی که کشور چند دهه جنگ و خشونت را پشت سر گذاشت و جنگ های ذات البینی و مداخلات آشکار حلقات جنگ افروز منطقه و تروریزم بین المللی کشور را به ویرانه مبدل نموده بود تصویب گردید.

اکنون کشور عزیز ما افغانستان هنوز هم مورد حملات وحشیانه و غیره انسانی دشمنان قرار دارد وظیفه همه شهروندان کشور است تا مطابق حکم قانون اساسی در دفاع از سرزمین شان دوشا دوش نیروهای امنیتی کشور در جهت سرکوبی مهاجمان را ایفا نموده وظیفه ملی و میهنی شان را در برابر مادر وطن انجام دهند از نگاه ما بحران موجود در کشور یا از طریق خارج مرز های کشور مدیریت میشود و استمرار میابد و یا از طریق رفتار های فرا قانونی گروه ها و افراد در داخل کشور. در این صورت است که میتوان با ایجاد اجماع ملی با محوریت قانون اساسی به سراغ مبارزه مشترک با عوامل خارجی بحران کشور و دشمنان مردم افغانستان شتافت به امید آن روزی که قانون اساسی به عنوان میثاق ملی تمام مردم افغانستان به عنوان خط قرمز و نقطه وفاق ملی مورد احترام تمام شهروندان کشور قرار گیرد و در تطبیق و حاکمیت قانون در سراسر کشور همه افغانان خود را مسئول بدانند.

و من الله التوفیق



په اسلام کې د سولي ارزښت

لمړۍ برخه:

محمديوسف "صديقي"

دې خبرې ته به دومره اړتيا نه وي زه په خپلو الفاظو کې د سولي پر اهميت ټينگار وکړم، بلکې زموږ ټولو مسلمانانو د باور او قناعت لپاره دا خبره بس ده چې الله ﷻ په خپل سپېڅلي کتاب کې په څرګنده الفاظو فرمايلي دي:

﴿وَالصُّلْحُ خَيْرٌ﴾^(النساء: ۶۸)

ژباړه: سوله ډېره ګټوره ده.

دلته الله تعالی سولي ته د کوم قيد پرته د خیر توري کارولي دي. د هجري قمري شپږمې پېړۍ مشهور مفسر ابن عطیة ^(رحمة الله علیه) فرمایلي دي: و قوله تعالى وَالصُّلْحُ خَيْرٌ لفظ عام مطلق يقتضى أن الصلح الحقيقي الذي تسكن إليه النفوس ويزول به الخلاف خير على الإطلاق.

(تفسير ابن عطية = المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز: ۲ / ۱۲۰)

ژباړه: سوله ډېره ګټوره ده، دا توري د الله تعالی په وينا کې د کوم قيد پرته عام بيان شوي دي. دا خبره ثابتوي چې رېښتینې سوله مطلقاً خیر او ګټوره ده چې زړونه ورته ډاډمن کېږي او شخړه پرې ختمېږي.

سوله قرآن کریم په ډېرو مواردو کې ياده کړې ده او په هېڅ مورد کې یې بده نه ده بللې، که هغه د وړوګي کورنۍ د غرو تر منځ وي، که د مسلمانو ډلو تر منځ وي او حتی که د مسلمان هیواد او غیر مسلمانو هیوادونو تر منځ وي. په دغه ځایونو کې یې د جګړې او شخړو څخه کرکه او د سولي ښېګڼه بیان کړې او د هر مورد شرایط او د سولي د ټینګښت لارې چارې یې هم يادې کړې دي چې تفصیل یې په راتلونکي ډول دی:

۱- سوله د کورنۍ د غړو/خاوند او مېرمنې، تر منځ: دا ډول سوله کورنۍ سوله هم نومېدلای شي؛ ځکه په یوه کور کې دننه ده. په دې اړه قرآن کریم فرمایلي:

﴿وَلِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾^(النساء: ۳۵)

ترجمه: که د خاوند او مېرمنې تر منځ د مخالفت څخه وېرېدلې نو یو فیصله کوونکی د سړي د کورنۍ څخه مقرر کړئ او بل فیصله کوونکی د ښځې د کورنۍ څخه مقرر کړئ، که دوی اصلاح وغواړي الله به د دوی تر منځ د جوري توفیق راولي، بېشکه الله پوره پوه خبردار دی.

دغه آیت شریف هم د کورنۍ تر منځ سولیز ژوند ته اړتیا او ډېر اهمیت ښیي او هم د سولي د رامنځ ته کولو او ساتلو لارې چارې په ګوته کوي. د یوې وړوګې انساني کورنۍ لپاره یې هم د سولي خلاف ژوند کول شقاق یعنې د انساني ودانۍ تر منځ وړاندوونکی درځ بللی چې که یې ترمیم او اصلاح ونه شي ودانۍ وړانوي. د ترمیم او روغې جوړې لاره یې هم ورته ښوولې ده، هغه دا چې د سیمې او کلي مشران، مخور او واکمن خلک یې په دې امر کړي او مکلفیت یې ورباندې ایښي دی چې د سولي، روغې جوړې درامنځ ته کولو لپاره په ګډه لاس په کار شي، د نارنډه او ښځینه دواړو کورنیو څخه د روغې جوړې او سولیز ژوند جوړولو په چارو پوه کسان وټاکي؛ ترڅو هغوی ته د سولیز ژوند لارې چارې وښيي.

۲- سوله د مسلمانو ډلو تر منځ:

په دې اړه قرآن کریم فرمایلي:

﴿وَلِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتُلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَغَنِيْلُوا الَّتِي بَغَتْ حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^(الحجرات: ۹-۱۰)

ترجمه: که د مؤمنانو دوی ډلې سره وجنګېږي، نو په منځ کې یې سوله وکړئ، که د دوی یوه ډله پر بلې

تېری کوي، نو د هغې ډلې پر ضد چې تېری کوي، تاسو جګړه وکړئ تر هغه وخته چې د الله حکم ته غاړه کېږدي، که یې د الله حکم ته رجوع وکړه، نو تر منځ یې په عدالت سوله وکړئ او انصاف کوئ؛ الله یقیناً انصاف کوونکي خلک خوښوي. مؤمنان سره وروڼه دي، نو تاسو د خپلو وروڼو تر منځ سوله راولئ او د الله څخه وپېرېئ، د دې لپاره چې رحم درباندي وشي.

په دغو دوو آیتونو کې دا خبرې راغلي دي: د مسلمانانو تر منځ هم جګړه را منځ ته کېدای شي او د جګړې په وجه یو پر بل د کفر حکم لگولو حق نه لري ترڅو یې د کوم دلیل پرته د مسلمان وژل ځان ته حلال نه وي ګڼي؛ ځکه په دې آیت کې خدای پاک په جګړه کې واقع شوي دواړه لوري مؤمنان بللي دي؛ لکه څرنګه چې امام بخاري ^(رحمة الله علیه) هم د خپل کتاب (صحيح البخاري) په کتاب الايمان کې دا خبره ياده کړې ده، جګړې ته دوام ورکول نه دي روا؛ ځکه الله تعالی امر کړی چې د داسې ډلو تر منځ سوله وکړئ، ﴿فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا﴾. که کومه ډله

سولي ته غاړه نه اړېږي، مسلمان ولس مکلف دی چې هغوی سولي ته مجبوره کړي آن تردې چې که بله لاره نه وي، نو ټول ولس دي د هغوی پر ضد پاڅون وکړي، تر هغه وخته چې دوی سوله ومي.

که یې هروخت سولي ته غاړه کېښودله، بیا هم مسلمان ولس مکلف دي چې د دوي تر منځ سوله په عدل او انصاف وکړي، د تېري شوي جګړې په وجه ظلم یا بې انصافي ورسره ونکړي. په پای کې یې ویلي دي چې مؤمنان سره



ورونه دي، نو عام ولس دي خپل ورونو د جگړې دوام ته نه پرېږدي. بلکې ترمنځ دې سوله وکړي. په سوله کې د الله رحمت دی چې د الهي تقوا او پرمهزګارۍ پر بنسټ رامنځ ته شي.

﴿فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾
ژباړه: د خپلو ورونو ترمنځ سوله وکړئ، ګوندي رحم درباندي وشي.

دا آيت ښيي چې په سوله کې د خدای رحمت دی. نو سوله ردول د رحمته ځان لري کول او د الهي بخښنې څخه بې برخې کېدل دي؛ پېغمبر (عليه الصلاة والسلام) فرمايلي:

تُفْتَحُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ، وَيَوْمَ الْخَمِيسِ، فَيُغْفَرُ لِكُلِّ عَبْدٍ لَا يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا، إِلَّا رَجُلًا كَانَتْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَخِيهِ شَحَاءٌ، فَيُقَالُ: أَنْظِرُوا هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا، أَنْظِرُوا هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا، أَنْظِرُوا هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا. (صحيح مسلم حديث نمبر: ۲۵۶۵)

ژباړه: د دوشنبې او پنجشنبې په ورځ د جنت دروازي پرانيستل کېږي، نو هر بنده ته بخښنه کېږي چې د الله سره يې شريک نه وي منلی پرته د هغه چا چې د ده او ورور ترمنځ يې بغض او دښمني وي، «د دوی په هکله» ويل کېږي: دا دوه وځنډوئ ترڅو سوله سره وکړي، دا دوه وځنډوئ ترڅو سوله سره وکړي.

هو! په سوله کې هغه څه ترسره کېدای شي چې په جگړه کې نه شي ترسره کېدلای. په دې اړه به وروسته په حدیث کې د سولې د ګټو بېلګې راشي. دغه پورته خبرې ښيي چې د مسلمانانو ترمنځ جگړې ته دوام ورکول په اسلام کې ځای نه لري، بلکې مسلمانان مکلف دي چې خپلو هلو ځلو ته ترهغه دوام ورکړي ترڅو چې د مسلمانانو ترمنځ سوله راولي؛ ځکه جگړه ورور وژل دي او سوله اور وژل دي. جگړه ورانۍ او تباهي ده او سوله نرمي او آرامي ده؛ پېغمبر (عليه الصلاة والسلام) فرمايلي: إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ، وَيُعْطِي عَلَى الرَّفْقِ مَا لَا يُعْطِي عَلَى الْعُنْفِ، وَمَا لَا يُعْطِي عَلَى مَا بَوَّاهُ.

(صحيح مسلم حديث نمبر: ۲۵۹۳).

ژباړه: بې شکه الله تعالى نرمي کوونکی دی، نرمي خوښوي، پر نرمي تګلاري هغه څه «ثواب او ښېګڼې» ورکوي چې پر توند لاری او نورو لارو یې نه ورکوي.

د مسلمانانو ترمنځ د سولې د ګټو يوه نه هېرېدونکې بېلګه د حسن بن علي او معاوية (عليه السلام) ترمنځ هغه تاريخي سوله ده



چې څو کلنه اوږده جگړه یې ختمه کړه او مسلمانانو په آرام ژوند پيل کړ. په دې اړه امام بخاري (رحمة الله عليه) د مشهور تابعي حسن بصري څخه نقلوي. هغه وايي: اسْتَقْبَلَ وَاللَّهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ مُعَاوِيَةَ بِكَتَائِبِ أَمْثَالِ الْجِبَالِ، فَقَالَ عُمَرُو بْنُ الْعَاصِ: إِنِّي لَأَرَى كِتَابَ لَا تُؤَلِّي حَتَّى تَقْتُلَ أَقْرَانَهَا، فَقَالَ لَهُ مُعَاوِيَةُ وَكَانَ وَاللَّهُ خَيْرَ الرَّجُلَيْنِ: أَيُّ عُمَرُو إِنَّ قَتَلَ هَؤُلَاءِ هَؤُلَاءِ، وَ هَؤُلَاءِ هَؤُلَاءِ مَنْ لِي بِأُمُورِ النَّاسِ مَنْ لِي بِسَائِهِمْ مَنْ لِي بِضَعْفِهِمْ، فَبَعَثَ إِلَيْهِ رَجُلَيْنِ مِنْ قُرَيْشٍ مِنْ بَنِي عَبْدِ شَمْسٍ: عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنُ سَمُرَةَ، وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنَ عَامِرِ بْنِ كُرَيْزٍ، فَقَالَ: أَذْهَبَا إِلَى هَذَا الرَّجُلِ، فَأَعْرِضَا عَلَيْهِ، وَقُولَا لَهُ: وَاطْلُبَا إِلَيْهِ، فَأَتِيَاهُ، فَدَخَلَا عَلَيْهِ فَتَكَلَّمَا، وَ قَالَا لَهُ: فَطَلَبَ إِلَيْهِ، فَقَالَ لَهُمَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ: إِنَّا بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، قَدْ أَصَبْنَا مِنْ هَذَا الْمَالِ، وَ إِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ قَدْ عَائَتْ فِي دِمَائِهَا، قَالَا: فَإِنَّهُ يَعْرِضُ عَلَيْكَ كَذَا وَكَذَا، وَيَطْلُبُ إِلَيْكَ وَ يَسْأَلُكَ قَالَ: فَمَنْ لِي بِهِذَا، قَالَا: نَحْنُ لَكَ بِهِ، فَمَا سَأَلَهُمَا شَيْئًا إِلَّا قَالَا: نَحْنُ لَكَ بِهِ، فَصَالَحَهُ، فَقَالَ الْحَسَنُ: وَ لَقَدْ سَمِعْتُ أَبَا بَكْرَةَ يَقُولُ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمِنْبَرِ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ إِلَى جَنْبِهِ، وَ هُوَ يَقْبَلُ عَلَى النَّاسِ مَرَّةً، وَ عَلَيْهِ أُخْرَى وَ يَقُولُ: «إِنَّ ابْنِي هَذَا سَيِّدٌ وَ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُصْلِحَ بِهِ بَيْنَ فِتْنَتَيْنِ عَظِيمَتَيْنِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ». (صحيح البخاري حديث نمبر: ۲۷۰۴).

ژباړه: قسم په الله چې حسن بن علي د معاوية مخ ته د غرونو په څېر لښکري را وايستلې. عَمَرُو بن العاص معاوية ته وويل: زه داسې لښکري وينم چې هيڅکله نه پر شا کېږي ترڅو خپل سيالان د منځه وړي. نو معاوية چې تر خپل ملګري غوره وو، وېي ويل: اې عَمَرُو! که دغه ډله هغه ووژني او هغه ډله دغه ووژني د خلکو چاري به څوک را ته سمبالوي، د هغوي ښځې او پاته شوي يتيمان به څوک سمبالوي؟ وروسته معاوية حسن بن علي ته د قریشو ښځې عبد الشمس قبیلې دوه کسان: عبد الرحمن بن سَمُرَةَ او عبد الله بن عامر ولېږل. هغوی دواړه ته یې وويل: دې سړي «حسن بن علي» ته ورسئ، وړاندیز او خبره ورته وکړئ او سوله ورڅخه وغواړئ. نو هغوی دواړه حسن بن علي (عليه السلام) ته ورغلل. ورسره وغږېدل او د سولې غوښتنه یې ورڅخه وکړه. حسن بن علي (عليه السلام) وويل: موږ د عبد المطلب کورنۍ د دولتي شتمنيو څخه څه شی لاس ته راوړی (چې د خپل رعیت محتاجو خلکو ته مو ورکړي وی) او د بل پلوه دغه امت (دواړو ډلو) یو د بل ویني توی کړي، یو بل یې

وژلي دي (دا یو تضمین ته اړتیا لري). هغو دواړو استازو ورته وويل: معاوية تا ته دا وړاندیز کوي (چې ستاسو د ملګرو او د سیمې د اړتیا مالي مصارف به درته ټاکي) اوجګړه ختمول او سوله غواړي. حسن بن علي (عليه السلام) وويل: دغه د سولې د شرایطو د عملي کولو ضمانت به څوک راته کوي؟ هغوی وويل: موږ یې ضمانت درته کوو. لنډه دا چې حسن بن علي (عليه السلام) چې به کومه غوښتنه یادوله دوی به ورته ويل: موږ یې تضمین درته کوو. نو حسن بن علي (عليه السلام) هم سوله ورسره وکړه. تابعي حسن بصري وايي: ما د ابوبکره صحابي څخه اورېدلي، هغه ويل: ما پېغمبر وليدی په داسې حال کې چې حسن بن علي (عليه السلام) یې پر منبر اړخ ته ناست وو او ده به یو ځل خلکو ته مخ واړوی او بل ځل به یې حسن بن علي ته وکتل او ويل یې: دا زما بچی سردار دی او هیله ده چې الله تعالی د ده پر لاس د مسلمانانو د دوو لویو ډلو ترمنځ سوله راولي. حسن بن علي (عليه السلام) د خپل نیکه دغه وړاندوینه ثابته او عملي کړه.

فکر وکړئ چې دغو قدرمنو صحابه وو څه ډول اسلامي امت د جگړې څخه وساتې؟ که دوی جگړې ته دوام ورکړی وای نتیجه به یې څه شوې وای؟ د دغه حدیث په شرح کې علامه بدرالدین عيني (رحمة الله عليه) فرمایلي دي: وفيه فضيلة الحسن رضي الله تعالى عنه، دعاه ورعه إلى ترك الملك والدنيا رغبة فيما عند الله تعالى، ولم يكن ذلك لعله ولا لذة ولا لقله، وقد بايعه على الموت أربعون ألفا، فصالحه رعاية لمصلحة دينه ومصلحة الأمة، وكفى به شرفاً وفضلاً. (عمدة القاري شرح صحيح البخاري ج ۱۳ ص ۲۸۴)

ژباړه: په دې حدیث کې د حسن (عليه السلام) فضيلت ثابتهږي چې د ده تقوا دی د دنیا او پاچاهي پرېښوولو ته وهغوی په دې خاطر چې هغه اجر او ثواب ته یې شوق وو چې د الله سره دی. دغه سوله یې د کوم علت «طمع»، ذلت «کمزورتیا» یا د نفرو د لېووالي په وجه ونکړه، بلکې په داسې حال کې یې دغه سوله وکړه چې څلوېښت زره کسانو داسې بيعت ورسره کړی وو چې تر مرګه به ډګر نه پرېږدي. خوده دغه سوله د دین او امت د مصلحت په خاطر وکړه او همدا کار د شرف او فضيلت لپاره بس دی. راځئ موږ او تاسو هم په صحابه کرامو پسې اقتدا وکړو او د رحمة للعالمين پېغمبر (عليه الصلاة والسلام) دغه حکم عملي اود سولې غوښتنه یې پوره کړو.

نور بیا...

فرایند هشت مرحله‌ای تغییر

قسمت هفدهم

ناصرالدین دریز

نکاتی از مطالب شهرام شایان و سعیده دریا زاده به طور جسته و گریخته در لابلای مباحث مختلف این مقاله بازتاب یافته که می‌تواند مدیران تغییر را در راستای برنامه هایشان یاری رساند.

گام اول: ایجاد جو احساس ضرورت و فوریت تغییر گسست از رویکردهای سنتی گذشته و رفت به رویکردهای جدید و فناوری نوین به عنوان یک فرصت مناسب برای سازمان‌های تغییرپذیر تلقی می‌گردد. مدیران تغییر در گام نخست باید به فکر زمینه سازی (جو) مساعد در سازمان بوده و احساس ذهنیت ضرورت و فوریت تغییر را برای کارکنان ایجاد نمایند. همچنان بستر مساعد پذیرش برنامه تغییر را از پیش در میان نیروی بشری به میان آورند. سپس با طرح برنامه ریزی شده، برنامه عمل را به تدریج اجرایی سازند.

اما در سازمان‌هایی که در آنها احساس ضرورت تغییر نمی‌گردد؛ پیامدهای آوردن تغییر بی‌موجب می‌تواند سنگین و ناخوشایند باشد. در این هنگام رفتن به سوی تغییر؛ مانند لولاندن سنگ بزرگی بر فراز قله کوه بلندی است که ممکن است با یک اشتباه کوچک، سنگ نه تنها دوباره به طرف پایین فرود آید؛ بلکه شاید

وضعیت سازمان را دگرگون ساخته و به مسیر هدف‌های متعالی هدایت نماید. درضمن تغییر مثبت و هدفمند، مستلزم اقدامات لازم و طرح برنامه‌های مناسب، جامع، مدون و منسجم می‌باشد.

برای آغاز روند تغییر، باید تمام ابعاد سازمانی؛ مانند: نیروی بشری و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های با قوه و با فعل سازمان، توان مادی، مالی، معنوی و سایر موارد ضروری آن مورد شناسایی پرسون (دقیق) قرار گیرند.

به نقل از کتاب "قلب تغییر" (The Heart of Change) "جان کوتر"، بهره‌گیری از تجربیات عملیاتی و عینی مدیران و سازمان‌ها در جهت تغییر سازمانی درس‌های بزرگی را در خصوص چگونگی مدیریت انتقال دانش سازمانی، می‌آموزیم که چگونه با کارکنان به عنوان انسان و موجودی دارای احساسات و عواطف لطیف، در چرخه فرایند تغییر (اتخاذ رویکر توسعه منابع بشری) معامله و برخورد محتاطانه و انسانی صورت گیرد تا روح آنان در این مسیر جریحه دار نگردد. به هر رو، گرچه پیش از این نیز به گونه فشرده درآمده‌ی به راهکار "جان کوتر" (John P. Kotter) صورت گرفته بود. اما اینبار از زاویه دیگری به آن نگرسته شده است. در ضمن فرازهایی از کتاب "قلب تغییر"، گوشه‌هایی از مقاله آرش آرسنه، و

این راهکار تغییر که مشهور به "مدل تغییر سازمانی جان کوتر" است، در هشت گام به مرحله اجرا در می‌آید و مدیریت ارشد سازمان را می‌آموزاند تا چگونه زنگار زمان را که بر سر و صورت سازه‌های سازمان زنگ بسته، زدوده و از نو رنگ زند.

سازمان همانند سایر پدیده‌های زاستاری (طبیعی) و غیر زاستاری به تدریج پیر و از پا مانده می‌شود و توان و تحرک خود را در گذر زمان از دست می‌دهد. در صورت عدم توجه به بازساخت موتور محرکش، نمی‌توان امیدی به همسری و هموردی آن با سازمان‌های هم‌طراز را داشت.

ولی در این راستا عنصر تغییر است که بر شاخه‌های درخت کهن سازمان، جوانه‌های جدید و جوان را رویش و پرورش داده و روز تا روز نوده‌های فرسوده آن را تعویض و تغییر می‌دهد و آن را دوباره بارور و برومند می‌سازد.

پیداست که تغییر می‌تواند به صورت مثبت و منفی وجود داشته باشد. اما به طور کل انسان از نظر خصلت زاستاری خویش، همیش از تغییرات مثبت پشتیبانی می‌کند. با توجه به روانشناسی انسان، در این صورت به آسانی می‌توان به سوی تغییر شتافت و پیشامدهای بعدی آن را بدون چالش زیاد به آغوش کشید.

به همین دلیل کارشناسان باورمند اند که تغییر مثبت و هدفمند می‌تواند



نسبت به موقعیت قبلی، در جایی به مراتب پایینتر از پیش قرار گیرد و این که در مسیر سقوط به طرف دامنه کوه چه خساراتی را وارد می نماید، بحث دیگری است. این وضعیت برای سازمان به عنوان زنگ خطر و خودکشی تلقی می گردد.

به قول یک تن از دانشمندان مدیریت، باید با روش های غیر تحمیلی به کارکنان نشان داده شود که ایجابات محیطی حکم می کنند، باید تغییر صورت گیرد. البته این کار با سخنرانی های خشک امکان پذیر نیست. برخی مواقع نشان دادن یک کلیپ کوتاه می تواند، تاثیرگذارتر از ساعت ها سخنرانی باشد.

برای ایجاد حس ضرورت تغییر در افراد، باید روحیه ترس در آنان برانگیخته نگردد. چرا که ترس باعث می شود، افراد به جای تمرکز به تغییر سازمانی، حفاظت از خود را در اولویت قرار دهند. گرچه ایجاد استرس در حدی که افراد از حالت راحت طلبی بیرون آیند، پسندیده است. اما با ایجاد ترس و ارباب و نادان دانستن کارکنان هیچ چیز حل نخواهد شد. باید قبول کنیم، اگر قرار است تغییری به میان آید، از طریق کارکنان صورت می گیرد. برای ایجاد جو احساس ضرورت و فوریت تغییر در سازمان، نخست دو اقدام پیشگیرانه به عمل آید:

۱. بررسی قلمرو واقعیت های موجود:

نخست باید امکانات موجود به شکل واقع بینانه بررسی گردد که سازمان چه ظرفیت ها، امکانات و سهولت های با قوه و با فعل را برای رفتن به سوی تغییر در اختیار دارد.

۲. تشخیص و بحث در باره بحران ها:

زمانی که ظرفیت ها و ضعف های موجود سازمان مورد بررسی همه جانبه قرار گرفت، سپس ایجاب می نماید تا بحران های موجود و احتمالی بعدی مورد بحث و تشخیص قرار گیرند.

طوری که با تشخیص بحران های با قوه و فرصت های با فعل حاضر، می توان از بحران های ممکن آینده، تا حدی جلوگیری به عمل آورد.

پس از این دو اقدام پیشگیرانه، دو فعالیت مهم برای اجرایی ساختن برنامه تغییر در این مرحله، ضروری پنداشته می شود:

۱. **اقدامات محرک:** لازم است تا در این راستا اقدامات محرک و تحریک کننده برای افراد از سوی مدیریت ارشد سازمان انجام یابد.

۲. **اظهار نیاز به تغییر:** تغییر به عنوان یک اصل ضروری و نیاز مبرم با شیوه های گوناگون برای سازمانیان بازگو گردد.

گام دوم: ایجاد تیم تغییر یا ائتلاف رهنا

تشکیل یک تیم (گروه) قدرتمند برای رهبری تغییر یکی از پیش شرط های برنامه تلقی می گردد. رهبران یا مدیران تغییر هیچگاهی نمی توانند به تنهایی و بدون داشتن یک تیم کارا، مخلص، متعهد، متخصص، بی ریا، پاک و عاری از فساد، حرکتی و یا تغییری را در سازمان به وجود آورند.

مفکوره این که قهرمانی ناگهان از راه فرارسد و به تنهایی تمامی مشکلات سازمان را حل و فصل کند، خیال خامی بیش نیست. برای ایجاد تغییر اساسی وجود یک تیم آزموده از میان افراد برجسته سازمان ضرورتی انکارناپذیر است.

چالش اصلی گردهم آوردن افراد مناسبی که هم مورد اعتماد بوده و هم دارای مهارت کار تیمی باشند، در این مقطع است. گروه کاری باید در همه سطوح سازمانی تشکیل گردد. تیم کاری باید به ائتلاف وسیع تبدیل شود و دیدارها و نشست های مرتب و متواتر جهت تبادل نظر و دیدار با همدیگر نمایند. ولی نشست های بدون اجندا و ضعیف، اعتماد و اطمینان افراد را کم رنگ می کند و انگیزه افراد برای حضور در نشست های بعدی کاهش می بخشد.

در یک جمله می توان به جرأت گفت که بدون ایجاد یک تیم هم اندیش، با دانش

و با انگیزش نمی توان هیچ تغییری را در سازمان به وجود آورد. برای تشکیل تیم تغییر، پرداختن به دو نکته اساسی شرط لازمی به نظر می رسد:

۱. گزینش افراد مناسب، متعهد و متخصص از میان افراد سازمان.

۲. سپردن وظایف مشخص و مرتب برای کارهای گروهی به آنان.

از رو مدیریت ارشد سازمان، با ایجاد تیم تغییر یا ائتلاف تغییر، متشکل از تمام ذینفعان، از طریق نشست ها و دیدارهای مختلف با بیان خوبی هایی که در برنامه تغییر موجود است، می تواند تیم تخنیکی تغییر را ایجاد و با این اقدام درست، دریچه شکوفایی تغییر مثبت و انکشاف سازمانی را به روی کارکنان شان بگشاید. برای دستیابی به این هدف، انجام دو فعالیت ضروری تلقی می گردد:

۱. **شناخت رهبران قدرتمند سازمان:** آوردن تغییرات هدفمند و مطلوب، ضرورت جدی برای شناخت رهبران قدرتمند سازمان دارد. گردهم آوردن گروهی که برای رهبری تغییر از اقتدار کافی در سازمان برخوردار باشند و بتوانند بالای افکار و اعمال دیگران تأثیرگذار باشند، کار را برای مدیریت ارشد تغییر، تسهیل می بخشد و شانس درصدی پیروزی را بیشتر می سازد.

۲. **هماهنگی تیمی:** هدایت و مدیریت گروه تغییر به نحوی که همانند یک تیم با همدیگر کار کنند و مانند دانه های زنجیر به همدیگر گره بخورند و از همدیگر حمایت نمایند، از مبانی اساسات ایجاد گروه تیمی به شمار می رود.

گام سوم: خلق دیدگاه:

پس از تحقیق و بررسی همه جانبه محیط داخلی و خارجی سازمان و گردآوری نظریات افراد و شرکا، می توان دیدگاه جامع و کامل را برای نیل به کرسی نشان دادن اهداف سازمان، طرح ریزی نمود. البته خلق دیدگاه (چشم انداز) روشن، صریح و محرک به همراهی استراتژی ها، قوانین، مقررره ها و طرز العمل های معین نخستین



مرحله ساختن رویکرد جدید برای سازمان و جان بخشیدن مجدد به آن است. مشخص شدن مسیر و جهت آینده، تدوین استراتژی‌ها، قوانین، مقررره‌ها و برنامه‌های عملیاتی از مهم‌ترین اقدامات تیم ره‌نما است. یک تیم ره‌نمای خوب باید مشخص کند که به کجا و به چه شکل می‌خواهد برود؟ کجاها باید تغییر کنند و کجاها نیاز به تغییر دارند؟ محورهای اساسی تغییر سازمانی چیست؟ میزان و سرعت تغییر چقدر خواهد بود؟

نتیجه این مرحله به تصویر کشیدن آینده مطلوب توسط تیم رهبری تغییر است. دیدگاهی که به راحتی قابل بیان باشد و یک درک مشترک و تصویر عمومی را از آینده روشن و واقع‌بینانه برای همه به معرفی گرفته بتواند.

در تدوین دیدگاه ابتدا لازم است مفاهیم کلیدی را درک کنید. به بیان دیگر از سوء تفاهم جلوگیری کنید. ما نمی‌توانیم در مورد آنچه که قادر به درک آن نیستیم، برنامه ریزی کنیم. در ضمن زمانی که به اصطلاح خانه از تهداب ویران است، به دنبال تدوین دیدگاه و اهداف تغییر کوتاه مدت باشید. سازمان را کم از کم از هم پاشی حفظ کنید. پس از عبور از این مرحله، به دنبال تغییرات بلندمدت و اساسی گردید.

زمانی که دیدگاه تدوین شد، در اجرای استراتژی‌ها سرعت به خرج دهید. استراتژی تغییر تدریجی فرساینده است. بعد از مدتی همه دچار سکون می‌شوند و به وضعیت موجود عادت می‌کنند. سریع حرکت کردن در زمانی که مراحل قبلی به خوبی طی شده، یک امر الزامی است. در راستای تعمیم و تقویت دیدگاه باید دو کار را به انجام رساند:

۱. پس از به وجود آوردن دیدگاه، توسعه دیدگاه که روند تغییر را هدایت کند.
۲. توسعه استراتژی‌ها، قوانین و

مقررره‌ها برای دستیابی به اهداف مطابق دیدگاه.

گام چهارم: توافق و ابلاغ دیدگاه:

پس از توافق جمعی بر دیدگاه، برای تأمین ارتباط بهتر و رسانیدن پیام خوبتر به افراد سازمان، دیدگاه مشترک به آنان ابلاغ و انتقال گردد.

پژوهشگران می‌گویند که تجربه نشان داده در این راستا از طریقی استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی مورد دسترس و نیز آموزش‌های لازم به افراد در قالب جلسات توجیهی (۵۰ جلسه) و کارگاه‌های آموزشی (۲۵ کارگاه)، زمینه آمادگی‌های لازم برای اجرا کنندگان فرآیند تغییر فراهم گردیده است.

مهم‌ترین چالش در این گام فقدان انتقال شفاف اطلاعات و وضاحت عملکرد رهبری است. این که مدیران و تیم ارشد می‌دانند به کجا و چگونه می‌خواهند بروند؛ اما در عین حال، کارکنان و عاملین اصلی تغییر از خود می‌پرسند، مدیران در مورد چه چیزی صحبت می‌کنند؟ باز چه بلایی در پیش است؟ وظیفه ما چیست؟ وظیفه راهبران در این مرحله صرف انتقال داده‌های خام نیست. آن‌ها باید با تدویر نشست‌های متعدد، نگرانی و ترس کارکنان را از بین ببرند. باید به کارکنان تفهیم شود، به کجا و به چه دلیل در حال حرکت هستند.

در جلسات انتقال دیدگاه لازم است به پرسش‌های همه افراد صادقانه و به طور شفاف پاسخ داده شود. هیچ پرسشی، بی‌پاسخ و گنگ باقی نماند. جلسات پرسش و پاسخ باید خودمانی و دوستانه باشند تا کارکنان در یک فضای صمیمانه بتوانند، ناگفته‌های‌شان را بگویند تا همه به آینده امیدوار شوند.

افراد خیلی زود متوجه این مسأله می‌شوند که آیا دیدگاه و آینده مطلوب برای تیم رهبری درک شده است یا نه؟ آیا آن‌ها به آن باور دارند یا فقط سخنرانی می‌کنند؟ و یا با تظاهر، سعی در فریب دیگران دارند.

سعی کنید نسبت به دیدگاه مسلط شوید و به درستی و با اعتماد به

نفس سخنرانی کنید. چنانچه اعمال شما با دیدگاه مطرح، مطابقت و همخوانی نداشته باشد، بزرگترین ضربه را به روند تغییر وارد می‌کنید.

کارشناسان پیشنهاد می‌نمایند که برای ذهنیت‌سازی افراد، بیشتر از طریق افزایش بازاندیشی و بازنگری فکری و عملی، منجیث یک ابزار آموزشی همه‌کاره استفاده شود. برای به ثمر نشستن دیدگاه در ذهنیت کارکنان، به اجرا در آوردن دو فعالیت عمده می‌تواند مؤثر واقع گردد:

۱. استفاده از هر وسیله ممکن برای انتقال دایم دیدگاه و استراتژی‌های جدید به کارکنان.

۲. ایجاد تیم تغییر یا ائتلاف ره‌نما که نقش الگو رفتاری مورد نظر را برای کارکنان ایفا نماید.

گام پنجم: توانمند سازی کارکنان برای انجام اقدام‌های فراگیر

پیشنهاد می‌شود که به طور عموم غرض توانمند سازی کارکنان برای انجام اقدام‌های فراگیر و وظایف و مشاغل جدید به ویژه برنامه‌های تغییر، اعطای قدرت به افراد در جهت حرکت به سوی دیدگاه جدید از طریق شناسایی افراد علاقمند و تقویت آن‌ها، شناخت تضعیف‌کننده‌های فرآیند تغییر و ترمیم عوارض آن و همچنان اصلاح سیستم مدیریتی اقدامات مناسب صورت گرفته می‌تواند.

در این مرحله نیاز به افراد توانمند جهت اجرای تغییر دارید. اما به

راستی توانمند سازی چیست؟ منظور از توانمند سازی، دادن اختیارات و مسؤولیت‌های جدید به کارکنان و رها کردن آن‌ها نیست؛ بلکه توانمند سازی به معنای از میان برداشتن موانعی است که در مقابل اجراءات و انکشاف آنان سد راه واقع شده‌اند.

ادامه دارد...



آب و اهمیت آن

سید مسلم شاه اسدی

به مناسبت حمایت و گرامی داشت از منابع آبی کشور:

در تعریف آب گفته اند: آب، مایعی است بی رنگ، بی بو و بی طعم؛ ولی این، تعریف کامل آب نیست، بلکه بی رنگی، بی بویی و بی طعمی آب جزو صفات آن است و اصولاً هیچ چیز عالم را نمی توان با تعریف، همان گونه که هست بیان کرد؛ برای نمونه در تعریف «زید» که انسان است می توان صفات و ویژگی های اخلاقی، قد و قامت و رنگ پوست و احیاناً میزان تحصیلات او را برای شناساندنش بیان نمود؛ اما هیچ تعریفی نمی تواند وجود زید را آن چنان که هست بیان کند.

برمعیار تحقیقات، مغز انسان نزدیک به یک کیلو و چهارصد گرام وزن دارد و محاسبه محققان نشان می دهد که ۸۵ درصد آن، آب است؛ یعنی نزدیک به ۱۱۹۰ گرام آب و ۲۱۰ گرام مواد حل شده در این آب، مغز را تشکیل می دهد. این شناخت بسیار سطحی، روشن می کند که آب و این مواد عادی به تنهایی باعث ایجاد فکر و علم نمی شود؛ ولی می تواند عامل شناخت علم باشد.^(۱)

توضیح آن که: حقیقت حیات، هر چه باشد موهبتی الهی است؛ اما تاثیر آن، جز در یک گونه خاصی از ماده، بروز نمی کند و

یکی از ویژگی های این گونه ماده این است که همیشه حیات در سلول های جسم انسان و هر جنبه ای به صورت علمی امکان پذیر نیست، مگر این که در هر یک از سلول ها اندازه ای آب به تناسب نوع سلول موجود باشد. در پاره ای از اجزای بدن انسان یا حیوان، آب به نسبت خیلی کمتر وجود دارد. این اجزا بیشتر ترشحات منجمدی هستند؛ مانند ناخن که حس حیاتی در آن نیست؛ رشد دارد ولی به شکل مرده است.

موضوع حیات و روح در بدن انسان، هم چون وجود متکلم در دستگاه تلفن است؛ اما حقیقت آن دانسته نمی شود. می توانیم درباره این تشبیه، چنین توضیح دهیم که هرگاه آب را که عنصر اصلی و عامل ریشه ای حیات ماده است از آن بگیریم، حیات جسم به مرگ تبدیل می شود و دیگر آن جسم برای داشتن حیات شایستگی ندارد.^(۲)

شخصی از امام صادق از مزه آب پرسید. فرمودند: مزه آب، مزه حیات است (طعم الحیاة) و با دیگر مزه ها شباهتی ندارد و نیز ممکن است بگوییم مهم ترین سبب زندگی و بقای آن، آب است؛ گویی هر کسی هنگام آشامیدن آب، طعم زندگی را می یابد.^(۳)

در ساختمان بدن انسان، بیش از هر چیز، آب به کار رفته است. بنابر تحقیقات بالای نوزادان در ۲ و ۵ ماهگی، ۹۴٪، در ۴ و ۵ ماهگی، ۹۰٪، در ۷

ماهگی، ۸۰٪ و در هنگام زایمان ۹۹٪ وزن نوزاد آدمی، آب است و از دیدگاه زیست شناسان، انسان به اسفنجی می ماند که از هر سو آب را فراگرفته باشد.^(۴)

یکی از فواید مهم آب، این است که هر موجود زنده ای از آن می آشامد و حرارتی را که از گردش خون تولید می شود، از میان می برد. بخش مهم آن حرارت، با تنفس آکسیجن که از هوا گرفته می شود از میان می رود؛ اما بخشی از آن که به اشخاص، اوقات و غذا بستگی دارد جز با آب از میان نمی رود. آب سبب ادامه حیات و آتش نگرفتن سیستم پیچیده و دقیق بدن است.

افزون بر اینها، آب، دستگاه های بدن را تصفیه می کند و ریه ها و شریان ها را از سموم پنهانی و آلودگی ها پاک می کند که اگر چنین نباشد آدمی به اندک زمانی می میرد. این دفع، گاهی به صورت عرق و زمانی به شکل ادرار، تحقق می یابد. آب، در حقیقت به تنظیم و ترتیب واکنش های درونی بدن، کمک می کند؛ زیرا بدون وجود آب، هیچ عمل و تغییر کیمیایی نمی تواند در بدن انجام گیرد و در نتیجه، غذا به سلول ها نمی رسد و زندگی مختل می گردد. آب به صورت محلول در خون و شیره های گوارشی یافت می شود و از مهم ترین اجزای خون،



به شمار می رود. بدن تنها هنگامی می تواند مواد معدنی را استفاده کند که در آب، به صورت محلول درآمده باشد. دست کم ۳/۲ وزن بدن، آب است و هر روز تقریباً دو لیتر آب از بدن دفع می شود و این کار از ریه ها و پوست به شکل تبخیر و عرق از مجاری کلیوی و گوارشی به صورت فضولات انجام می گیرد.^(۵)

با آن که یکی از اجزای آب، ماده سوزنده ای به نام هایدروجن است، خداوند متعال آن را با اکسیجن در آمیخته و وسیله تبرید (سردشدن) قرار داده است.

کلمه «ماء» ۶۳ بار در قرآن مجید آمده است. آیه ای که بیش از همه به نقش آب در زندگی اشارت دارد، آیه سی ام (۳۰) سوره انبیا است که می فرماید: آیا کافران ندیده اند که آسمانها و زمین بسته بودند آن گاه آنها را گشودیم [و گسترش دادیم] و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم: آیا ایمان نمی آورند؟ ﴿أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَاهُمَا مَآءً كَلًّا شَرَبًا ۚ فَحْيَ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ﴾^{۳۰} الانبیاء:

در بیشتر آیاتی که واژه «ماء» به کار رفته، به نزول باران که زنده کننده زمین و رویاننده گیاهان، درختان، میوه ها و حبوبات است اشاره شده است؛ مانند آیه ۲۲ سوره بقره:

... خداوند از آسمان، آبی فرو فرستاد که بدان وسیله برای رزق و روزی شما از ثمرات رویانید؛ در این صورت، برای او [شریکان و] اصدادی قرار ندهید...^(۶) و در آیه های ۶۷ و ۶۸ سوره واقعه چنین آمده است: خبر دهید از آن آبی که می آشامید. آیا شما آن را از ابر فرو فرستاده اید، یا ما؟ اگر می خواستیم هر آینه آن را شور و تلخ قرار می دادیم پس چرا [برای این گونه نعمت ها] سپاس گزاری نمی کنید؟^(۷)

در آیه دیگری آمده است: «و [کوه های] استوار برافراشته در زمین قرار دادیم و آب خوش گواری به شما

آشامانندیم».^(۸)

از این آیه چنین برمی آید که آفرینش کوه ها و آب خوش گوار به هم وابسته است و به ویژه که جمله دوم (و آب خوش گوار به شما آشامانندیم) به جمله اول عطف شده است که میان معطوف و معطوف علیه باید تناسب وجود داشته باشد. توضیح آن که: بر اثر باریدن برف و باران در مکان های بلند و کوه ها و نفوذ آن در لابه لای سنگ ها و شن ها به اعماق زمین فرو رفته و پس از عبور از مجاری طولانی و سپس ظاهر شدن در سطح زمین به صورت چشمه و قنات، خداوند مهربان بهترین آب تصفیه شده را در دسترس ما قرار داده است.

همان گونه که گفتیم آب از نیازمندی های ضروری هر موجود زنده است و حیات در روی زمین به آن بستگی دارد؛ از این رو خداوند مهربان آب بسیار فراوان در عالم ایجاد کرده تا همه موجودات بتوانند از آن بهره مند شوند.

در توحید مفضل چنین آمده است:

نیازمندی آدمی به آب از نیازمندی اش به نان بیشتر است؛ زیرا مقاومت وی در مقابل گرسنگی، بیشتر از تشنگی است و نیازمندی به آب، بیشتر از نیازمندی به نان است؛ چون برای آشامیدن، وضوگرفتن، غسل کردن، شستن جامه ها، آب دادن چهارپایان و آبیاری زراعت ها به آب نیازمند است، از این رو آب فراوان است، به گونه ای که به رایگان در اختیار مردم قرار گرفته تا برای به دست آوردن آن به سختی و زحمت نیفتد و به دست آوردن نان را این گونه قرار نداد تا مردم به تلاش و کوشش وادار شوند و از فساد اخلاق و تبه کاری محفوظ بمانند ...^(۹)

در سخنان پیشوایان دین به آب بسیار اهمیت داده شده از آن مدح شده است.

از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است:

«آب در دنیا و آخرت، برترین آشامیدنی است».^(۱۰)

با توجه به این که ۳/۲ حصه وزن بدن آب است و برای انجام دادن کارهای گوناگونی همچون گوارش، گردش خون، جذب و دفع و ... برای ادامه حیات اصل مهم است درباره استفاده کردن از آب، در روایات به نکاتی اشاره شده که برای نمونه:

پس از غذا، نوشیدن آب، خوب است و کار معده را آسان می کند.^(۱۱)

پس از خوردن غذای چرب، آشامیدن آب، زمینه ساز بیماری است.^(۱۲)

زیاده روی در آشامیدن آب، مکروه و موجب بیماری است.^(۱۳)

– بهتر است آشامیدن آب به گونه مکیدن باشد و با چند جرعه آشامیده شود و انسان، یک باره یا یک نفس آب را سر نکشد؛ زیرا سبب درد شکم است.^(۱۴)

و نیز در احادیثی توصیه شده که از آب، استفاده طبابتی کنید و تب را با آب سرد، از میان ببرید. از حضرت علی کرم الله وجهه نقل شده: «بر تب دار، آب سرد بریزید، چون حرارت تب را از میان می برد».^(۱۵)

دستور اسلام درباره پاک نگه داشتن آب:

پیش از این گفتیم که آب برای هر موجود زنده ای جنبه حیاتی دارد و از ضروریات است و نیاز انسان به آب پاکیزه برای استفاده نوشیدن، غسل، وضو، شست و شو و نظافت از دیگر جانداران بیشتر است و در صورتی که آب، آلوده باشد آثار ناگوار و زیان باری در پی دارد و زندگی را به خطر می اندازد.

آب به همان نسبتی که در تندرستی آدمی و ادامه حیات وی موثر است، هنگامی که آلوده باشد، سلامت و زندگی را به وضع تاسف بار و مرگ آوری دگرگون می کند، چنان که اگر به میکروب و یا نجاستی آلوده گردد ممکن است در مدت کوتاهی، جان صدها نفر یا بیشتر را به مخاطره افکند؛ از



این رو، در این زمان، مردم به ویژه دانشمندان برای پاکیزه بودن و تصفیه آب اهمیت به سزایی قابل اند.^(۱۶)

اسلام بیش از چهارده قرن پیش در میان مردمی که هیچ گونه آگاهی از نظافت، بهداشت و صحت نداشتند، برای پاک نگهداشتن و آلوده نکردن آب و محیط زندگی مقرراتی را وضع و آلوده نمودن آب را به طور اکید ممنوع کرده است. پیامبر اکرم ﷺ از قضای حاجت کردن زیر درخت مثمر و کنار چاه های آب و نهرها که مردم از آب خوش گوار آن استفاده می کنند نهی فرموده است.^(۱۷) هم چنین آن حضرت، از آب دهان انداختن در چاهی که آب آشامیدنی مردم از آن تامین می گردد، منع فرموده است.^(۱۸)

در روایت دیگر آمده است:

(در آب بول نکنید؛ زیرا موجودات زنده ای در آن وجود دارد که با ادرار و غایط نابود می شوند).^(۱۹)

فرموده شده است: (و قضای حاجت نکنید در کنار نهري که آب، در آن جریان دارد؛ زیرا در نهرها ساکنانی از فرشته هستند و آنرا نباید در آب ایستاده، قضای حاجت کرد؛ چون آن را نجس و آلوده می کند و نیازمندان برای نماز یا شرب و غسل از آن برمی دارند و از آن آگهی ندارند).^(۲۰)

در نتیجه دچار ضرر و بیماری می گردند] از این گونه روایات، فهمیده می شود که آب جاری موجوداتی دارد که بر اثر بول و غایط اذیت و نابود می شوند و از ذیل آن، این معنا بر می آید که در آب ایستاده با بول و غایط، بیشتر آلودگی ایجاد می کند؛ چون علت جایز نبودن آلودگی آب را، شرب و استعمال آن دانسته؛ اما علت عدم جواز را در نهر جاری، اذیت شدن ساکنان آب معرفی کرده است و این می رساند که در دستورات متین اسلام جنبه های طبیعی را نیز یادآور شده است؛ بدین معنا که آلوده کردن آب جاری از این

جهت که زیاد است و تحرک دارد و از سوی دیگر بر اثر گرفتن آکسیجن از هوا، تنها موجب مزاحمت و اذیت و نابودی اجزای موجود در آب می گردد که ممکن است پس از چندی بر اثر مبارزه، بر میکروب هایی که از راه مدفوع وارد آب جاری شده اند، غلبه نمایند؛ اما آب را که به سبب کم بودن، تحرک نداشتن و جذب نکردن آکسیجن، توان مبارزه را ندارد؛ در نتیجه، این گونه آب ها موجب بیماری و زیان مصرف کنندگان می گردد.

اهمیت آب تصفیه شده:

چنانچه گفته شد که هر موجود زنده ای به آب نیاز دارد؛ از این رو انسان باید همیشه آب سالم و خالص به اندازه کافی در اختیار داشته باشد. آب به لحاظ فردی برای نوشیدن، پخت و پز، حمام کردن، شستن ظروف و لباس و ... مورد نیاز است.

آب اگر آلوده باشد، موجب بیماری های حصبه، اسهال خونی، وبا و ... می شود؛ اما امروز به علت پیشرفت مهندسی وقایع و نظافت در منابع آب از نظر بهداشتی گستره آن بیماری ها اندک است.

در طبیعت، آبی که از نظر کیمیاوی کاملاً خالص باشد، یافت نمی شود. آب از حیث ترکیب از هایدروجن و آکسیجن تشکیل شده؛ ولی در عمل ممکن است دارای ناخالصی ها و مواد کیمیاوی دیگری هم چون گرد و خاک، میکروب، مواد معدنی و ... باشد. هر شهر و دهی با مشکل تهیه آب کافی و صحت روبه رو است؛ زیرا مهم ترین عامل در تندرستی و صحت مردم، آب سالم می باشد. آب سالم آن است که از میکروب عاری، صاف، بی رنگ، بی بو و طعم آب را داشته باشد.

روش طبیعی تصفیه آب:

آب، پیوسته به وسیله طبیعت تصفیه می شود. در میان آب های طبیعی، آب باران از همه خالص تر است؛ زیرا تبخیر و تراکم، آن را تصفیه می کند. در منابع اسلامی آمده است که:

«آب آسمان را بیاشامید که آن پاک کننده بدن است و جلوی بیماری ها را می گیرد...».^(۲۱)

در روایت دیگر از پیامبر اکرم ﷺ چنین نقل شده است: آب باران را پیش از آن که به زمین برسد می گیرند، سپس در ظرف پاکیزه ای قرار می دهند... می آشامند...^(۲۲)

در این حدیث یادآوری شده که باران پیش از آن که به زمین برسد در ظرف پاکیزه ای قرار داده می شود؛ زیرا ممکن است بر اثر تماس با زمین آلوده گردد.

آبی که از آن استفاده میکنند باید بررسی شود: اگر آب چاه یا قنات باشد، باید از منابع آلوده، دور و از تراوش آب های سطحی محفوظ باشد و گر نه ترشحات این گونه منابع، ممکن است در زمین های مجاور نفوذ کند و آب چاه هایی را که در نزدیکی آن ها قرار دارد، آلوده کند. در روایات به این امر توجه و مقرر شده که میان چاه فاضلاب و چاهی که از آن مصرف می کنند وضو می گیرند، فاصله لازم مراعات شود. در روایتی چنین آمده است که این امر خیلی مهم و قابل تأمل و مذاقه است:

از امام صادق (اباعبدالله) پرسیدم: ... چاهی است مجاور چاه فاضلاب [آیا رواست از آن چاه استفاده کنند؟] فرمود: محل جریان همه چشمه ها از سوی شمال است؛ اگر چاهی که دارای آب تمیز است در طرف شمال و چاه فاضلات پایین تر از آن است در صورتی که چندین زراع میان آنها فاصله باشد، زیان به بهداشت آب نمی رساند [و می توان از آن بهره مند شد].^(۲۳)

از این روایت و امثال آن، برمی آید که در مقررات اسلامی، جنبه های صحتی از لحاظ نفوذ آلودگی های فاضلاب به مخازن آب های مصرفی مورد نظر بوده و به مردم سفارش شده که صحتی بودن آب که برای سلامت نقش ریشه ای دارد، به توجه داشته باشند.



هنگامی که اهل دنیا از نظافت و بهداشت آگاهی نداشت، نبی مکرم اسلام و پیشوایان دینی، مسلمانان را به رعایت این گونه حقایق توصیه نموده اند که مدت ها بعد بشر به آن ها توجه کرده است.

خواهد ماند، ما مسؤولانه عمل نماییم.
پی نوشت ها:

١٧. وسائل ، ج ١، ص ٢٢٩: «يُهَيِّ رَسُولَ اللَّهِ إِنْ يَنْغَوِّطَ الرَّجُلُ عَلَى شَفِيرِ بئرِ ماءٍ يُسْتَعْدَبُ مِنْهَا، أَوْ عَلَى شَفِيرِ نَهْرٍ يُسْتَعْدَبُ مِنْهُ، وَتَحْتَ شَجَرِهِ فِيهَا ثَمَرٌ تَهَا».

په ټولنه کې دښځو په اړه ناوړه دودونه

دوهمه او وروستۍ برخه:

دکتور نورالله صافی

ښځې او د جهیز رسم په عمومي توګه جهیز په دوه ډوله دی:

۱- **استجابي جهیز:** دا جهیز دهغه سازوسامان څخه عبارت دی چې دښځې کورنۍ یې دواړه پروخت دلوړ سره دځواند کورته لېږدوي. جهیز په ښځه کوم حتمي او لازمي کار نه دی، بلکې داد ځواند کورته دخوشحالی دراوړلو یو غوره اسلوب دی. /پیغمبر ﷺ فاطمې رضی الله عنها لپاره هم یوې قطیفې، یوه کټوې، او یو بالښت چې په منځ کې یې سرګړی وو جهیز سره علي ﷺ ته د واده پروخت تیار کړی ؤ.

۲- **واجب اولازمي جهیز:** لکه په کور کې د اړتیا وړ ټول هغه توکي چې په کور کې ورته ضرورت لیدل کیږي لکه تخت، بستره، فرش، ظرفونه، داخلي پخلي لوبښي المارې او هر نور هغه څه چې خلک یې په کور کې لازم بولي. او دکور ضرورتونه ګڼل کیږي. په شریعت کې ددې ډول چمتو کول دښځې دځواند په غاړه دی، دښځې داحق دی چې ځواند ورته په کور کې دضرورت وړ توکي تیار کړي.

داهم جایزه چې ښځه په خپله خوښه دخپل مهر څخه دکور اثاث او وسایل واخلي، اویا پلار خپله لور په ډیر څه ونازوي، او قیمتي جهیز ورته تیار کړي، خو دا په پلار کومه لازمي خبره نه ده. متأسفانه چې دجهیز په اړه دوه ډوله عنعنات موجود دي: اکثره خلک خصوصاً دډیورنډ ډګرښې نه پورې غاړې ته خلکو کې جهیز په ښځه یو لازمي کار دی، او باید هره ښځه له ځانه سره دومره سامان راوړي چې دځواند تشه خونه پرې ډکه شي، او هغه څه چې په ځواند لازم ؤ باید ښځه یې دشته عنعنې له مخې په غاړه واخلي. له دې امله په کومو خلکو کې چې جهیز دعرف او عادت په اساس دښځې وجیبه بولي دهلک او دښځې دکورنیو ترمنځ زیاتې شخړې او اختلافات رامنځ ته کیږي، کله خو خبره دې ته ورسېږي چې دجهیز دنقصان له کبله ښځه بیرته دپلار کورته ولېږدول شي، او کله خبره له دې څخه هم غټه شي او دهلک کورنی هلک خپلې ښځې په طلاق مجبوره کړي.

ددې رسم او دود له مخې خلک هغه ښځه خوښوي چې زیات جهیز ولري، اوکه چېرې دکومې پیغلې پلار او کورنۍ یې وزله وي نو پیغله که هر څومره ښایست ولري بیا هم د ډیر عمر لپاره دپلار په کورناسته وي، او هیڅوک یې پوښتنه هم نه کوي. که څوک یې خطبې ته راځي نو لومړی ورڅخه دجهیز داندازې پوښتنه کوي. له دې امله ځینې پیغلې دپلورونو په کورونو کې زړې شي، او مور اوپلار چې یې دجهیز توان نلري هم ورسره کړیږي او رنځیږي.

یو بل ناوړه رسم هم چې دښځو دموسا ژوندپه وړاندې ځنډ دی، هغه دښځې دمالدارۍ او دمیراث موضوع ده، داناوړه دستور هم په پاکستان او کوزه پوښتونخوا کې موجود دی، که چېرې څوک وغواړي چې ښځه وکړي نو لومړی دې ته گوري چې آیا ددې ښځې پلار مالداره دی او که نه؟ دخطبې څخه دمخه دښځې ایمان حسب اونسب پر ځای دهغې دمال معلومات ترلاسه کوي. یعنې ښځه که هر څرنگه وي خو چې جايداد مال اودولت ولري، او یا یې د پلارجايداد زیات وي، په دې طمع اوتوقع یې بیا کوي چې گویا دپلار په ژوند یا دهغه دمړینې څخه وروسته به دده ښځه خپله برخه میراث کورته راوړي.

هغه څوک چې دمال په غرض دکومې ښځې سره نکاح کوي، او بیا ښځه خپل میراث دپلار دکورنۍ څخه نه غواړي، او یا یې د پلار کورنۍ نه ورکوي دښځې دطلاق لامل کیږي. په افغاني ټولنو کې هم دې ته ورته ناوړه عنعنات شته. دمثال په ډول په کومو ځایونو کې چې لور نه خرڅوي، نوددې پرځای داحسان په توګه دجینې پلار دهلک یا دهلک له کورنۍ ته دقلم په څوکه یوداسې لست ورکړي چې دهغو ملا پرې ماته کړي.

یواځې په دې بسوالۍ نه کوي چې زما لورته به دکور د اړتیا توکي برابرې وي، بلکې ددې څخه دپاسه دجینکو دښې (دنګرېزو شپه) مصارف هم ورباندې وربار کړي. له مالګې څخه آن ترغوښې وریځې، تازه میوه، دموترو کرایه، داخلي پخلی مصارف هم دهلک په غاړه ورواچوي، چې دا ډیر لوی ظلم دی. چې میلمانه ستا وي میلمستیا اوبالنه یې دبل په غاړه وي. ځینې خلک دهلک دکورنۍ څخه دنګرېزو دښې په پلمه دراغلو میلمنو دپالنې یومقدار پیسې اخلي بیا دهغه خوښه ده چې راغلو میلمنوته په کوم کیفیت میلمستیا ورکوي، اوداسې ځوانان هم پیدا کیږي چې دهلک څخه دمصارفو پیسې اخلي او نور ټول په جیب کې اچوي، او څوک ورڅخه دپوښتنې حق هم نه لري.

حال دا چې داهغه حرام مال دی چې دسود څخه کم نه دی.

علامه ابن عابدین شامي رحمه الله لیکي: ومن السحت ما يأخذهُ الصهر من الختن بسبب بنته يطيب نفسه حتى لو كان بطلبه يرجع الختن به.

ژباړه: اودحرام مال له جملې څخه هغه مال هم دی خسريې دزوم څخه دلور له امله اخلي ولوکه زوم یې په رضا هم ورکوي، او که چېرې دخسر په غوښتنه دا کار ترسره شي زوم کولای شي چې دخسر څخه دغه مال او هداياوې واپس واخلي.

امام سرخسي (دسحت) دکلمې په تفسیر کې وايي چې: سحت هغه حرامو ته ته وايي چې دانسان له بیخه تبا ه کوي

اسلام چې داعبدال اوميانه روی، او فضائلو دين دی، نکاح کوونکي ته لادمخه ډیرغوره لارښونه کوي.

پیغمبر ﷺ فرمایي: (تکح المرأة لأربع: لمالها ولحسبها ولجمالها ولدينها فاظفر بذات الدين تربت يداك)

عادتا خلک ښځې دخلوړو خصلتونو په بنا نکاح کوي: یا دمال لپاره، دنسب او حسب په خاطر، دښایست په خاطر، او د دیندارۍ په خاطر، کامیايي ترلاسه کړه ددیندارې ښځې په نکاح کولو سره، که داسې ونه کړل نو لاسونه به دې په خاورو ککړ شي .

که چېرې په ټولنو کې داسې ناوړه دودونه اورسمونه دوام ومومي نو دښځو ژوند به هروخت او هرچیرې دتاوتریخوالي ښکار وي، ترڅو چې دتاوتریخوالي عوامل چې وې ناوړه رسمونه دي له منځه ولاړ نه شي، او شرعي موازين یې ځای ونه نیسي، نو په ټولنه کې نیکبختي رامینځ ته کیدل ناشوني کار دی.

ماخذونه:

۱- مسند أحمد - الرسالة (۲/ ۱۲۱)، شرح السنة - للإمام البغوی متنا وشرحا (۱۴/ ۲۰۱)

۲- الموسوعة الفقهية" (۱۶/ ۱۶۶)، الفقه الإسلامي وأدلته (۱۰/ ۱۲۳)، فتاوی الأزهر (۱/ ۳۲۹)

۳- حاشية ابن عابدین (۶/ ۴۲۴). ۴- المبسوط للرخسي (۲۳/ ۱۳). ۵- شرح النووي علی مسلم (۱۰/ ۵۱)



برنامه پیامبر ﷺ

برای پیشگیری از وقوع خطا

قسمت اول:

فرستنده: عبدالوکیل رؤفی

رسول الله برای کلیه جوانب و امور زندگی، برنامه همه جانبه ای را بنیان نهاد. بسیاری از آنچه را که احتمال داشت در زندگی انسان رخ دهد، پیش بینی و چاره اندیشی کرد. از جایی که زندگی انسان از وقوع خطا خالی نیست، مسیر درستی را ترسیم کرد تا انسان از ارتکاب خطا، (و افتادن در دام) گمراهی، کجروی و پوچی، محفوظ بماند و خود را باز دارد.

در اثر پیروی از روش، منش و آموزه های رسول الله زندگی انسان از چنان امتیاز و آرامشی برخوردار خواهد شد که مانند آن در زندگی دیگران کمیاب خواهد بود محصول این آرامش را می شود در چند بند خلاصه کرد:

۱- (مد نظر داشتن) مراقبت خداوند:

یکی از عوامل بازدارنده از وقوع خطا (مدنظر داشتن) مراقبت خداوند است. در حدیث جبریل رضی الله عنه آمده است که او از پیامبر ﷺ پرسید، احسان چیست؟ پیامبر ﷺ فرمود: احسان، آن است که خداوند را آن گونه پرستش کنی گویا او را می بینی؛ اگر تو او را نمی بینی یقیناً او ترا می بیند. رواه بخاری

از این حدیث چنین بر می آید: مراقبت خداوند به آن معنا است که انسان، اطلاع و یقین مداوم داشته

باشد که خداوند از ظاهر و باطن او مطلع است. گفته اند: کسی که مراقبت خداوند را مد نظر داشته باشد و خداوند را در کردار و رفتارش شاهد بداند، خداوند از او محافظت خواهد کرد. انسان باید (حضور و کنترل) خداوند را همیشه مد نظر قرار دهد و بداند مسلماً خدا او را می نگرد و گفتارش را می شنود. در هر لحظه، هر دم و هر دفعه و در هر بار پلک زدن او را زیر نظر دارد. خداوند فرمود: ﴿يَعْلَمُ خَائِفَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ﴾ غافر: ۱۹ (او خدایی است که) چشمان خیانت پیشه و اسرار درون (خائنان) را می داند.

هر قدر انسان، مراقبت خداوند را مد نظر داشته باشد به همان میزان، خطاهایش کم خواهد شد و جسم و جانش از خشم خدای مهربان در امان و ذهنش از وسوسه های شیطانی، پاک خواهد گشت. این مقامی است که در یکی از توصیه های رسول الله به عبدالله بن عباس رضی الله عنه آمده است او گوید: روزی پشت سر رسول الله بودم فرمود:

ای پسرا مطالبی را به تو می آموزم:

(مراقبت) خداوند را پاس دار تا او ترا حفاظت کند. (فرمان های) خداوند را دریاب، (لطف) او را در مقابلت می یابی.

زمانی که خواسته یی داری، (آنرا) از خداوند بخواه. وقتی که کمک و یاری خواستی از خداوند یاری بخواه و بدان اگر (همه ی آحاد) ملت، متحد شوند تا به تو سودی برسانند، نتوانند مگر آن را که خداوند برایت مقدر کرده است و اگر متحد شوند، به تو آسیبی برسانند، نتوانند مگر همان مقدار که خداوند برایت مقرر داشته است. قلم ها (از نوشتن چیزی جز آن) برداشته و (جوهر آن) بر کاغذ ها، خشک شده است. روایت ترمذی این حدیث، در زمینه ی مراقبت خداوند اصل بزرگ و مهمی است. بر این اساس باید حقوق الله را شناخت و رعایت کرد. به فرمان او تن در داد. بر او توکل کرد و گواهی داد که او یگانه است. به ناتوانی و عجز همه ی مخلوقات و نیازمندی شان به خداوند اقرار و اعتراف کرد.

در اینجا پیامبر ﷺ ما را رهنمایی می کند تا در همه ی رفتار ها و کردار های آشکار و پنهان، خداوند را شاهد و ناظر بدانیم، شکی نیست رعایت این مطلب، انسان را از خطا ها و منطق آشفته و نادرست می رهاند.

مراقبت: یکی از عبادت های قلبی است که انسان را از ارتکاب



خطاها و گناهان محافظت می کند. انس علیه السلام گوید: (شما کارهایی را انجام می دهید که در چشم تان از موی باریکتر (و کم اهمیت تر) است، در حالی که ما در دوره ی پیامبر صلی الله علیه و آله آن را از عوامل هلاکت بر می شمردیم).

ابن بطال گوید: وقتی که خطاهای کوچک ادامه یابند و زیاد شوند به گناه کبیره، تبدیل می شوند. ابو ایوب انصاری گوید:

انسان کار نیکی را انجام می دهد (گاهی) به آن اطمینان می کند (و از انجام آن دلخوش است) و گناهان کوچک را فراموش می کند؛ (در قیامت) درحالی که این نوع گناهان او را فرا گرفته است؛ با خداوند رو برو می شود. همین طور شخص دیگر مرتکب گناه می شود؛ ولی پیوسته از آن بیمناک است تا این که (در قیامت) درحالی با خداوند مواجه می شود که در امان است.

این اشاره است به این که مراقبت یکی از ویژگی های مؤمن است که در اثر آن او در رفتار و کردارش دقت نظر پیدا می کند.

این رهنمود دیگری است که تأکید دارد، مراقبت خداوند از عواملی است که انسان را از خطاها مصون می دارد.

۲- چنگ زدن به رهنمود پیامبر صلی الله علیه و آله:

اقتدا کردن به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله یکی از کار آمد ترین ابزار های مصونیت از خطا است، چون او صلی الله علیه و آله نزد مؤمنان الگو و اسوه ی شایسته و بی بدیل است. هرگاه انسان مسلمان در اخلاقش به پیامبر صلی الله علیه و آله اقتدا کند و در مسیر رهنمود او گام بردارد، به ایده آل، نزدیکتر است و البته این روند به نفع مؤمن بوده و برایش مفیدتر است. خداوند فرمود:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ

حَسَنَةٌ

الأحزاب: ۲۱

((درحقیقت رسول الله برای شما

الگویی شایسته است.))

بنابر این خداوند: پیامبرش را برگزید تا برای همه ی بشریت در گذر تاریخ مایه ی رحمت باشد و نعمت هدایت تقدیم آنان گردد. از ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها پرسیدند، اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله چگونه بود؟ او گفت: اخلاقش قرآن بود. حقیقتاً پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر عملی رهنمود ها و اخلاق قرآنی و تصویر زنده ای بود از پیام های جاودانه ی قرآن.

انس علیه السلام گوید: با پیامبر صلی الله علیه و آله داشتیم می رفتیم. جامه ای نجرانی که حاشیه ی درشتی داشت بر دوش او بود. یک اعرابی به او رسید و جامه را به شدت کشید. من به صافی گردن پیامبر صلی الله علیه و آله نگریستم و اثر حاشیه ی درشت را بر آن مشاهده کردم. (اعرابی) گفت: فرمان بده از مال خداوند که نزد تو است به من بدهند. پیامبر صلی الله علیه و آله به او نگریست و خندید. آنگاه فرمان داد تا هدیه ای به او بدهند. رواه بخاری

این حدیث، بیانگر شکیبایی و بردباری زاید الوصف پیامبر صلی الله علیه و آله است. او تمام آزار های جانی، مالی و دست درازی ها و گستاخی های دیگران را تحمل می کرد تا دلشان را تسخیر کند و آنان را با اسلام آشنا سازد و آنان دعوت او را بپذیرند. این موضع پیامبر صلی الله علیه و آله می آموزد که مربیان و سردمداران با خطای دیگران چگونه رفتار کنند. آری آنان باید به گذشت، چشم پوشی و صبر، مزین باشند و دیگران را به انجام عمل بهتر و برتر وا دارند.

این یکی از منش ها و اخلاقیات پیامبر صلی الله علیه و آله بود. پیامبر صلی الله علیه و آله امتش را آموزش داد تا از ارتکاب خطا بپرهیزند و با خطای دیگران به نرمی و با هدف اصلاح برخورد کنند و بدی را با بدی تلافی نکنند. أم المؤمنین عایشه رضی الله عنها گوید: هیچگاه رسول الله کسی را کتک نزد؛ نه زن و نه خدمتکاری را (نزد) مکر برای جهاد در راه خدا، از هیچ کس هرگز انتقام نگرفت، مگر این که به حرام های

خدا بی حرمتی می شد، در آن صورت برای خشنودی خدا انتقام می گرفت (و فرد خطاکار در برابر فرمان شریعت مجازات می شد. رواه بخاری)

این حدیث (همگان را) تشویق می کند تا به عفو، بردباری و شکیبایی، مزین شوند. آزار ها را تحمل کنند (و خطای) خطاکار را سنجیده و اورا به اندازه ی (خطایش) و برای خدا و دین خدا مؤاخذه و مجازات کنند، نه به قصد تلافی کردن و.... آراسته شدن پیشوایان، قاضیان، سردمداران و مربیان به این اخلاق سترگ و استوار، بسیار پسندیده و مؤثر است. آنان نباید برای خوشی خود انتقام بگیرند و نباید حقوق الله را اهمال یا پایمال کنند.

بررسی و مطالعه ی سیره ی عطر آگین رسول الله و رعایت اخلاق قرآنی، مسلماً به انسان می آموزد که چگونه از خطای دیگران گذشت و چگونه با دیگران رفتار کند.

۳- همنشینی و همراهی شایستگان و صالحان:

همنشینی با شایستگان و همراهی صالحان و گوش فرا دادن به سر گذشت شان، انجام کار خیر و پیروی از نیکان را در جان و دل انسان ها محبوب می گرداند و رونق می بخشد و انسان را بر می انگیزد تا همچون صالحان، مسیر جدیت، تلاش و پشتکار را برای فرمانبرداری از فرمان های خدا دنبال کند؛ زیرا دل ها نیازمند یادآوری و تشویق اند به ویژه در این ایام که خیلی ها برای رسیدن به (آمال و آرزو ها و امتیازات) و امکانات دنیوی له له می زنند.

خداوند از سر حکمت، سرشت انسان را چنین آفریده است؛ انسان به طور طبیعی، به ارتباط و همنشینی با دیگران گرایش دارد. روشن است، یک دوست بر همنشین خویش، اثر مثبت یا منفی می گذارد و از شایستگی و



استقامتش، یا فساد و انحرافش متأثر می گردد. این حقیقتی است که مربی ملت ها آن را مورد توجه قرار داده است. ابو موسی اشعری به نقل از پیامبر ﷺ گوید: ((همنشین نیک و همنشین بد به حمل کننده ی مُشک و دمنده ی دم آهنگری می ماند، حمل کننده ی مُشک یا این که (از مُشکش) به تو می دهد، یا از او خریداری می کنی و یا از بوی خوش او به مشامت می رسد. (اما همراهی) دمنده ی دم آهنگری، یا این که لباست را می سوزاند و یا از بوی بد او به مشامت می رسد.)) رواه بخاری

آری پیامبر ﷺ همنشین نیک را به حمل کننده ی مُشک تشبیه کرده است، پس اگر او را همراهی کنی، ناگزیر یکی از سه پیامد زیر نصیبت خواهد شد:

- ۱- یا این که از مُشکش به تو می دهد.
- ۲- یا از او خریداری می کنی!
- ۳- یا این که حداقل از بوی خوش و دلپذیر او لذت میبری، از آن به دست و لباست می مالی.

همنشینی با آدم نیک چنین است، ناگزیر انسان از او استفاده می کند و همراهی او مفید خواهد بود. دانش، پاکی، جوانمردی و سایر اخلاق پسندیده و آداب ارزشمند را از او می آموزد، به زبان دیگر؛ همنشینی نیکان و نخبگان، انسان را از بدی، شرارت و سخنان زشت باز می دارد. این هم حدیث ابوهریره ؓ که رسول الله فرمود: (مؤمن، آئینه ی مؤمن است. مؤمن برادر مؤمن (دیگر) است و گمشده اش را برایش نگه می دارد و پشت سرش از او مواظبت می کند.) رواه بخاری

بنابر این وقتی که انسان مؤمن، عیبی را در برادرش مشاهده کند، در پی اصلاحش بر می آید و از او مراقبت می کند، برایش دل می سوزاند و نمی گذارد برادرش شکار هوس شیطان

شود، علت آن است که انسان گاهی عیوب خود را نمی بیند و این یک امر فطری است، به همین دلیل، رهنمود نبوی ﷺ مقرر می دارد که مسلمان، آئینه ی مسلمان است. از او مراقبت و محافظت می کند. به او تذکر می دهد و برایش دل می سوزاند.

همنشین نیک، عیوب ترا بهتر از خودت می بیند و نقاط ضعف ترا به تو تذکر می دهد.

حسن بصری گوید:

«مؤمن آئینه ی برادرش هست. اگر در اور فتار ناپسندی را مشاهده کند، در پی اصلاحش بر می آید و آن را افشا نمی کند.»

همنشین نیک، خطاهای رفتاری و عادت های نادرست ترا به تو گوش زد می کند و ترا به انجام کار های شایسته هدایت و تشویق می کند چنان که ترا از بدی ها و زشتی ها برحذر می دارد.

۴- کم و سنجیده سخن گفتن:

اگر زبان انسان در کنترلش نباشد، او را به هلاکت می رساند، بنابر این سنجیده سخن گفتن، یکی از عوامل اساسی حفاظت انسان از لغزش ها و خطا ها است. خداوند ما را به حفاظت و کنترل اندام های مان فرمان داده و پیامبر مان ما را از ثمرات (بد) زبان، برحذر داشته است. خداوند فرمود:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولٌ﴾
الإسراء: ۳۶

«چیزی را که از آن اطلاع دقیق نداری، دنبال مکن. مسلماً هر یک از (اعمال) گوش و چشم و دل مورد بازخواست قرار می گیرد.»

این آیه، انسان را از این منع کرده است که ناآگاهانه یا برپایه ی گمان، سخن بگوید. گمان هم از توهم و خیال نشأت گرفته و سخن با آن بی بنیاد است؛ زیرا هر یکی از این حواس؛

گوش، چشم و قلب بنده در قیامت، مورد بازخواست قرار می گیرد. اساساً هر یک از اندام ها در مورد کردار ویژه اش مورد پرسش قرار می گیرد. خداوند فرمود:

﴿مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾
ق: ۱۸

هیچ سخنی را نمی گوید، مگر این که (دو فرشته ی) مراقب و آماده در کنارش هست (ویکی خوبی ها و دیگری زشتی ها را ثبت می کند).

خداوند به ما خبر داده است که آدمیزاد هیچ سخنی را نمی گوید مگر این که فرشته ی همراهش آن را ثبت و ضبط می کند. فرشته، هر آن همراهش است، او را می باید و گفته ها و کردارهایش را می نویسد و هیچ یک را فرو نمی گذارد و رها نمی کند. خداوند فرمود:

﴿وَلَا عَلَىكُمْ لِحْظُونَ كِرَامًا كُنُيْنَ يَعْمُرُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾
الانفطار: ۱۰-۱۲

«مسلماً پاسبانی را بر شما گماشته ایم که بزرگمنش و نویسنده اند و عملکردتان را می دانند.»

مسلماً انسان مسلمان باید زبانش را از غیبت، سخن چینی، دروغ و (کاربرد واژه های) تمسخر آمیز باز دارد و جز کلامی که مصلحت و خیر است بر زبان نراند. ابوهریره ؓ گوید، پیامبر ﷺ فرمود: کسی که به خداوند و روز قیامت ایمان دارد، باید سخن نیک بگوید یا سکوت کند. رواه بخاری

ادامه دارد...

اقتباس از کتاب: (پیامبر ﷺ و شیوه اصلاح خطاها ص ۷۱)





کارکردها و گزارش ها

خبرنگار: حاجی توکل بخشی

معرفی عبدالحکیم منیب به حیث سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف

سه شنبه مورخ ۹ دلو سال جاری محفلی به مناسبت معرفی مولوی عبدالحکیم منیب به سمت سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف در صحن وزارت برگزار گردید این محفل که باحضور داشت جلالتمآب محمد سرور دانش معاون مقام عالی ریاست جمهوری برخی از اعضای کابینه و شورای ملی، علمای کرام، امامان مساجد، استادان پوهنتونها و مدارس دینی، کارمندان و هیأت رهبری وزارت دایر گردیده بود با تلاوت آیات چند کلام الله مجید آغاز گردید.

سپس حکم تقرر محترم سرپرست وزیر توسط ویس هدایت معاون منابع و اداره ریاست عمومی دفتر مقام عالی ریاست جمهوری اسلامی افغانستان قرائت گردید.

متعاقباً استاد سرور دانش ضمن تبریکی به مولوی عبدالحکیم منیب سرپرست وزارت ارشاد، حج و اوقاف علمای کرام و کارکنان این وزارت با تمجید از کارکردهای وزیر پیشین گفتند: وزارت ارشاد، حج و اوقاف با ظرفیت های وسیع در عرصه های مهم فردی، اجتماعی و آرایه خدمات دینی و ارشادی مردم متدین افغانستان رامدیریت می کند.

همچنان افزودند: مقامات عالی دولت حاضر به هرگونه همکاری لازم در راستای تحقق شعار اسلامی کما فی السابق با رهبری وزارت استند.

در فرجام مولوی عبدالحکیم منیب سرپرست وزیر ارشاد، حج و اوقاف ضمن قدردانی از کارکردهای وزیر سابقه، گفتند: از اعتماد جلالتمآب رئیس جمهوری اسلامی افغانستان ابراز امتنان می نمایم که مرا به عنوان خدمت گذار علمای کشور توظیف نموده اند.

گزارش ریاست تدریب ائمه

در بخش اشتراک جلسات

طبق هدایت مقام محترم وزارت، اشتراک رئیس تعلیمات دینی و تدریب ائمه در برنامه یک روزه که از طرف موسسه محترم مجماد در رابطه به وضعیت زنان در هوتل صافی لاندمارک دایر گردیده بود، به نمایندگی از وزارت پیرامون موضوع طرح هایی را ارائه داشته است.

به منظور فعال سازی و سهم دادن به رهبران دینی به خصوص امامان، خطبای مساجد و استادان مدارس دینی سیمیناری تحت عنوان اسلام و تنظیم خانواده/ فاصله دهی میان ولادت ها به همکاری دفتر (UNFPA) با اشتراک تعداد (۶۰) تن از ائمه مساجد و استادان مدارس دینی خصوصی ولایات ننگرهار، لغمان و کنر ها در شهر کابل دایر و آموزش های اساسی دیده اند.

در بخش امتحانات محصلین انستیتوت تدریب ائمه

پروسه امتحان سمسستر اول محصلین انستیتوت تدریب ائمه به تاریخ ۱۳۹۷/۸/۵ موفقانه به پایان رسید.

اشتراک آمرین و مدیران عمومی در جلسه هفته وار اداری و گزارش گیری از ترینران مؤسسه آفرین.

در بخش کورس زبان عربی برای کارمندان وزارت

راه اندازی دور چهارم آموزش زبان عربی برای کارمندان وزارت.

ارزیابی و امتحان فارغین مدارس

اخذ امتحان فاینل (۲۱۰) تن از فارغین از بخش مختلف علوم دینی مدرسه انائیه ارشاد القرآن.

اخذ امتحان فاینل (۸۲) تن از فارغین از بخش های ناظره سیرت النبی وفقه ابتدائی مدرسه انائیه ام هانی.



گزارش ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت بلخ

مدیریت عمومی اوقاف و عشروزیات ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت بلخ توانسته است که در برج عقرب سال مالی ۱۳۹۷ برویت ((۸۴)) قطعه کاپی آویز بانکی که جمعاً مبلغ (۳۰۴۰۴۹۵) افغانی عواید ملکیت های اوقافی مارکیت لیلای فروشی - کارته آریانا، کانتینر بالای قبرستان یلمرب و ولسوالی دولت آباد را بدست آورده که توسط مستاجرین تحویل بانک و به مرکز انتقال گردید.

گزارش ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت کندز

- ۱- همکاری با ریاست محترم امنیت ملی، قومندانی امنیه، حقوق بشر، صحت عامه، امور زنان، محیط زیست و مبارزه علیه مواد مخدر، فساد اداری و اخلاقی و ریاست کار امور اجتماعی از طریق علمای کرام.
- ۲- پیگیری دوسیه های اوقافی در قضایای دولت و محاکم و مراقبت از اموال اوقافی، تشخیص اموال اوقافی و ثبت اموال اوقافی در دفاتر و جمع آوری عواید اوقافی و عشر و زکات و تحویلی آن به حساب اوقاف در د افغانستان بانک.
- ۳- دایر نمودن میز گردها و اشتراک در تلویزیون های محلی کندز و رادیو ها در ارتباط موضوعات مهم دینی، اخلاقی، صلح امنیت و غیره.

مشخصات برنامه ها:

- ۱- پیشرفت ۱۰۰٪ (فیصد) کار مسجد حضرت سلمان فارسی واقع تپه چهل دختران شهر کندز که مبلغ (۳۳۰۱۹۴۰) افغانی از بودجه انکشافی وزارت محترم جلیله ارشاد، حج و اوقاف قرار داد گردیده بود به بهره برداری سپرده شد.
- ۲- ادامه ترمیم کار (۱۷) محراب مسجد که از بودجه وزارت محترم جلیله ارشاد، حج و اوقاف منظور گردیده ادامه دارد.
- ۳- عقد قرارداد و شروع کار یک محراب مسجد شریف عبدالرحمن بن عوف گذر حاجی سلطان محمد ولسوالی امام صاحب که از بودجه انکشافی وزارت محترم به مبلغ (۴۶۵۱۸۱۲) افغانی اعمار می گردد.
- ۴- عقد قرارداد و شروع کار یک محراب مسجد شریف قریه خلزائی ولسوالی چهاردره که از بودجه انکشافی وزارت محترم به مبلغ (۶۸۲۷۷۵۵) افغانی اعمار می گردد.
- ۵- عقد قرارداد و شروع کار یک محراب مسجد شریف دوبندی ولسوالی چهاردره که از بودجه انکشافی وزارت محترم به مبلغ (۷۳۹۴۸۷۰) افغانی اعمار می گردد.
- ۶- عقد قرارداد و شروع کار یک محراب مسجد شریف عبدالله بن مسعود قریه کوترمه ولسوالی حضرت امام صاحب که از بودجه انکشافی وزارت محترم به مبلغ (۹۲۳۲۹۲۶) افغانی اعمار می گردد.
- ۷- جمع آوری مبلغ (۳۲۸۵۰) افغانی عواید اوقاف و تحویلی آن به حساب اوقاف د افغانستان بانک.
- ۸- سعی و تلاش در رابطه به جلب و جذب موسسات خیریه برای همکاری با مدارس خصوصی صورت گرفته است.
- ۹- معرفی علمای کرام در میز گرد رادیو روشنی، زهره و رادیو چراغ جهت صحبت همه جانبه از دیدگاه اسلام در مورد سیرت حضرت محمد (ص)، حقوق والدین، فضیلت علم، نفقه زنان، صلح و امنیت، وحدت و یک پارچه گی، حرام بودن سود صورت گرفته است.
- ۱۰- صحبت از طریق منابر مساجد جامع شهر در رابطه به ازدواج های اجباری، اهمیت و ترویج فرهنگ اعتدال، جایگاه معلم برای پرورش نسل آینده کشور و معارف، قباحات اختناف و قاچاق انسان و سوء استفاده از اطفال صحبت صورت گرفته است.

افتتاح کار مسجد شریف نمونوی ولایت کندز و تعیین جهت قبله آن:

تهداب گذاری و تعیین جهت قبله مسجد شریف نمونوی به طول چهل متر و عرض سی متر به مساحت چهار جریب زمین در سه منزل، منار و وضوخانه های عصری به حضور داشت مقام محترم ولایت، رئیس ارشاد، حج و اوقاف، رئیس انکشاف شهری، علمای کرام و دیگر اراکین دولتی این ولایت گذاشته شد. ابتداء محفل با تلاوت قرآن کریم توسط مولوی جمال الدین یک تن از خطباء شهر آغاز بعداً رئیس ارشاد، حج و اوقاف روی نقش مساجد در اصلاح جامعه صحبت عالمانه نموده افزودند: (جای نهایت خوشی است که امروز سنگ تهداب یک محراب مسجد بزرگ را در این ولایت میگذاریم مهمترین وظیفه ما مسلمانان اینست که در مورد ترویج فرهنگ و تمدن اسلامی منجمله مساجد، مدارس تلاش همه جانبه نمایم، بدین منظور رهبری مقام محترم ولایت کندز بنابر مسولیتی که در جامعه دارند تصمیم اتخاذ نمودند تا با هماهنگی مقامات ذیصلاح از بودجه انکشافی دولت جمهوری اسلامی افغانستان این مسجد را با شرکت ساختمانی بنایی در طی شش ماه اعمار و به بهره برداری سپرده شود. بعداً محترم والی ولایت کندز وعده ای همکاری را در عرصه های کمبودی مسجد، منجمله اعمار خانه برای امام مسجد و همچنان به ریاست شهر سازی هدایت دادند تا مطابق نقشه و دیزاین منظور شده با شرکت ساختمانی فوق هماهنگی نمایند، محفل با دعایه توسط مولوی عبدالحمید خطیب یکی از مساجد شهر خاتمه یافت.



گزارش ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت بامیان

آمریت ارشاد:

- اشتراک به ورکشاپ تحت عنوان توضیحات مختصر احکام قانون اجرای ادارات.
- در بخش موضوعات خاص نماز جمعه: در هفده مرکزیت نماز جمعه درباره حرام بودن قتل و کشتار انسان های بی گناه، حرام بودن فساد اخلاقی و اداری مقام شامخ و فضیلت معلم، ارزش علم و دانش.
- در بخش گزارش دهی: جدول گزارش دهی از پیشرفت کار ترمیم (۵) محراب مسجد که عبارت از : مسجد حضرت مهدی مرکز بامیان، مسجد بابا شیخ دوآب، میخزین ولسوالی کهمرد، مسجد جواد الائمه، حلوا قول و مسجد دره علی ولسوالی یکه ولنگ و مسجد فاطمة الزهرا شهرنو ولسوالی ورس ترتیب و از پیشرفت ۳۰٪ کار آن به مرکز کتباً گزارش داده شد.
- برآورد شش محراب مسجد در ولسوالی شیبیر.
- برآورد یک محراب مسجد در مرکز ولایت.
- انتقال سوانح (۶۵) تن از علمای رسمی امان مساجد.
- در بخش مطبوعات: در رادیو تلویزیون ملی بامیان و به رادیو صدای بامیان مدیر عمومی مساجد محترم حاجی نصرالله بلاغی درباره اهمیت انتخابات و حضور پر رنگ مردم در روز انتخابات اظهار نظر نمودند.

مدیریت اوقاف:

- اشتراک به ورکشاپ تحت عنوان حقوق اطفال در موسسه CPAN.
- دایر نمودن جلسه با امامان مساجد راجع به توزیع عشر و زکات برای مستحقین قریه جات.
- لیست نمودن مستحقین به دفتر عشر و زکات.
- بازدید از مقررهای مورد نظر از جمله مزار سید هاشم آغا.

د ننگرهار ولایت د ارشاد، حج او اوقافو ریاست راپور

د اطلاعاتو او عامه اړیکو مدیریت په برخه کې:

- د عقرب میاشتی په دریمه نیټه د جلال آباد ښار تبلیغی مرکز کې کلفی اجتماع شروع شوه چې د افغانستان د مختلفو ولایاتو څخه پکې دری سوه زره کسانو گډون کړی وو دری ورځې جاری وه چه ددعا په ورځ د ننگرهار والی حیات الله حیات هم تشریف راوړی وو او د افغانستان د تبلیغ امیر خان زمان صاحب ټول امت او خصوصاً افغانستان ته پکې ډیره په زړه پوری دعا وکړه او اجتماع د یکشنبې په ورځ پای ته ورسیده.
- د عقرب میاشتی په دریمه نیټه د ارشاد، حج او اوقافو ریاست اړوند علمای کرامو ملا امامانو خطیبانو نویټی غونډه د قرانکریم په څو آیاتونو سره پیل او پرانستی وینا د حج او اوقافو رییس قاری محمد داود مجاهد وکړه ټولو علمای کرامو ته ښه راغلاست وویل او په انتخاباتو کې د گډون مننه تری وکړه چې ټول ننگرهاریان یې هڅولی وو او انتخابات په ښه توگه سرته ورسیدل. د مساجدو مدیریت لخوا د ټولی میاشتی څلور خطبی هم ورته تقسیم شوی غونډه د مولوی نعمت الله په دعا سره پای ته ورسیده.
- د عقرب میاشتی په نهمه نیټه د اوقافو ریاست اړوند (۲۰۰) تنه علماء کرامو په دوه ورځینې ورکشاپ کې برخه اخیستی وه کوم چې د صحت عامی ریاست کتلوی معافیت آمریت لخوا او د یونسف ادارې په مالی مرسته جوړ شوی وو د نهه قسمه واکسین په باره کې علماؤ ته ترېننگ ورکړل شو.

- د عقرب میاشتی په څوارلسمه نیټه د پولیو واکسین د افتتاح په غونډه کې د اطلاعاتو او عامه اړیکو مدیر ډیوه رادیو، ننگرهار ملی رادیو تلویزیون، شرق رادیو تلویزیون، شمشاد رادیو تلویزیون او طلوع تلویزیون سره د پولیو واکسین په هکله مرکه وکړه.

- د عقرب میاشتی په شلمه نیټه د جلال آباد ښار ټولی کتاب خانې د اطلاعاتو او عامه اړیکو مدیر او یو هییت لخوا چک او کنترول شوی.

د احتساب عمومی مدیریت په برخه کې:

- د ۱۳۹۷ کال د عقرب میاشتی په ۱۴ مه نیټه د اخلاقی مفاسدو اصلاحی کمیسیون د پخوا په شان چې په ترکیب کې یې گڼ شمیر ادارې دی او په دی ورځ د امنیتي قومندانۍ، د کار امور اجتماعی، او استناف استازی پکې موجود وو د احتساب عمومی مدیریت په مشرۍ د بیرنی ناستی څخه ورسته د بنګریوالانو کوڅی هغه دوکانونه چې مبتدل عکسونه په کې خرڅیدل له خرڅیدنه ئې ددغه مدیریت له خوا بندیزونه وشوه.
- د عقرب میاشتی په اتمه نیټه د بی بی زینب عالی لیسه کې د لاس پرېمنځلو نړیواله ورځ برخه واخیسته او دلاس منځلو د سنت طریقی سره د غونډې گډونوالو ته بیان وشو.
- د عقرب میاشتی په نهمه نیټه موبه سپینه مانی کې هغه ورکشاپ کې گډون وکړ چې د پولیو واکسین تطبیق په رابطه دایر شوی وو.



د مساجدو عمومي مدیریت په برخه کې:

- د میزان میاشتی په ۸ مه نیټه د بهسود ولسوالۍ د حاجی سحرگل په نامه مسجد افتتاح ترسره شوه.
- د عقرب میاشت کې ۲۰۰ تنه علمای کرامو ته د واکسین تطبیق په خاطر ترینګ ورکړل شوی.
- د عقرب په ۲۵ نیټه علماؤ د صلی په اړه جوړ شوي مجلس کې ۱۰۰ تنه علمای کرامو کېدون کړی وو.

د اوقافو عمومي مدیریت په برخه کې:

د عقرب په میاشت کې (۸۳۵۰۶۷) عواید د افغانستان بانک ته انتقال شوی او د اوقافو په حساب کې شامل شوی دی.

گزارش ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت کاپیسا

۱- در مجلس یوناما که راجع به خشونت های روانی علیه زن که در ریاست محترم امور زنان دایر شده بود اشتراک نموده و در رابطه به زندگی فامیلی رفتار و سلوک نیک و خشونت های روانی صحبت نموده و برای مشترکین معلومات ارایه نموده است.

۲- مدیریت اطلاعات و ارتباط عامه و مدیر ارشاد دعوت روز های دوشنبه در ماه چهار مرتبه در شفاخانه (۵۰) بستر تداوی معتادین مواد مخدر ولایت کاپیسا جهت توصیه های دینی حضور یافته که راجع به مضرت استفاده مواد مخدر به اساس آیه های قرآن کریم و احادیث نبوی (ص) برای مریضان مصاب به اعتیاد مطابق حال آنها توصیه صورت گرفته است.

۳- مدیریت اطلاعات عامه در ماه یک مرتبه به لزوم دید ریاست محترم مربوطه در جلسه سکتوری ریاست صحت عامه ولایت کاپیسا و در جلسه مردمی شفاخانه ولایتی شهید عبدالصبور (فرید) اشتراک نموده در رابطه به خدمت به جامعه و اجرای وظایف محوله صحبت نموده است.

۴- مدیریت اطلاعات و ارتباط عامه در تاریخ ۳۰ عقرب مصاحبه نیم ساعته با خبرنگاران رادیوی بیان و رسالت در رابطه به انتحاری که در هوتل اورانوس شب چهارشنبه صورت گرفت صحبت دینی نموده و بعداً به سوالات ژورنالستان در مورد انتحار جواب ارایه نمود پاسخ داده است.

گزارش ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت نیمروز

۱- اشتراک در جلسه ماهوار کمیسیون منع خشونت علیه زنان و فیصله ۳ قضیه در این راستا.

۲- برگزاری جلسه هفته وار خطباء و امامان رسمی مساجد جامع مرکز و ولسوالیها.

۳- اشتراک نماینده ریاست در جلسات هفته وار کمیسیون مبارزه با فساد اداری تحت ریاست مقام محترم ولایت نیمروز.

۴- اشتراک ۲۰ تن از علمای کرام در کنفرانس تجلیل از روز بین المللی یاد بود از قربانیان تروریسم و محکومیت حملات تروریستی.

۵- اشتراک در جلسات آمریت جندر، کمیته سواد آموزی و تجلیل از هفته سره میاشت.

۶- اشتراک در جلسه کمیته انسجام و هماهنگی دفتر ندای زن جهت حل و فصل قضایای راجع شده به این دفتر.

۷- اشتراک رئیس ارشاد، حج و اوقاف و جمعی از علمای کرام در جلسه پشتیبانی علماء و سران اقوام از پروسه انتخابات و تشویق مردم به اشتراک در این پروسه ملی.

۸- برگزاری سیمینار آموزش ارزیابی برای ۳۴ تن از امامان رسمی مساجد.

۹- اشتراک ۲۰ تن از علمای کرام در جلسه تقدیر از نیروهای امنیتی و دفاعی کشور و تشویق مردم به حمایت و پشتیبانی از نیروهای امنیتی.

۱۰- برگزاری جلسه میلاد نبوی با حضور مقام محترم ولایت روئسای ارگانهای ملکی و نظامی و جمع کثیری از علمای کرام.

گزارش ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت هرات

ترتیب پلانهای تبلیغی هر هفته توسط مدیریت اطلاعات و ارتباط عامه برای خطبای کرام و ارسال نقل آن به تلویزیون ملی جهت نشر:

پیرامون اهمیت ادای صلّه رحم که یک وجیبه شرعی بوده و ایجاد محبت بین خانواده ها و جامعه اسلامی میگردد.

تدویر محافل، جلسات بمناسبتهای مختلف و اشتراک مدیریت اطلاعات و ارتباط عامه در جلسات، محافل و سیمینار های که از طرف نهادهای دولتی و غیر دولتی دائر گردیده است:

۱- اشتراک در جلسه کمیته ولایتی به سرپرستی معاونیت ولایت راجع به تطبیق واکسین در ولسوالی شنندند و در مناطق بیجا شده گان والسوالی انجیل و همکاری ارگانهای زیربط در بخش صحت، آگاهی دهی از طریق مساجد و منابر برای والدین و اولیای اطفال توسط علمای کرام و همکاری در موارد ممانعت از واکسین اطفال در مناطق نواحی شهر.

۲- جلسات هفته وار خطباء و امامان مساجد و تکایا در ماه عقرب طی چهار نوبت به روزهای پنجشنبه دائر گردید. محترم آقای شیرزادی رئیس ارشاد حج و اوقاف پیرامون صلح و امنیت، اضرار و عواقب مواد مخدر، جلوگیری از مصارفات گزاف در مراسم های مختلف عروسی در شرایط فقر و بیکاری جامعه، صحبت همه جانبه نمود.



۲- همایش بزرگی بمناسبت سالروز میلاد پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد(ص) در مسجد جامع هرات از طرف این ریاست برگزار گردیده صدها نفر از هم شهریان محترم از اқشار جامعه اشتراک نمودند بشمول اراکین دولتی معاون مقام ولایت، علمای کرام مدارس دینی دارالحفاظها: محترم شیرزادی پیرامون میلاد النبی(ص) و پیروی از سیره حسنه ایشان صحبت همه جانبه نمودند.

صحبت از طریق رسانه های صوتی و تصویری:

- ۱- اشتراک در میزگرد در تلویزیون ملی راجع به انتخابات، چگونگی شرکت مردم در این پروسه و قدر دانی از فداکاری نیروهای امنیتی در روز های انتخابات علی الرغم تهدیدات که وجود داشت.
- ۲- مصاحبه همراه چندین رادیو و تلویزیون راجع به محکوم نمودن حملات انتحاری و تروریستی و جلب همکاری مردم همراه نیروهای امنیتی.

ورکشاپها:

- ۱- اشتراک در ورکشاپ دو روزه اویک در ولسوالی انجیل که برای قریه داران، متنفذین جوانان و علمای کرام برگزار گردیده بود بحث حقوق و جایگاه زنان از دیدگاه دین مقدس اسلام و قانون ملی و بین الملل، مبارزه با خشونت های فامیلی اضرار و عواقب خشونت، موضوعات توسط مدیریت اطلاعات پیش برده شده به هماهنگی ریاست امور زنان و تمویل دفتر اویک.
- ۲- اشتراک در ورکشاپ دو روزه از طرف شبکه زنان برای دو ولسوالی انجیل و گزره برای هر ولسوالی یک روز از هر ولسوالی ۲۰ نفر موضوع بحث راجع به افراط و تفریط، حل منازعه، و کاهش خشونت توسط این مدیریت پیش برده شد.

در بخش مدیریت های اوقاف، مساجد، خرقة مبارک:

- ۱- در بخش مساجد اخذ امتحان تحریری و تقریری از (۳۰۰) نفر خطباء و امامان محترم شهر و ولسوالیها صورت گرفت.
- ۲- در بخش اوقاف: عوائد مبلغ (۱۳۲۷۴۷۵) افغانی و به تعداد چهل و چهار جلد دوسیه زمینهای غصبی ولایت هرات به ریاست محترم عدلیه فرستاده شده که تحت دوران محاکم قرار دارد.
- ۳- در بخش خرقة مبارکه جمع آوری عوائد از بابت پنج ماه سال جاری از شش صندوق اعانه مزارات مبلغ (۴۰۰۷۰) افغانی.

د زابل ولایت د ارشاد، حج او اوقافو ریاست راپور

د ارشاد او مساجدو په برخه:

- د ولایت د مقام په هدایت د جنرال رازق فاتحه په عیدگاه جامع مسجدکې د(۴۵) تنو ملاامانو په کپون واخیستل شوه.
- د سولې د عالی شورا لخوا غونډه جوړه شوی وه چې په کې(۳۰) تنو علمای کرامو کپون درلود.

د حج او زیارت په برخه کې:

هغه حجاج کرام چې په ۱۳۹۷ مالی کال کې یې سفر درلود ټول ډیټابیس کول او نوی سیستم ته داخلول.

د اوقافو عمومی مدیریت په برخه کې:

- د اوقافی جایدادونه د قرارداد لپاره اعلان واستول شو.
- د اوقافی جایدادونو د دوسیو په اړه لازم اجراء تر سره شوی دی.

د اطلاعاتو او اړیکو عمومی مدیریت په برخه کې:

د سولې شورا په غونډه کې کپون کول چې د سولې په اړه د علمای کرامو مشورتې بورډ جوړولو تر عنوان لاندې ترسره شو.

د دینی تعلیمات او تدریس ائمه مدیریت په برخه کې:

د زابل ولایت د عامی روغتیا په ریاست کې د حج او اوقافو د ریاست نماینده په غونډه کې کپون وکړ.

د احتساب عمومی مدیریت په برخه کې:

- د چاپیریال ساتنې ریاست د پیشنهاد په اساس د زابل ولایت د ارشاد، حج او اوقافو ریاست د هدایت سره سم خپل ماحول نظافت مراعات کړل شو.
- د سولې شورا لخواه تقریباً(۴۰۰) جلدو کتابونه د ریاست مقام ته سپارل او هدایت سره سم د احتساب عمومی مدیریت یې د توزیع چارې پیل اوله هم جریان لري.
- د خطبو جدول ترتیب او جامع مسجد ته لیږل.
- د ښکلا راډیو سره مرکې کول او د ښځو اهمیت په ټولنه کې بیانول.

د میدان وردگ ولایت د ارشاد، حج او اوقافو ریاست راپور

د ملاامانو د میاشتنی غونډې راپور:

د ۱۳۹۷ کال د لیندۍ د میاشتی په لسمه نیټه د ارشاد، حج او اوقافو د ریاست په جومات کې د ملاامانو غونډه د قرآن عظیم الشان د څو مبارکو آیاتونو په تلاوت سره د قاری شاه محمد له خوا پیل شوه وروسته د ارشاد، حج او اوقافو محترم ریس رحیم الله(رحمتی) کډونوالو ته افتتاحیه وینا وکړه، ده وویل چې علماء د انبیاو ورته دی او دعلمو مسؤولیت تربل هر چا زیات دی ځکه چې د ارشاد او



دعوت دنده په غاړه لری همدا راز نوموړی وویل چې زموږ په گران هیواد افغانستان کې له کلونو را پدی خوا کورنی جگړی روانی دی چې هیڅ وړونکی نه لری نو غوره به دا وی چې نور جگړو ته د پای ټکی کیږدو او په خپلو مینځونو کې صلحه او وروړولی را مینځ ته کړو تر څو زموږ هیواد ددی ناوړه او بیهوده جگړو څخه خلاص شی همدارنگه محترم رئیس د ښځو او اطفالو د حقوقو په اړه خبری وکړی او د ملاامامانو څخه یې وغوښتل تر څو د خپلو دمساجدو منابرو له لیاری ددوی حقوق بیان کړی. وروسته محترم امان الله (عطایي) د ارشاد او مساجدو آمر د غونډی کېدون والو ته لنډی خبری واورولی او ملاامامان یې وهڅول ترڅو خپله مقدسه دنده چې د محمدی شریعت د احکامو بیانول دی په کامل او پوره اخلاص سره ادا کړی او د خپلو کړنو او فعالیت مختصر گزارش په راتلونکی جلسه کې د خانه سره ولری. همدارنگه ده د ملاامامانو څخه یې وغوښتل تر څو د ۱۳۹۸ کال لپاره خپل کاری پلان چمتو او مونږ د هغی په بناء خپلی کړنی ترسره کړو. د غونډی په ترڅ کې د اطلاعاتو او عامه اړیکو مدیر د غونډی کېدون والو ته وینا وکړه او د ملاامامانو څخه یې وغوښتل ترڅو هغه موضوعات چې د ارشاد او مساجدو د امریت د احتساب مدیریت د تعلیمات اسلامی او تدریب ائمه د مدیریت او اطلاعاتو او عامه اړیکو د مدیریت له خوا چمتو شوی وو او ملاامامانو ته توزیع شول د خپلو جوماتونو د منابرو له لپاری یې د میدان وردگو ولایت د شریف ولس غوړونو ته ورسوی د غونډی په پای کې محترم عزیز الرحمن (صدیقی) د علماو و په استازیتوب لنډی خبری وکړی او ژمنه یې وکړه کوم موضوعات چې دوی ته سیارل شوی په پوره اخلاص او صداقت به یې بیان کړی تر څو زموږ غیوره ولس تری مستفید شی.

د یو ورځنی ورکشاپ لنډگزارش:

د ۱۳۹۷ کال لیندی د میاشتی په ۱۳ نیټه د معارف ریاست په تعمیر د سوبډن کمیټی اړوند دفتر کېنې (۴۰) تنو ملاامامانو ته یوه ورځنی ورکشاپ چې د ښځو پروړندای د تاوتریخوالی د مخنیوی او ښځو د حقوقو په اړه د سوبډن کمیټی په مالی لگښت او د ارشاد، حج او اوقافو د ریاست مقام په هلوځلو او دارشاد او مساجدو د امریت او اطلاعاتو او عامه اړیکو د مدیریت لخوا یې تخنیکي چاری پرمخ وړل کیدی دایر شو ورکشاپ د قرآن عظیم الشان د څو مبارکو آیتونو پرلوستلو سره پیل شو وروسته د ارشاد، حج او اوقافو محترم ریس رحیم الله (رحمتی) ملاامامانو ښه راغلاست ووايه او زیاته یې کړه کوم مسایل چې د تاسی سره دښځو د حقوقو په اړه پدی یو ورځنی ورکشاپ کېنې شریک کیږی هغه د خپلو جوماتونو له لاری خپلو مقتدیانو او د محل وگړو ته ورسوی ترڅو د عامه پوهاوی کچه لوړه شی او وکولای شو د ښځو پروړندای د تاوتریخوالی په کمولو کېنې خپل رول ادا کړو. همداشان د ارشاد او مساجدو امر محترم امان الله (عطایي) او اطلاعاتو او عامه اړیکو مدیر محمد همایون (رایف) د ورکشاپ کېدونوالو سره خپل معلومات شریک کړل او هغه مطالب چې په ورکشاپ کېنې پری بحث وشو ملاامامانو ته توزیع شول ترڅو یې د خپلو جوماتونو د منابرو له لاری عامه وگړو ته بیان کړی همداراز د احتساب مدیر محترم محمد الله او د تعلیمات اسلامی او تدریب ایمه مدیر صفت الله (صالحی) هم د خپلو اړونده مدیریتونو مسایل ملاامامانو ته واوره ول اوله دوی څخه یې وغوښتل چې د مخدره توکو اضرار بیان کړی ورکشاپ د دعايه په لوستلو سره پای ته ورسیده.

د پکتیکا ولایت د ارشاد، حج او اوقافو ریاست راپور

د پکتیکا ولایت د ارشاد، حج او اوقافو د ریاست په جامع جومات کې ۱۳۹۷/۸/۲۹ چې د سه شنی د ورځی سره برابره وه د اسلام د ستر پیغمبر حضرت محمد (ص) گران میلاد یا د پیدایښت ورځ په خورا درنو او مبارکو مراسمو سره ولمانځل شوه په نوموړی غونډه کې د ولایت په مرستیال محترم والی سربیره د بیلابیلو ادارو استازو د مرکز او ولسوالیو څخه دینی علماؤ قومی مشرانو او ځوانانو کېدون کړی وه غونډه د قران پاک د څو مبارکو آیتونو سره پیل شوه د اجندا سره سم د حضرت محمد مصطفی (ص) په غوره او درنو اخلاقو ښاغلی مولوی محمد امین وینا وکړه او دستر لارښود یې بیلابیل حسن اخلاق کېدون والو ته بیان کړل په همدی موقع د نعمت ځوانانو له خوا د گران پیغمبر (ص) په باب نعتونه عم وویل شوه ورپسی د رسول (ص) د معجزو په اړه د ارشاد، حج او اوقافو ریس الحاج مولوی ضبط الله هم عجی او غریبی معجزی بیان کړی او ترڅنگ د رسول (ص) په ژوند خبری وکړی د نوبت په پام کېنې نیولو سره د حضرت محمد (ص) د فضیلت او بهتری په اړوند مولوی سید صابر شاه وینا وکړه د نعتونو ویلو سره د دایرو جهانونو د سردار حضرت محمد (ص) په شفاعت، تاریخ او سیرت مبارک باندی دینی علماؤ خپلی ویناوې د غونډی کېدونوالو ته واورولی وروسته دا مبارکه جلسه د یوی پراخی دعا په کولو سره پای ته ورسیده.

گزارش ریاست ارشاد، حج و اوقاف ولایت غور

هفته سیرت النبی (ص) و رویداد های تاریخی سیرت و اخلاق منجی عالم بشریت حضرت محمد (ص) از دیدگاه اسلام شامل موضوعات ذیل است:

۱- زندگی نامه پیغمبر (ص) بعد از تولد: ارایه کننده استاد عبدالروف فیاض استاد پوهنتون غور.

۲- زندگی نامه پیغمبر (ص) از بعثت تاهجرت ارایه کننده: مولوی جلال الدین ضیای خطب مسجد جامع احمد شاه مسعود.

۳- زندگی نامه پیغمبر (ص) از هجرت تا رحلت: ارایه کننده استاد عبدالروف فیاض استاد پوهنتون غور.

۴- سیرت و اخلاق محبوب مان: ارایه کننده مولوی نظام الدین حبیبی آمر ارشاد و مساجد.

به همکاری و هماهنگی ریاست ارشاد، حج و اوقاف و خطیب مسجد جامع شهداء مولوی شجاع الدین محمدی به اشتراک تعداد زیاد از برادران و خواهران و جوانان متدین این ولایت بعد از نماز ظهر از ساعت ۱:۱۵ الی ۲:۰۰ بجبه



همه روزه به مسجد جامع شهداء تحت شهر فیروز کوه الحمدلله بدون کدام مشکل تدویر یافت . و همچنان به گرداننده گی الحاج محمد احمدی مدیر عمومی احتساب ویژه برنامه سیرت النبی(ص) به رسانه های تصویری و صوتی محلی غور به اشتراک خطباء و امامان مساجد رسمی این اداره سهم فعالانه راجع به موضوع ایفاء نموده است.

د هلمند ولایت د ارشاد، حج او اوقافو د ریاست راپور

د مالی او اداري برنامه:

- د ارشاد حج او اوقافو د ریاست د شکایاتو لپاره یو ځانګړی صندوق نصب او (۳) کسيزه هییت جوړ شو، ترڅو هفته پر هفته شکایت راتول کړي.
- د ارشاد حج او اوقافو د ریس او علماؤ ګډه ناسته د محترم جلالتماب رئیس جمهور سره په (۱۳۹۷/۸/۶) ترسره شوه چې د حج د سېمې، د تشکیل کمبود، د علماؤ امنیت او د مشکلات په نورو برخو ورسره شریکي شوې، او د ولسمشر لخوا تر زیاته حده ورته مثبت جواب او اطمینان ورکړل شو.

د عامه اړیکو د مدیریت په برخه کې:

- په مجموع کی (۱۲) غونډې چې پر مختلفو موضوعاتو باندې دایرې شوی وې، لکه واکسین، د علماؤ او مامورینو ترمنځ همغږی، سوله او همدارنګه په (۲) د دستار بندۍ په جلسو کی ګډون شوی دی.
- د ریاست په داخل کی په جوړو شوو غونډو کی چې د کارمندانو د همغږی لپاره جوړی شوی وی، د ولایت د محترم مقام په تالار کېنې د پولیو د واکسین په هکله او همدارنګه د ریاست په داخل کی د علماؤ په جوړه شوی غونډه کی ګډون شوی دی.

د اسلامی تعلیماتو د مدیریت په برخه کې:

- د (۴۴) خصوصی مدرسې چې زیات شمیر د طالبانو لیلیې او همدارنګه د ثبت او راجستر پروسې پکې جریان درلود ورڅخه د کنترول په موخه لیدنی شوی.
- په (۱۵) دایرو شوو غونډو کی چې پر مختلفو موضوعاتو باندې مشتملی وی ګډون شوی او همدارنګه د زیاتو مدارسو څخه د کنترول په موخه لیدنه شوی ده.

د محاسبی د مدیریت په برخه کې:

د شیخ زاهد د جامع مسجد د احاطی د دیوال چې (۸۰٪) کار یې بشپړ شوی د عادی بودجی څخه ترمیم کړی.

د اوقافو مدیریت په برخه کې:

د ناوی په ولسوالۍ کې دجمعی د لمنځونو او خطبو څخه او همدارنګه د هزار اسپ په سمیه کېنې د ملاباران آغا د هدیری څخه نظارت شوی دی.

د نادعلی ولسوالۍ د اوقافو مدیریت:

(۹) دینی مدرسې ثبت او راجستر او همدارنګه د جمعی د لمنځونو او خطبو څخه نظارت شوی دی .

د ارشاد برنامه:

- د کابل د وزارت صحت عامی څخه دوه تنه ډاکټران راغلی و چې د مساجدو په لوی مدیریت کېنې یوه شانداره غونډه ورسره دایره شول، او همدارنګه (۲۰) تنه علمای کرام د راډیو تلویزیون محترم آمریت ته د مختلفو موضوعاتو د بحث لپاره معرفی شوی و .
- (۲۰) تنه علمای کرام د ولایت مقام وتلار ته د جلالتماب ریس جمهور د خبرو د ملاتړ په موخه لېږل شوی وه او همدارنګه د ریاست معارف په داخل کی د زده کوونکو په هکله په دایر شوی غونډه کی ددی ریاست یو نماینده ګډون کړی . او همدارنګه (۴۵) تنه علمای کرامو د ملی امنیت د نوی رئیس سره معرفت په موخه وکتل.
- (۱۵۲) علمای کرامو د عامی روغتیا و ریاست دکتلوی معافیت د واکسین سیمینار ته معرفی شوی دی او همدارنګه د کابل د وروستی پېښی د شهیدو ژورنالستانو په فاتحه کېنې ګډون وشو او همدارنګه په مرکزی جامع جومات کی د وروستیو انتحاری پېښو د شهیدانو فاتحه واخیستل شول .
- (۶) جلسی د ریاست په داخل کی د علمای کرامو سره د همغږی او دوی ته د رسمی خطبو د ویشلو او گذارش اخیستلو په موخه او (۴) جلسی د ولایت د محترم مقام د غونډو په تالار کی په انتخاباتو کی د خلکو د ګډون او عامه پوهاوی په اړه دایری شوی وی ټولو علماؤ په کېنې پراخ ګډون کړی وو .
- په مجموع کېنې (۵) دایرو شوو غونډو ته علمای کرام د عامه پوهاوی په خاطر معرفی شوی دی چې دوه یې د ولایت د محترم مقام په تالار کی د کالدارو پر بندیدو ښځو او کوچینیانو پر خشونت او د امنیتي ځواکونو د ملاتړ په موخه په فرهنګی مرکز کې او دوه نورې د ریاست په داخل کی دایری شوی دی، او همدارنګه د (۴۰) جامع جوماتونو لیست د اختر د لمانځه د ادا کولو په موخه ترتیب او د ولایت د محترم مقام تر منظوری وروسته په کې د اختر لمونځ ادا شو .

